

کارگران جهان متحد شوید!

۲۸ صفحه

پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال سوم - دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۰ بهاء ۳۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- دانشجویان کمونیست و انقلابی بوزه سلطنت طلبان فراری و هواداران بختیار خائن را بخاک مالیدند! صفحه ۷
- "ذرافشانی" سخنگوی دولت!! صفحه ۱۴
- درباره مفهوم "بورژوازی دمکرات" صفحه ۱۵
- مردم زحمتکش ما جاسوس نیستند! صفحه ۲۲
- "میتران" و ماسک سوسیالیستی اش صفحه ۲۵

لا بجه قصاص:
نمودار ماهیت
بسیار ارتجاعی
رژیم

صفحه ۱۳

کمونیست پیکارگر رفیق مترگان
رضوانیان:
شهید دیگر
نارنجک
پاسداران!



صفحه ۸

سرمقاله

پاسخ خمینی به
مجاهدین و درسی
که باید از آن گرفت!

بدنیال سیاست جدید رژیم جمهوری اسلامی در به اصطلاح بکار گرفتن شیوه "جماق و نان شیرینی" که در سرمقاله پیش به تفصیل از آن سخن گفتیم، رژیم حاکم کوشش دارد تا بر مبنای اطلاعیه ۱۰ مساعده ای دادستانی، در عین حال که موجودیت و فعالیت نیروهای رویزیونیست و خائنی چون حزب توده و فدائیان "اکثریت" را بسپای خیانتشان به انقلاب و توده ها به رسمیت نشناسد، متقابل نیروهای سیاسی انقلابی را که در برابر رژیم و جنایات او ایستادگی کرده اند، بعنوان نیروهای "غیرقانونی" مورد بیورش و سرکوب قرار داده و به دستگیری، ضرب و شتم و ترور و شکنجه آنها بپردازد. بیلان عملکرد رژیم جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۲

زندانیهای جمهوری اسلامی: شکنجه و یورش
پاسداران و هشت گره کرده انقلابیون

بدنیال اظهار نظر "هشتیت بررسی شایعه (!) شکنجه که گویا "زندانیهای جمهوری اسلامی شکنجه و جودندارد"، دژخیمان و زندانیان با خیالی راحت سر از گذشته و با سودجویی از همکارها و حمایت های رویزیونیست های خائن "توده ای" و اکثریتی، شکنجه و آزادی روبرو زندانیان انقلابی و کمونیست را تشدید کرده اند روزی نیست که بندهای انقلابیون اسیر موردتهاجم وحشیانه پاسداران قرار نگیرد و فرزندان انقلابی و کمونیست زحمتکش با شکنجه های مزدوران رژیم مواجه نشوند. خبرهایی که از زندانیهای ایران میرسد از یک سو حکایت از مقاومت و پایداری حماسه آفرین انقلابیون در بنددشته و از سوی دیگر، وحشیگری و عمق رذالت زندانیان ملتزم جمهوری اسلامی را می نمایاند.

در صفحات ۹ - ۱۱ - ۲۲



توطئه
اخراج کارگران
"۵ درصدی" و
راه مقابله با آن

صفحه ۳

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سر مقاله...

در فاصله همین دو ماهی که از سال با صطلاح "حاکمیت قانون" میگذرد و اما رواق دستگیر - شدگان و آنها که به وحشیانه ترین شکلی در تهران و شهرستانها مورد ضرب و شتم و ترور و سدا ران و با ندهای سیاه حزب جمهوری اسلامی قرار گرفتند بروشنی صحت این موضوع را ثابت میکنند و جالب اینست که این یورش و سرکوب نیروهای انقلابی درست در شرایطی صورت میگردد که حزب سوده و فدائیان "اکثریت" این نوکران بورژوازی به دنبال خیانت خود در اول ماه مه، اینروزها خود را برای شوی "بخت آزاد" تلویزیونی آماده میکنند.

همانطور که در سرمقاله پیش نیز اشاره کردیم رژیم جمهوری اسلامی در متن تشدید بحران اقتصادی و سیاسی جامعه و در پی کوشش برای مقابله با این بحران، در ابتدای سال جدید چاره را در این دیدگاه و لا میان دوستان و دشمنان خود مرزبندی مشخصی بنمایند و از دیدگاه خود با مطلق جهسه انقلاب و فدا انقلاب را مشخص کنند و تا نیا نیروهای بینا بینی را حتی الامکان غنشی و با جذب نماید و تا لثا با تقویت پایه جبهه خود به سرکوب انقلاب و نیروهای انقلابی بپردازد.

رژیم با این سیاست جدید خود توانا که به مجاهدین مربوط میشود، کوشش دارد تا در کنار چماق سرکوب و حمله به نظرات مجاهدین و فروشندهگان نشریه مجاهد دستگیری و ترور اعضا و هواداران این سازمان، در عین حال از زبان فریب نیز استفاده کند و تا آنجا که بتواند بیا "نماهی پدران" به هواداران این سازمان و در مواردی رهبران آن، آنان را از کمونیستها دور کرده و دست کم غنشی نماید. بدون تردید، این سیاست رژیم در برابر مجاهدین، در ارتباط تام و تمام با مواضع سیاسی آنها دارد و آنچه که در درجه اول لیبرالها و در درجه بعد و میزبان محدودتری حزبها (بویژه جناح دوراندیش آن) را به سمت چنین سیاستی رهنمون میشود، چیزی جز همان گردش شدید لیبرالی مجاهدین در سر خود نیست مسائل اساسی انقلاب و از آن جمله قدرت سیاسی نیست گرایش که در شکل تکامل یافته خود چندی پیش منجر به طرح شعار "خلع بد" از حزب جمهوری اسلامی، از سوی مجاهدین گردید.

پاسخ آیت الله خمینی به درخواست اخیر مجاهدین جهت ملاقات با وی از جمله نمونه های تازه ای است که بروشنی سیاست جدید رژیم را در برابر شرایط بحرانی جامعه و دوستان و دشمنان جمهوری اسلامی و از آن جمله مجاهدین بیان میکند خمینی در پاسخ به مجاهدین، کوشش دارد تا بیا آنکا به مواضع بینا بینی مجاهدین آنها را بر سردورهای منضمی قرار دهد؛ با تسلیم در برابر قانون اساسی و قانونیت رژیم جمهوری اسلامی و در اینصورت عمل کردن با مجاهدین بهتر است از آنطوری که آنها بخوابند و با مقاومت و ایستادگی در برابر رژیم کم که نتیجه اش چیزی جز ممنوعیت فعالیت سیاسی و سرکوب و کشتار آنها نخواهد بود

آیت الله خمینی در سخنرانی روز دوشنبه گذشته خود، در پاسخ به درخواست مجاهدین جهت ملاقات با وی میگوید:

"ما دایمی که شما تفنگها را در مقابل ملت کشیده اید، یعنی در مقابل اسلام با اسلحه قیام کرده اید نمیتوانیم صحبت کنیم و نمیتوانیم مجلسی با هم داشته باشیم" و اضافه میکند: "اسلحه - ها را تسلیم کنید و اگر میگوئید ما به قانون در عین حال که رای نداده ایم لکن سر به اوسمی - سپاریم آن را با قانون شاع عمل کنید و قیام مبر سر ضد دولت که برخلاف قانون است و قیام مسلحانه که بر ضد قانون است و دارای اسلحه که بر ضد قوانین کشور است به اینها عمل کنید ما هم با شما بهتر از آنطوری که شما بخوابید عمل میکنیم" (کلیان - سه شنبه ۲۲ اردیبهشت).

پاسخ خمینی کاملاً مریخ و روشن و خالی از هرگونه ابهام و دوپهلویی است. رژیم جمهوری اسلامی و از آنجمله شخص خمینی برای مجاهدین که میگویند موضع بینا بینی خود را حفظ کنند و راه بیشتر نمی شناسند؛ با تسلیم و کناره گیری از مبارزه طبقاتی و دفاع از منافع زحمتکشان که در چنین صورتی، رژیم جمهوری اسلامی "عناایت" کرده و آنها را پذیرا خواهد شد و با پایبندی بر دفاع از زحمتکشان و منافع آنها و ایستادگی در برابر جناحیات رژیم کم که در چنین صورتی رژیم جمهوری اسلامی آماده سرکوب و کشتار آنها بوده و جای برای اقدامات و فعالیتات سیاسی آنها نخواهد بود. در منطق رژیم جمهوری اسلامی و از آنجمله شخص خمینی، تنها راه حق حیات و فعالیت سیاسی عبارتست از گردن گذاشتن به قانون جمهوری اسلامی یعنی قانون سرمایه داری گردن گذاشتن به سرکوب آزادیهای دموکراتیک و سرکوب کارگران و زحمتکشان و غلظهای تحت ستم، گردن گذاشتن به بمباران و قتل عام شهرها و روستاهای کردستان قهرمان نگردن گذاشتن به تعطیل دانشگاهها و بخون کشیدن دانشجویان کمونیست و انقلابی در سراسر ایران، گردن گذاشتن به جنگ ارتجاعی و گواشت دم توپ کردن زحمتکشان و آواره ساختن ۱/۸ میلیون از آنها، گردن گذاشتن به سرکوب، ترور، شکنجه و کشتار کمونیستها و انقلابیون توسط پاسداران و وابستگان جمهوری اسلامی و بالاخره گردن گذاشتن به اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستانی که در آن حکم قتل کمونیستها و نیروهای انقلابی را صادر کرده است.....!

آری اینست منطق آیت الله خمینی و رژیم جمهوری اسلامی. در برابر نیروهای انقلابی ای که بخوابند پیگیران نه از انقلاب و منافع زحمتکشان و غلظهای تحت ستم دفاع کنند.

آری، این منطق دشمنان اگت و چیزی نیست جز منطق مبارزه طبقاتی که دشمن در بیا ده گردن آن نسبت به نیروهای پیگیران انقلابی و تا آنجا که در توان دارد، تردیدی بخورده نخواهد داد و این نیروهای انقلاب و در اینجا بطور مشخص مجاهدین هستند که باید منطق و سیاست خود را بر این منطق صحیح و روشن ضد انقلاب ارزیابی کنند و

ببینند این منطق و سیاست تا چه حد در برابر منطق و سیاست دشمن قدرت مقابله و ستیز دارد. مجاهدین در نامه ای که برای آیت الله خمینی نوشته اند، علیرغم آنکه سعی کرده اند، هر چند به شکل تلویحی، از موضع قویتر و در عین حال محکمتری در مقابل با گذشته با آیت الله خمینی برخوردار کرده و امکان مقابله و درروشی با رژیم را بطور کامل نفی نکنند، معذک مضمون این نامه، همچون دیگر نامه ها و پیشنهادات مجاهدین کماکان در چارچوب قانونیت و مشروعیت کل رژیم جمهوری اسلامی و شخص خمینی است که بشخورد آنرا همان گرایش و توجهات شدید لیبرالی مجاهدین در سر خود به اساسی ترین مسائل انقلاب و از آنجمله بر خود به قدرت سیاسی تشکیل میدهد.

مجاهدین در نامه اخیر خود به آیت الله خمینی می نویسد:

"همچنین ما بارها تکرار کرده ایم... که اگر چه بنا به دلایل خاص خود ما به قانون اساسی رای نداده ایم اما به شرط اینکه همین قانون نیز عملاً اجرا شود، بدان ملتزم هستیم" و در پایان نامه خود میگویند: "بدین وسیله تقاضا میکنیم تا برای بیان مواضع و تشریح اوضاع و احوال و شکایات و اشکات مطالب فوق الذکر بدون هیچ - مسوب شده و انشاء الله سرآغاز زبانی در تداوم و تقاضای ملی و هر چه بیشتر زنده داشتن امید زندگانی مسالمت آمیز و در نتیجه نافی تشنجات داخلی و حتی زمینه ساز اتحاد دموومی سراسری برای رفع کامل العبارتجا و زحکام دیکتاتور و جاه طلب یعنی به حقوق زندگانی هموطنان ستمزده ورنجیده ای ما باشد." (به نقل از نامه مجاهدین به آیت الله خمینی - مجاهد شماره ۱۱۹)

مجاهدین حتی اگر صدا را هم از عدم اجرای "نصوص مریخ قانون" و از قانون شکنی انحصار طلبان و سرکوب آزادیهای اساسی توسط آنان سخن بگویند، با زهم نمیتوانند گریبان خود را از ملتزم بودن به قانون اساسی و تطهیر لیبرالها از شرکتشان در سرکوب جنبش توده ای و با لآخره تا شدیداً نونیت و مشروعیت کل رژیم جمهوری اسلامی رها سازند. نتیجه منطقی چنین برخوردی به این باور منجر میشود که گویا ملاقات با مجاهدین با آیت الله خمینی میتواند "یک رویداد مهم و تاریخی محسوب شده... و سرآغاز زبانی تدابیر و تقاضای ملی و هر چه بیشتر زنده داشتن امید زندگانی مسالمت آمیز و در نتیجه نافی تشنجات داخلی و حتی زمینه ساز اتحاد دموومی سراسری... باشد!!"

بلافاصله دوستان مجاهدینا خواهند گفت که این یک برخورد تاکتیکی است که هدفش در محظوظ قرار دادن آیت الله خمینی است. بسیار خوب! کسی مخالف برخورد تاکتیکی نیست و بدون تردید برخورد های تاکتیکی اصولی میتواند در بقیه در صفحه ۴۶

جنبش کارگری



مبارزات کارگران گروه صنعتی رنا و درسهای آن

گروه صنعتی رنا مرکب از سه کارخانه رنا میاد
زور و رادیا نورس است. مسازات ۳۰۰۰ کارگر
این گروه قبل و بعد از عید برای دریافت عیدی
و سود سه ماهه اعتصاب دوروزه کارگران رادیا نور
آغاز کردند. کارگران رنا نیز بعد از دو ماهه
خود را دریافت کردند و سه مسازات خود خست
دریافت ۴ هزار تومان عیدی ادا شدند و همزمان
با آنها کارگران زامادور نیز خواست
شترکی دست به مبارزه زدند و بدین ترتیب مبارزه
منحدا در گروه صنعتی رنا همکاری سه شورای
کارگران شکل گرفت.

شورای هماهنگی گروه تعداد مذاکرات بسیار
هستند مدیریت گروه اقدام به تشکیل یک هیئت ۸
نفره برای تحقیق درباره نحوه پرداخت عیدی و
پاداش در سایر کارخانجات نمودند بدین ترتیب
زمینه مناسبی برای ارساط گیری با کارگران
سایر کارخانجات و پیش بردن مبارزات گسترده
و متحدانه و بوجود آمدن یک بعثت فلابی بودن
اغلب شوراهای کارخانجات دیگر این مسئله
عملی نگردد. اما به هر حال شورای هماهنگی
به این متحد رسد که هیئت مدیره میتواند مبلغ
مورد تقاضای کارگران را پرداخت نماید و لذا
جمع عمومی را فرا خواهد و نظر خود را با کارگران
در میان میکارد.

سراخام علیسر غم معامت هیئت مدیره کارگران
آن را و ادا کردند تا خواست آنها را تصویب
نمایند ولی کارخاندهای زامادور نیز بدین
۳۰۰۰ و ۲۵۰۰ تومان پرداخت کرده و بقیه را به
بعد از عید موقوف میکنند. رادیا نور هم
پرداخت تمام ۴ هزار تومان را به بعد از عید
موقوف میکند.

روز ۱۸ فروردین قرار بود که حق کارگران
پرداخت شود اما روز قبیلش وزارت صنایع و معادن
رسماً دستور لغو پرداخت آنها را صادر نمود. و در
نتیجه ما بدین هیئت مدیره که همچون خود رژیم از
دودسته حزبی و لیسیرال تشکیل شده بود اختلاف
بروز میگردد. حزبها به دفاع از تصمیم صنایع و
معادن میسر دادند و لیسیرالها همک با سیاست
عمومیان و بخصوص بعد از واقعه ۱۴ افسند
قا نشکا دکدر رقابت با حزبها به عوام فریبی
میگردانند. خواهان پرداخت مبلغ مقررمی-
کردند. پس سازمان صنایع ملی شده حکم لغو
مدیریت لیسیرالها را صادر کرد و شوراهای گروه
را تهدید میکنند که نباید بول را بپردازند.

نوطه اخراج کارگران ۵ درصدی و راه مقابله با آن

بردن مزد کارگران شاغل، جزا آوردن به خست
بیکاران راهی نمیشناسند.

رژیم جمهوری اسلامی نیز که رسالت سازای
این سیستم و زنگشته را عهده دار است، از وعده و
وعیدهای دروغ گرفته، تا سرکوب و کلوله با ران
تغوف نظا هر کنگندگان کارگران بیکار در گوشه و
کنار ایران، فرو گذا رن کرده است، اما سیستم
این نوطه رژیم، تحت عنوان استخدام موقت
کارگران ۵ درصدی، پدهوده است.

رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی از عماه
پیش به این طرف، به سردمداری بنی صدر، دست
به استخدام بخشی از کارگران بیکار، نخست
عنوان کارگران موقت ۵ درصدی زد. رژیم
اعلام کرده بود که کارگران در کارخانجات استخدام
دا شتم نشده بلکه بصورت قراردادی شش ماهه
استخدام موقت میگردند، تا بعد از تمام دوره، کار-
فرما یا مدیر دولتی در صورتیکه احتیاج باشد،
دوباره با کارگران قرارداد جدید بکنند، و
اگر احتیاج نباشد آنها را بدون قید و شرطی
اخراج کنند.

این شیوه که رژیم سرما به داری جمهوری
اسلامی به آن متوسل میشود چیز تازه ای نیست.
بقیه در صفحه ۱۶

واقمیت این است که بحران اقتصادی
کنونی در جامعه ما روز به روز گسترده تر میشود
یکی از مسائل که در رابطه با این بحران شدت
یافت، و خود را بصورت یکی از مسائل بسیار حاد
جامعه در آورد، مسئله بیکاری است.

بیکاری روز افزون کنونی، خود تشدید
بافتن بیکاری است که همواره و ضرورتاً در جامعه
سرما به داری ما وجود داشته است. سرما به داران
به خاطر آنکه همواره بدنبال سود بیشترند، بسیار
بیکار نگاه داشتن بخشی از طبقه کارگر - و
زحمتگنان و تحمیل فشار طاقت فرسای کار به
بخش شاغل طبقه کارگر به سودهای سرشار - برتری
دست می یابند. اگر در گذشته در مواقع غیر
بحرانی بیکار نگاه داشتن بخشی از کارگران
وزحمتگنان، به خاطر پاقین نگهداشتن دستمزد
کارگران و سرکوب مبارزات آنها برای طبقه
سرما به داران و دولت حامی آنها ضروری بود، اما
در مواقع بحرانی، افزایش بیکاری و آواره گردن
روزانه تعداد بیشتری از کارگران یکسای از
ابزارها و وسایل تحمیل بحران سرما به داری
برودن طبقه کارگر از یک طرف و سرکوبی مبارزات
رو به رشد آنها از طرف دیگر میباید. بنابراین دیگر
در این دوره سرما به داران، برای پائین تر

حمایت کارگران ذوب آهن از جنبش خلق کرد

مقامت خلق کرد را بر امیدارند.

مردوران رژیم و حجت زده بدست و با افتاده
بودند که هر چه زودتر دانش آموزان کپرد را از
کارخانه خارج کرده و طبقه انشاکری آنها را
بگیرند. اما استقبال کارگران از فرزندان دلیر
خلق کرد که بسیار کرد کرد آنها را همبستگی
مبارزاتیشان با جنبش خلق کرد بود، مردوران را
بیشتر افتاد نمودند بدین ترتیب نه تنها رژیم به
هدف ضد خلقی خود نرسید، بلکه بالعکس موجب
استحکام بیشتر پیوند میان کارگران ذوب آهن
و خلق کرد گردید.

روز ۶/۱/۳۱ رژیم حدود ۱۰۰ نفر دختر و پسر
دانش آموزان کپرد را برای باز دید به ذوب آهن اصفهان
مبیرد. هدف رژیم از این کار دامن زدن به
عوام فریبی پیش در مورد اینکه کوبا با خلق کرد
هیچ دشمنی ندارد و همچنین برای پونا نند
جنابات و حضا نه دوسا له اش در کردستان، بود.
اما دانش آموزان انقلابی بعضی ورود به
قسمتهای نورد ۶۵ و نورد ۳۵، علیسر غم جلوگیری
جا تومان رژیم، به افتاکری پرداخته و حقانیت
جنبش خلق کرد را برای کارگران تشریح
مینداسند. کارگران نیز در آنجا حلقه زده و ضمن
تا نشد گفته ها بشان، بهشتیانی خود را از جنبش

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



شورای رادیکال تور علی‌رغم این دستورپول را برداخت می‌کند ولی شورای رادیکال رگرا ن معترض و حق طلب را دعوت به آراش نموده و آنها را از زنگار خادنه‌کش ملی می‌تراشد! بدین ترتیب هماهنگی ما بین شوراها از بین رفته و استرویی در میان آنها رشد میکند.

"دادستانی انقلاب" دستور جلب شورا و مدیریت رادیکال تور را بجرم "سرقت بیت‌المال"؟ ما در می‌کند ولی اگر چه بعد از دو هفته آنها را آزاد می‌نماید، اما کارگران رادیکال توردست به اقدامی هشیارانه زده و "شورای موقت" خود را انتخاب می‌نماید. اما شورای رادیکال توردست به دفاع از مدیریت لیبرال می‌پردازد و توهیم کارگران را نسبت به آنها افزایش می‌دهد.

صندوق حسابداری که توسط مأمور صنایع و معادن مهروموم شده بود، موجب دامن زدن به بحث‌های زیادی در میان کارگران گردیده و موجبات افشای بیشتر رژیم را فراهم می‌نماید کارگران عمدتاً خواهان بازگردن صندوق و دریافت حق خود می‌گردند. که شورای رادیکال اینکار مخالف می‌نماید. مدیریت و شورای "زر" اقدام به پرداخت ۲۵۰ تومان از پول موجود به کارگران می‌نماید و بدین حال آن حکم جلبشان نیز صادر می‌گردد.

در این میان عده‌ای از اعضای شورا‌های رادیکال به همراه عده‌ای از کارگران به وزارت صنایع و معادن رفته و خواهان حضور شایندگان

این وزارتخانه در میان کارگران می‌شوند که نوکران رژیم از ترس افشای شدن موافقت نمی‌کنند. این اقدام‌ها بنام پندگانی که می‌توانست با رودر رو قرار دادن مقامات و کارگران به افشای بیشتر رژیم کمک نماید، علی‌رغم به نتیجه نرسیدن وسیله خوبی شد برای افشای جنونی و ضدکاری بودن مقامات رژیم.

سرانجام روز ۶۰/۱/۲۶ مجمع عمومی با شرکت کلیه کارکنان گروه به دعوت شورای هماهنگی برای تصمیم گیری نهائی تشکیل شد در این جلسه نمایندگان کارگران را به اتحاد و پشتیبانی از شورای زندانی شده رادیکال توردست دعوت کردند و نمایندگان رادیکال توردست را از اتحاد خود بیرون کردند و اعلام کردند که برای اشاعات اتحاد خود پول کارگران را برپا داشتند که این گفته‌ها پشتیبانی کارگران را مواجه گردید و شورای زامیاد تحت فشار کارگران بش که پولی دریافت نکرده بودند، اعلام کرد که حاضر است پول کارگران را برداخت کند بشرطی که مسئولیت اینکار بر عهده خود کارگران باشد و بدین ترتیب نقش خود را بعنوان نمایندگان واقعی کارگران نفی کرد. سرانجام مجمع بدون هیچ دستاورد مشخصی خاتمه یافت.

نکات مثبت و منفی این حرکت

با توجه به آنچه گفته شد روشن می‌گردد که علی‌رغم ضعف‌های مشخصی که در حرکت کارگران گروه صنعتی رنا وجود داشت، نکات مثبتی نیز در روند مبارزاتشان وجود داشت که طبقه کارگر می‌بایست با درس گیری از آنها و هتسرا از ضعف‌های حرکتشان مبارزات خود را هر چه

آنها نه ترو متشکلتر به پیش ببرد. گذاشتن مجمع عمومی و افشای عملکردهای رژیم در میان توده‌ها از اعمال بحا و مصلحتی شورای هماهنگی بود که می‌بایست پیش از این برگزار می‌شد. همچنین رفتن کارگران به همراه شوراها به وزارت صنایع و معادن و وزارت کار و دعوت از آنها برای پاسخگویی به مسائل کارگران در حضور جمع، تا شایسته‌سازی در رشد آگاهی کارگران و افشای ماهیت ضدکاری این ارگان‌های رژیم داشت و اعتماد کارگران را نسبت به نمایندگان نشان افزایش می‌داد.

اتخاذات کنی که می‌بایست مناسب، جلوگیری از لطمه و آراش در اتحاد کارگران و افشای قاطعانه ناپیکاریها می‌بایست سیاست حاکم بر اینگونه حرکتها باشد و توسط کارگران آگاه و انقلابی پیش‌بینی شود. بدین ترتیب عدم تقسیم پول صندوق میان کارگران و با نیروی خود کارگران که می‌توانست جلوی دستگیری اعضای شورای رادیکال تور را نیز بگیرد، اشتباه شورا بود و از طرف دیگر عدم افشای ناپیکاری و راستروی شورای رادیکال توسط سایر کارگران مبارزان، ضعف دیگری بود که نه تنها اتحاد کارگران را تقویت نکرد، بلکه با دامن زدن به تفرقه عملی با عت تضعیف آن گردید. بدین ترتیب یکبار دیگر این مسئله مهم در این تجربه‌اشیات گردید که پیروزی مبارزه کارگران در گرو استحکام و آشتی ناپیکاری رهبری آن و طرف هر گونه سازگاری است و نه در حفظ اتحادی ظاهری به بهای تسن دادن به یک رهبری منززل و ناپیکاری. به امیدیکار بستن این تجربیات و افزایش آگاهی و متشکل طبقه کارگر!

مجمع فولاد اهواز: توطئه‌های جدید رژیم و مقاومت کارگران

سپس محافظین مسلح این مزدور در میان خشم کارگران و با مبارزات به تیراندازی هوایی او را از جنگ کارگران فراری می‌دهند. در این هنگام کارگران شعار می‌دادند: "مرگ بر آمریکا" "مرگ بر ارتجاع"، "مرگ بر پادشاه" "بسمت پادشاه رانی که از قبیل برای سرکوب اعتراض احتمالی کارگران آماده شده بوده، حمله می‌کنند که مزدوران رژیم فرار را برقرار ترجیح داده و می‌روند. ضمن آنکه در این موقع یک بمب موتسی توسط مزدوران رژیم در کارگاهی از شرکت مانا منفجر می‌شود فردای آنروز کارگران دُوب ۱ در مقابل دفتر رئیس مجمع گردآمده و خواهان رسیدگی فوری به وضعشان می‌شوند و مورد حمایت کارگران قسمتهای دیگر قرار می‌گیرند.

نکته قابل توجه آنکه رویزونیستهای خائن توده‌ای و اکثریت که همواره در کنار انجمن

در ادامه توطئه‌های رژیم برای اخراج کارگران فولاد اهواز که در اثر مبارزات کارگران تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده‌اند (تعطیلی موقت با ز خرید اجباری، هیئت جمع آوری نظرات، ...) و پس از تبدیل شدن جلسات هیئت اخیر به عرصه محاکمه و افشای انجمن اسلامی و ستاد بسیج، روز ۶۰/۲/۱۵ رئیس مجمع با صدور اطلاعیه‌هایی اعلام می‌کنند که از اول خرداد ماه بخشی از شرکت مانا شامل کارگاه‌ها به نامی با ۷۰۰ کارگر بصورت تعاونی اداره خواهد شد و از ۶۰/۲/۲۰ کارخانه دُوب ۱ که در پنج کیلومتری اهواز قرار دارد، جزء مناطق جنگی بحساب آمده و کارگران آن علی الحساب بین ۲۰۰۰ الی ۳۵۰۰ تومان دریافت خواهند کرد.

این اطلاعیه‌ها با اعتراض کارگران مواجه می‌شود بطوریکه کارگران دُوب ۱ بعد از امتناع رئیس مجمع از گفتگو با آنها و راجزور میان کارگران می‌آورند. این مزدور هم‌صراحتاً اعلام می‌کنند که: "اهواز جزء مناطق جنگی است ولی بخاطر بهره‌برداری سیاسی عراق از این مطلب این موضوع اعلام نگردیده است. بنا بر این شما شامل منطقه جنگی با این می‌سازان دستمزد هستید!"

اسلامی و سایر مزدوران رژیم، بر علیه کارگران و مبارزات انقلابی به توطئه‌چینی مشغول بودند، اینبار نیز با طرح اینکه نجفا ریسب کار "همان انقلاب" بوده است سعی در تطهیر پادشاهان داشتند. در حالی که کارگران میدانستند که بمب راپادشاهان را خدایان انقلاب منفجر کرده‌اند و این تلاش مذسوجانه خائنین رویزونیست جانی جز افشای بیشتر خودشان نداشت.

آنچه که در میان این حرکات کارگران برجسته و برارزش بود، بی‌شک هر چه بیشتر آنها به ضرورت تشکیل شورای واقعی نمایندگانشان بود که نتیجه‌اش آغاز زبخت کارگران دُوب ۱ برای ایجاد شورای واقعی شان جهت پیشبرد منجذانه مبارزاتشان بود.

اما با توجه به تکرار مکرر توطئه‌های رژیم جهت اخراج کارگران از طریق ایجاد چند دستگی در میان آنها، آنچه می‌تواند ما من حفظ یکبار چگی و هویشاری کارگران برای مقابله با اعمال ضدکاری رژیم باشد، چیزی جز تشکیلات سراسری واقعی مجمع نیست که خود می‌بایست حمایت کارگران را بر مناطق برای دفاع از منافع کارگران فولاد اهواز جلب نماید پیش بسوی تشکیل شورا‌های واقعی کارگری!

خلق‌ها و مسئله ملی



دو خبر از سقز

سقز ۶۵/۲/۱۴: بدنبال درگیریهای اخیر بین پیشمرگان و نیروهای رژیم، با سداران به تلافی ضربات پیشمرگان، جلوحمل کالاهایی که به مقصد سقز در حرکت بودند منکسرند این عمل با اعتراض بازاریان سقز مواجه میشود و آنها با بستن مغازه‌ها اعتصاب نموده و در مسجد جامع سقز اجتماع میکنند. بازاریان سقز سقز اعلام میکنند تا رفع ممانعت از ورود کالاها به اعتصاب خود ادامه خواهند داد این موضوع را با انتخاب نمایندگان به اطلاع فرماندار جاش و مزدور مسعود طلوعی میرسانند.

روز دوم اعتصاب رژیم تحت فشار مجبور به آزادی ورود مقداری از کالاها میگردد اما بازاریان کماکان به اعتصاب خود ادامه میدهند.

روز ۶۵/۲/۱۶: فرماندار مزدور به همراهی جاشها و زاندارها به بازار ریخته و با کلتنگ بعضی از دکانها را خراب کرده و اموال چند مغازه را مصادره میکنند. این حرکت سرکوبگرانه اگر چه باعث شکستن اعتصاب میگردد اما موجب تشدید نفرت اهالی مبارز سقز از رژیم مزدوران آن میشود. سقز ۶۵/۲/۱۵: در این روز مقرها شها و با سداران واقع در مخبرات سقز مورد حمله پیشمرگان جریکهای فدائی خلق (اشرف) قرار گرفته و یک جاش کشته و دو نفر دیگر از جمله یکی از اعضای انجمن اسلامی مخبرات زخمی میشوند.

پیوند جنبش مقاومت خلق کرد و جنبش طبقه کارگر و توده‌ها، ضرورت تداوم انقلاب

توده‌های زحمتکش کرد را بدنبال دارد. ۵۰ هرهمین رابطه برای بورژوازی استعمارگر حاکم، با ساد هوبیت ملت‌های تحت ستم اهمیت ندارد. آنچه که مهم است حفظ تمام مناطق ایران جهت نامین بازاری فروش کالاها کمیت ستمگرانه‌ای است که ملل تحت ستم را به انقیاد خود درمی‌آورد. حال بر طبق جنبش مفا مین، کلیه کارگران، زحمت - کشان و خلقیانی تحت ستم دشمنان طبقه تسی معینی روبرو هستند که کرد و ترک، عرب و بلوچ، فارس و... را بدون هیچ تمایزی، استعمار و سرکوب میکنند و این دشمنان همانا، امپریالیسم و ارتجاع هستند. بنا بر این مبارزه ملی - طبقه‌ای در کردستان نیز مبتنا به جزئی از جنبش دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای سراسر ایران است که اهداف آن در این مرحله میتواند و باید همان اهداف مرحله‌ای انقلاب ایران یعنی نابودی سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته، آزادی ملل ستمدیده‌ها از انقیاد ملی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق باشد.

بورژوازی ارتجاعی حاکم برای اعمال حاکمیت خود و حفظ سلطه سرمایه داری وابسته در جهت تحکیم مناسبات استعمارگرانه سرمایه داری، کارگران، دهقانان و خلقهای ستمدیده‌ای را که برای گسستن زنجیر ستم و بردگی ارتجاع و امپریالیسم به مبارزه برمی خیزند سرکوب و کشتار میکند. این فاعده عمومی مبارزه طبقه‌ای در این مرحله از انقلاب ایران است و جنبش مفاومت خلق کرد نیز از این فاعده مستثنی نبوده و نیست. هزاران دهقان و زحمتکش کرد اکنون مسلحانه و در پیشاپیش توده‌های وسیع خلق کرد بر علیه رژیم جمهوری اسلامی مبارزه میکنند، تا با نابودی سرمایه داری وابسته و برانندازی سلطه جا بران ارتجاع و امپریالیسم بر ثروتهای ملی خود، ملیت و فرهنگ ملی تحقیر شده خود را از بوغ ستم ارتجاع و امپریالیسم‌ها سازند. بنا بر این وقتی که میگوئیم جنبش خلق کرد، مبارزه است بر علیه ستم مفا علی - طبقه‌ای آنچه مطرح است مبارزه بر علیه ستم ارتجاع و امپریالیسم است که انقیاد ملی و تحقیر ملیت

جشن اول ماه مه

روز ۱۱ اردیبهشت به مناسبت اول ماه مه روز جهانی طبقه کارگر و دعوت کومله و سازمان با شرکت بیش از ۱۲۰۰ نفر از اهالی بوکان مراسمی در سالن دبیرستان کمال این شهر برگزار شد. دیوارهای سالن با پوستریها و پلاکاردهای بهمین مناسبت تزئین شده بود و بر روی پلاکاردها آرم ویژه نیکار به مناسبت اول ماه مه نقش بسته بود. روبروی حضار عکسهای از رهبران پرولتاریای جهان، مارکس، انگلس و لنین همراه با شعار کارگران جهان متحد شوید توسط رفقای کومله پدیدار و نصب شده و جلوه خاصی به فضای آکنده از شور انقلابی اهالی مساز... در سالن بخشیده بود. در ابتدای مراسم سرود سازمان نیکار به مناسبت ۲۲ بهمن پخش گردید و سپس پیشمرگان انقلابی کومله سرود انترناسیونال را بزبان کردی اجرا نمودند. آنگاه یکی از رفقای مسئول کومله در مورد اول ماه مه شروع به سخنرانی نمود. رفیق ضمن اشاره به تاریخ اول ماه مه و مبارزات

ضربه پیشمرگان انقلابی پیکار بردشمن

انفجار فرادبا یگا همروا ریدکه تا زهد در آنجا مستقر شده بودند با به فرا رگذا شیه و از ارتفاعات محل درگیری و مسرب پیشمرگان قهرمان را با خمپاره میگویدند. این ضربه موفقیت آمیز تا شیرخوبی در روحیه اهالی مبارزه منطبقه گذاشت و آنها بگرمی از پیشمرگان استقبال کردند. ما شین مزدوران تا پاسی از شب در حال سوختن بود. بعد از این ضربه، پیشمرگان سالم به پایگا‌های خود با رگشتند.

در تاریخ ۶۵/۲/۲ پیشمرگان سازمان نیکار ریل شهید کریم و پیل شهید جمال در حوالی پایگا همروا رید در روستای "بوانه" کالاهای به یک ماشین سیمرغ حامل یک جاش ۳۰ با سدار حمله کردند. در اثر این حمله ما شین مزدوران رژیم با گلوله‌های پیشمرگان قهرمان سوراخ - سوراخ شد و ۳ نفر از سرنشینان آن کشته شدند. راننده ماشین توانست خود را از کمین پیشمرگان خارج کند اما به علت امانت گلوله به موتور و ماشین با صدای مهیبی منفجر شد. بدنبال این

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



غیبه از صفحه ۵ پیونده...

اما مبارزات دمکراتیک - صدا میریایستی کارگران، دهقانان و خلقهای سخت ستم در سراسر ایران همگون نیست. این ناهمگونی و تضامینات بین سطح و پتانسیل انقلابی، به مجموعه ای از عوامل عینی و میزان تاثیر عمده هندی در روند مبارزات شده ها بسگی دارد. تشدید ستم ملی توسط رژیم حاکم، در جهت تحکیم حاکمیت ستمگرا نه خود و متغیلا کسترش روراء - سزون جنبش های خود بخودی زحمتکشان کردستان از همان اوان بد از قیام، بمنشا به با به های عینی کسترش و تعمیق جنبش مقاومت اریکسو و رند روراء فزون کمونیستها، بلابریزه شدن نیروهای سیاسی و عربان شدن مرزا انقلاب و ضد - انقلاب و افزایش پتانسیل انقلابی جنبش معنای به تا شیر عمده هندی از سوی دیگر، در مجموع ویژه گیهای به جنبش مقاومت خلق کرد بخشیده است که اگر این جنبش بر مبنای وجود جنبش عوامل ملی در جهت تامین منافع طبقه کارگر و رهبری آن برانقلاب هدایت شود، سراجا می حرکت کند نخواهد داشت. دوام و بقا و استمرار جنبش مقاومت خلق کرد جز در پیروسی و توسعه و تحکیم پیوند با جنبش خلقهای سراسر ایران میسر نیست. جنبش پیوندی ضرورتی اجتناب ناپذیر و فوری داشته و از ملزومات کسترش جنبش بوده ای سراسری میباشد: اجتناب ناپذیر از آن جهت که با حرکت از مضمون اساسی جنبش مقاومت و اوضاع جغرافیایی و اقتصادی کردستان اریکسو مقاومت ضد - خلقی و بورژوازی رژیم جمهوری اسلامی از سوی دیگر، نه خلق کرد میتوان ندیدون وجود پیوند بین جنبش مقاومت و جنبش طبقه کارگر و شده ها به عزت خود مختاری بمعنی واقعی آن دست یابد و نه رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت خود میتواند اندر جز با سرکوب و کشتار وحشیانه به خواسته های این خلق ستم دیده پاسخ دهد. و فوری است

از آن جهت که کسترش انقلابی جا معموه سراسری شدن مبارزات او جگر بند شده های آگاه با هدف کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و کمونیستها، مستلزم ایجاد جنبش پیوندی بین خلق کرد و خلقهای سراسر ایران است. به علاوه تا کید بر ضرورت پیوند جنبش مقاومت با جنبش سراسری از آن جهت نیز حائز اهمیت است که خلق کرد فقط در جنبش روندی است که از پشتوانه اجتماعی نیرومندی برخوردار میشود. چرا که در مصاف با ارتجاع حاکم، آزادی خلقهای سخت ستم از بوع انقیاد ملی در کروز همین حمایت متغیلا و پشتیبانی خلقهای از هم دیگر و پیوند مبارزاتی آنها حول شعارها، اهداف و دمکراتیکسیم بیکسر طبقه کارگر ایران میسر است.

مجموعه این عوامل در محدوده کردستان در نهایت به تضعیف نیروی نظامی و قدرت مسلح خلق و تنزل مبارزات سیاسی توده های زحمتکش کردستان منجر میگردد و جنبش روندی سراسری جمهوری اسلامی مطلوب و ایده آل است. چسبه، جنایات وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم و تغییر و تحولات درونی نیروهای که در جنگ با رژیم شرکت میکنند، بمنشا به عوامل خارجی و داخلی در کردستان، میتواند جنبش را در مسیر روبه نزول قرار داده و میدان عمل وسیعی را جهت ما نور قدرت مندانه در سرکوب خلق کرد برای رژیم جمهوری اسلامی فراهم کند.

بهدا بش این جنبش وضعیتی در تداوم مبارزه خلق کرد، امری محتمل و از نتایج اجتناب ناپذیر عدم وجود پیوند جنبش مقاومت با جنبش سراسری است. از همین رو برای مقابله با نا شیرات منفی این عوامل بر جنبش مقاومت، با فشاری بر روی اصلی ترین خواسته و تحقق آرمانهای انقلابی خود از جانب خلق کرد، بسر بستر جنبش پشیمانی وسیع خلقهای ستم دیده و با انکاب آن، تلاش در جهت تامین رهبری طبقه کارگر برای ارتقا و تداوم جنبش مقاومت تا بیروزی انقلاب، امری ضروری است. این پشتیبانی از هر دو جنبه سیاسی - نظامی آن برای خلق کرد، ضرورتی حیاتی دارد و با بد در طرح شعارها و وظایف جنبش مقاومت بمنشا به جزئی از مبارزات دمکراتیک - قدامت بر بالینی خلقهای سراسر ایران، بر آن تاکید گردد.

۱- انفراد جنبش مقاومت و سهولت سرکوب آن برای رژیم: اگر چه شرکت و سبترین اقتضای دهقانان و توده های زحمتکش شهری خلق کرد در جنبش مقاومت آنرا از پتانسیل انقلابی بالا و دوام با لسنه طولانی تری در برابر ستم رژیم برخوردار کرده است، اما انفراد آن از جنبش سراسری با طولانی شدن زمان مبارزه، زمینه سرکوب هر چه خشن تر و گسترده تری را برای رژیم جمهوری اسلامی فراهم میکند. این امر ویژه با توجه به نقش موثر بورژوازی ناسیونالیست کردستان بر روند این جنبش، از اهمیت فراوانی برخوردار است. بورژوازی ناسیونالیست کرد با ناطه و حث از رتد کمونیستها و تعمیق رادیکالیسم جنبش و تعرض انقلابی توده هادر مقابله با عملگردها و سیاستهای ضد انقلابی آن از یک سو و برای تحقق اهداف و تامین منافع تنک نظرانه خود با انکاب به فرمیم و تحمیل لمنتیازای از رژیم جمهوری اسلامی از سوی دیگر تلاش میکند تا جنبش مقاومت را از پتانسیل اصلی ترین خواسته های خلق کرد منحرف نماید. گذشته

۱- انفراد جنبش مقاومت و سهولت سرکوب آن برای رژیم:

اگر چه شرکت و سبترین اقتضای دهقانان و توده های زحمتکش شهری خلق کرد در جنبش مقاومت آنرا از پتانسیل انقلابی بالا و دوام با لسنه طولانی تری در برابر ستم رژیم برخوردار کرده است، اما انفراد آن از جنبش سراسری با طولانی شدن زمان مبارزه، زمینه سرکوب هر چه خشن تر و گسترده تری را برای رژیم جمهوری اسلامی فراهم میکند. این امر ویژه با توجه به نقش موثر بورژوازی ناسیونالیست کردستان بر روند این جنبش، از اهمیت فراوانی برخوردار است. بورژوازی ناسیونالیست کرد با ناطه و حث از رتد کمونیستها و تعمیق رادیکالیسم جنبش و تعرض انقلابی توده هادر مقابله با عملگردها و سیاستهای ضد انقلابی آن از یک سو و برای تحقق اهداف و تامین منافع تنک نظرانه خود با انکاب به فرمیم و تحمیل لمنتیازای از رژیم جمهوری اسلامی از سوی دیگر تلاش میکند تا جنبش مقاومت را از پتانسیل اصلی ترین خواسته های خلق کرد منحرف نماید. گذشته



زنده با آزادی خلق کرد زنده باد، زنده باد کردستان همیشه زنده با تی انقلابی بود و ام باد، همبستگی انقلاب خلقها و ملل انقلابی شکرماریکن و تجربه لنین که برای همه خلقها صادق است سال ۱۸۷۷ لنین محبوب با جهان نهاد عمل متپورا نهادش تمام ملتها را از یاس و رکسود بیرون آورد جهانی که تا ما در جهل بود. با انقلاب لنین بدرهائی دست یافت جهانی که در فقر و محرومیت بود با انقلاب لنین رهائی یافت. راه آزادی را دریافت. نام لنین محبوب مادی آوردند و دانش مارکسیم سوسی کرد.

دانشجویان کمونیست و انقلابی بوزه سلطنت طلبان فراری و هواداران بختیار خائن را ب خاک مالیدند!

دانشجویان کمونیست و انقلابی در آمریکا مبارزه با رژیم شاه و هواداران بختیار خائن و "ادب کردن" جانان وطن فروش نشان دادند که در هر کجا باشند قهرمانان انقلاب را سرداده و آزارگران زحمتکشان بد فایده بخواهند خواست.



آمریکا با تفاق بخشهای دیگر جنبش دانشجویی خارج و نیروهای مترقی آمریکا بی مصلحت سلطنت طلبان مرتجع رفتند و با شعارهای انقلابی چون: "مرگ برای آمریکا، مرگ برای رتاج؛ با پتک کا رگر، با داس بزرگر، ساواکی ترا میکشیم؛ مرگ بر بختیار رنوکری اختیار و... مرگ بر سلطنت طلبان، علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها زنده با دیگارتوده ها؛ خلق کرد پیروز است ارتجاع نا بود است و... ونیز با شعارهای به زبان انگلیسی بر علیه امپریالیسم، سلطنت طلبان مرتجع و رژیم کثونی توانستند با پشتیبانی از مبارزات خلق قهرمان السالوادور همبستگی انقلابی خلقهای ایران و خلقهای زحمتکش تحت سترا به نمایش گذارده و سلطنت طلبان فراری را به وحشت بیندازند.

۹ اسفند ۵۹ (اول مارس ۸۱): دارودسته ارتجاعی سلطنت طلب با انتشار اعلامیه ای اقدام به برگزاری تظاهراتی در "پارک مک آرتور" لوس آنجلس نمودند. این خائنین فراری برای جلب تعداد بیشتری از مزدوران فراری ساواکو مرتجعین آمریکا نشین ذکر کرده بودند که تظاهرات با پشتیبانی و حمایت پلیس شهر لوس آنجلس صورت خواهد گرفت.



لوس آنجلس: گوشه ای از تظاهرات ۲۲ مارس اتحادیه دانشجویان هواداران امپریالیسم... در لوس آنجلس برای مقابله با این خائنین و دفاع از منافع والای طبقه کارگرو سایر زحمتکشان اقدام به برگزاری تظاهرات در محل ذکر شده نمودند. رفقای هوادار ضمن تماس با سایر بخشهای جنبش مترقی و انقلابی دانشجویی آنان را به صف آرایی در مقابل سلطنت طلبان مزدور و افساس رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی فراخواندند. لیکن سازمانهای هوادار رفقای فدائیس (اقلیت) و هواداران سازمان مجاهدین خلق علیرغم خواست انقلابی بسیاری از توده های هوادار خود به نفع های مختلف از شرکت در این تظاهرات و ایجاد یک قطب وسیع انقلابی خودداری کردند.

دارودسته ضد انقلابی "انجمن اسلامی" که از مبارزه انقلابی دانشجویان انقلابی به خشم آمده بودند، کوشیدند با شعار "مرگ بر کمونیسم" خشم ضد انقلابی خویش را از طرفداران واقعی زحمتکشان به نمایش گذاشته و همسویی خود را با مرتجعین فراری نشان دهند. هواداران حزب خائنین توده در حالی که انجمن اسلامی شعار "مرگ بر کمونیسم" میداد، سوگرفتن در صفا آنها به نگرانیهای آنان می بردا ختنند و هواداران "اکثریت" رویزونیست نیز در کنار انجمن اسلامی و در جمعی "مستقل" به "شناگویی" از خط امام پرداخته بودند و حتی از شعار "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" نیز در میان شعارها پشان خبری نبود!



لوس آنجلس: گوشه ای از تظاهرات ۲۲ مارس دوم فروردین ۶۰ (۲۲ مارس ۸۱): سلطنت طلبان فراری اقدام به برگزاری تظاهرات دیگری نمودند. اتحادیه دانشجویان هواداران ساواکا با صدور فراخوانی اقدام به تظاهرات مقابل نمود. متاسفانه سایر بخشهای جنبش انقلابی دانشجویان با برخورد انحرافی و غیرفعال خود از شرکت در تظاهرات خودداری نمودند. رفقای

هواداران بر اساس سیاست صحیح خود به بسیج توده های دانشجویان مبارز برپا ختنند و با وجود زمان کوتاه با شرکت مدنفراز دانشجویان انقلابی و کمونیست در مقابل فراریان ساواکی سلطنت طلب و بختیاری صف کشیدند و با شعارهای انقلابی توانستند میزان زیادی مسائل مربوط به زحمتکشان ایران را مطرح کنند و در ضمن مزدوران و مرتجعین و سرمایه داران فراری را آنچنان که باید "ادب" کنند و نیز جریسان ضد انقلابی انجمن اسلامی و متحدین خائنینش توده های و اکثریتها را افشا نماید.

تظاهرات خشم آلود دانشجویان کمونیست در دوکانال تلویزیونی و چندین ایستگاه رادیویی و برخی روزنامه های پرتیراژ منعکس شده و با ذکر نام اتحادیه دانشجویان ایرانی بعنوان صف کمونیستها از دانشجویان کمونیست بعنوان جریان سوم که در ضمن مبارزه با سلطنت طلبان و بختیاری های خائنین با رژیم جمهوری اسلامی نیز پیگیر می کنند نام بردند.

Advertisement for MASJEDI 79, 1102 SHADOW HILL, BEVERLY HILLS CA 90210. Includes phone numbers 9K32T615528-8 3FWW 52, 54D-HB 12W-1-W-A71025, 11-29-79 36-25.

"ابراهیم مسجدی" بختیاری خائنین که کتک مفصلی از دست کمونیستها نوش جان کرد! این مزدور زبرکت پولهای بغارت برده از زحمتکشان ایران در "پورلی هیلز کالیفرنیا" نیاه محل سکونت پولداران و هنرپیشه های هالیوود است زندگی میکند.

در این تظاهرات که نیروهای مترقی و انقلابی آمریکا نیز شرکت داشتند، دانشجویان کمونیست و انقلابی پس از آداب کردن و پذیرایی جانانه از مزدوران فراری که شدیداً از طرف پلیس حمایت میشدند، با قرائت قطعنامه های توانستند با موفقیت به طرح شعارهای انقلابی پرداخته و صدای رسای خلق ایران را بسکوش زحمتکشان آمریکا برسانند.



۲۲ مارس: پلیس فاشیستی برای سرکوب دانشجویان کمونیست صف کشیده است

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش

بی شرمی رژیم جمهوری اسلامی حدی ندارد!

رژیم رفقای ما را با نارنجک تکه تکه میکند و آنوقت بیشرمانه ما را مقصر می شمارد

ساجده از درون شکم بیرون آوردند شهادت رسید. او تمام عمر خود یعنی ۱۶ سال تکنجه و ذلت و رنج کشیده بود. پدرش یک سرهنگ بود که در کودکی مادرش را طلاق میدهد و زن دیگری می گیرد و میزگان را جهت انجام کارهای خانه نزد زن دومش میبرد. بعد از چندین سال تکنجه که سر اثر نطفه کف سیمانی خانه نا مادرش، دستش زخم و عفونت پیدا کرده بود به تهران منتقل میشود و نزد مادرش که شوهر کرده بود زندگی می کند. رفیق میزگان از زمان نیکه به فعالیت سیاسی انقلابی پرداخت و هوادار سازمان پیکار شد. مداومت تحت فشار مادرش بود و سبنا را ذیت و آزار دیده بود و با رها بخاطر جلوگیری از فعالیت انقلابی او را در خانه حبس کرده بودند. هم اکنون برخی از اقوامش دچار نوعی عذاب وجدان هستند که چه بر سر او میاوردند.

رفیق میزگان رنج خود را رنج همه کارگران و زحمتکشان و همه زنان مستعبده تلقی میکرد و به همین لحاظ راه علاج را در مبارزه و پیروزی طبقه کارگر و نوجوانی بود بر شور و آگاه و رفیق شهید ما نوجوانی بود بر شور و آگاه و کمونیست و پیکارگر. او کینه خود را علیه جلادان خویش تا آخرین لحظات زندگی فراموش نکرد و در روزهای آخر زندگی تنها دو جمله، زلبان او شنیده میشد: "بمن آب بدهید! مرا از دست پادشاهان نجات دهید!"

مناصفان همه ما و در رفیق موثر تباقت و شدت جراحات وارده (که نتیجه انفعال ریمبی بود که بدست مزدوران ارتجاع در صفوف تظا هر کنندگان کمونیست انداخته شد) رفیق را به شهادت رساند. پادشاهان ارتجاع مانع از آن شدند که طی آن روز، رفیق میزگان و دیگر مجروحین از شرایط مداوای بهتری برخوردار گردند. ما رژیم را قاتل این فرزندان استیمن کارگران و زحمتکشان و این رفیق کمونیست می دانیم.

رژیم به قتل این رفیق و بسیاری دیگر از کمونیستها و انقلابیون اکتفا نکرده میگوید از این فجا بی که خود بسیار وارد علیه ما زمان ما و دیگر نیروهای انقلابی استفاده کند. در این میان فردی که گویا نامش تا همین شنا می است و دانشی رفیق می باشد، نقش ارتجاعی فعالی بازی کرده و بارها رفیق میزگان را در حال بیماری تهدید به دستگیری و با سلاح مجازات میضوده است. او که فردی فالانژ دوآتشه اهل مها باشد میباید شتای چندی پیش معاون "دادستان" انقلاب بوده و اکنون ترفیع مقام یافته است. او باعث شده بود تا رفیق میزگان که هویتش را در بقیه در صفحه ۲۶

رژیم را در بخش های بیمارستان و بین بیماران که اکثر از زحمتکش ترین اقشار جامعه هستند افتخار می نمودند و همین مساله خشم خدا انقلابی پادشاهان را بیشتر میکرد.

رفقای مجروح مادر را لیکه خود بشدت از زخم های خویش رنج میبردند، از یکطرف با توطئه ردیبلان و رئیس بیمارستان - دکتر مها جریرو برو بودند که پیوسته سعی در دستگیری رفقای مجروح ما و تحویل دادن آنها به پادشاهان می نمود، و از طرف دیگر با همدردی پرسنل زحمتکش بیمارستان رو برو بودند که برخی از آنان صمیمانه وظیفه انقلابی خویش را در قبال فرزندان خلق که اینک مجروح بودند و در معرض دستگیری بودند انجام میدادند.

از مجموع ۱۹ نفر مجروحین بستری ۱۲ نفر توانستند از جنگ دژ غیما و رژیم بگیرند ولی ۶ نفر توسط پادشاهان، پس از بهبودی نسبی، به دادستانی و سپس به اوین برده شدند که از سرشوات این عده اطلاعی در دست نیست. یک رفیق دانش آموزینا مرفیق میزگان رضوانی پس از ۲۰ روز ماندن در بیمارستان شهادت رسید.

رفیق میزگان که در سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار فعالیت میکرد در زندگی کوتاه خود انواع تلخی های ناشی از جاسوسه طبقاتی را چشیده بود و راه های رادرمبارزه علیه سرما به پادشاهان و رژیمهای فدا خلقی می دانست. رفیق میزگان ۱۶ سال داشت و از رفقای نزدیک رفیق شهید آذرمهر علیان بود و در همان لحظه گردیم بی نظاهرات - که خوب پلاکارد دست رفیق آذرمهر - رفیق میزگان و عده ای دیگر از رفقا در نزدیکی او قرار داشتند. هنگامیکه نارنجک با چمه ای بوسیله عناصر فدا انقلابی و بسته به حکومت نزدیک پلاکارد منفجر شد عده زیادی زخمی شدند و رفیق شهید شهادت رسیدند. رفیق میزگان رضوانی در شب شنبه ۶۰/۲/۱۹ بر اثر عفونت ناشی از جراحات ناشی از انفجار نارنجک و پس از آنکه تعداد زیادی

کارگران و زحمتکشان توده های مبارز!

آب با دستان هست زمانیکه رژیم شاه خاشاک در برابر انقلاب توده ها مستاصل شده بود. از خانواده شهدا بول فشنکاشی را مطالبه میکرد که با آنها عزیزان انقلابی خلق را کشته بود؟

این بیشرمی به اشکال مختلف در رژیم جمهوری اسلامی نیز تکرار شده است و یک نمونه آن تبلیغات و قیقا نه ای است که پس از شهادت رفیق شهید میزگان (رضوانی) (دانش آموز هوادار سازمان پیکار) به راه انداختن اندوکی از اقوام و گه در سپاه پادشاهان جهل و سرما به به خیا نت به خلق مشغول است با الهام از اربابان خدا انقلابی اش امثال رفسنجانی و غیره دست به تحریک و گمراه کردن خانواده شهید زده و آنان را واداشته است که بجای گرفتن قاتل، سازمانی را که رفیق شهید میزگان بستان و وابسته بوده موردنا ساز قرار دهند. خانواده شهید با بدفالانژهای فدا کمونیست و فدا انقلابی و حامیان آنها را مقصوم مجرم بدانند یعنی همانها که در تظاهرات روز اول رديبهشت مقابل دانشگاه بمب انداختند و در نتیجه ۳ رفیق ما را به شهادت رسانده و بسیاری را زخمی نمودند.

در نتیجه این اقدام تروریستی وحشیانه و کم نظیر دور رفیق ما در همان روز شهادت رسیدند که عبارت بودند از رفیق شهید ایرج ترابی و رفیق شهید آذرمهر علیان و دهها نفر در سطوح مختلف زخمی شده و مورد اصابت نارنجک ساجده ای - مزدوران ارتجاع قرار گرفتند. ۱۹ نفر از مجروحین که در بیمارستان خمینی بستری گردیدند، از همان لحظات اول در محاصره پادشاهان قرار گرفتند و در حالیکه شهید از درد رنج میبردند از طرف پادشاهان برای دستگیری و تحویل شدن به زندان در معرض تهدید بودند. مقاومت جانانه این رفقا و روحیه سرشار از آشتی ناپذیری آنان خود حمله ای است فراموش نشدنی. رفقا علیرغم بیماری، از هر فرصت استفاده کرده جنایات

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

اخبار مبارزات توده‌ها



تحصن سربازان و ضرب و شتم و دستگیری آنها توسط فرماندهان مزدور - زاهدان

"طبق دستوری از طرف فرماندهی تیسب، ابتدا قرار می‌نمود دو دسته (هر دسته ۲۷ نفر) سرباز با دو فرمانده دسته و ۶ درجه‌دار و فرمانده گروهان ۳ گردان ۱۹۷، جهت حفاظت از تاسیسات انرژی دریا بگانه کنارک، اعزام آنجا شوند. اما بعد برای تضمین امنیت آنجا با توجه به موقعیت منطقه، تصمیم گرفته می‌شود از ۱۳۵ سرباز ۳۰ نفر در گروهان مانده و بقیه به کنارک اعزام گردند. سربازان در نشتی که با هم دیگر گذاشته شده، متفقا به این نتیجه می‌رسند که ۳۰ نفر باقی‌مانده را باید خودشان مشخص و تعیین نمایند. علاوه بر آن در همانجا تصمیم می‌گیرند که در صورت تیکه‌خوردن گروهان (ستوان یکم عرب) در رفتن روبرخ آوردن توهین آمیز و غیر قابل تحمل خود با سربازان تجدید نظر کنند، عکس العمل جمعی و یکپارچه‌ای نشان دهند.

صبح روز پنجشنبه وقتی آنها خواستهای خود را با فرمانده گروهان مطرح می‌نمایند، او طبق روال همیشه‌اش و همانطوریکه در مکتب شائشهای آموزش دیده‌هاست، شروع به توهین و فحاشی به سربازان می‌نماید. سربازان با توجه به تصمیمات قبلی، دست به عکس العمل زده و بطور دسته‌جمعی در داخل آسایشگاه تحصن می‌نمایند و شرکت در مراسم صبحگاهی به نشانه اعتراض امتناع می‌جویند. فرمانده گردان و فرمانده تیب (سرهنگ گیلانی) فرمانده گارد سابق (وحشت زده از حرکت اعتراضی سربازان، بمیان آنها آمده و شروع به توهین و فحاشی می‌نماید، اما کسی از جای خود بلند نمی‌شود. آنها که از مقاومت سربازان بجان آمده بودند، بزور عده‌ای را از آسایشگاه خارج می‌کنند و در حالیکه عریضه می‌کشیدند، فریاد می‌زدند: "اینجا را قفل می‌نمایم و شما و ما عثمان را به توب و مسلسل می‌بندیم..."

فرماندهان مزدور که دیگر از اینهمه مقاومت عاصی شده بودند، به کمک دودرجه‌دار با توبه بجان سربازان می‌افتند و با ضرب و شتم آنها را از آسایشگاه بیرون می‌کنند. پس از آن طبق شناسنامه‌های قبلی توسط دانشمندی - ایدئولوژیک ۵ نفر از سربازان را روانه سیاه - چالهای بادگان می‌نمایند...
واقعه‌ای خیره‌کننده متأسفانه نشان می‌دهد که سربازان تحت تاثیر رویدادهای جامعه و

توطئه ننگین ارتجاع در زندان عادل آباد شیراز

سیاسی را وادار به عقب نشینی نموده و آنها را سرکوب نماید.
در همین رابطه در تاریخ ۶۵/۲/۱۲ گارد زندان با دادن وعده آزادی و رسیدگی به وضع زندان‌های افغانستان، از آنها خواسته بود که با زندان‌های سیاسی درگیر شوند و برای فریب افغانها گفته‌اند که "اینها - یعنی زندان‌های سیاسی انقلابی - کمونیست و طرفدار شوروی هستند که وطن شما را اشغال کرده‌اند و میخواهند ایران نیز مثل افغانستان شود." زندان‌های سیاسی انقلابی در مقابل این توطئه، با برخورداری مسئولانه و هوشیارانه و با یری عده‌ای از زندان‌های عادی، توانستند بدون درگیری با افغانها، از ایجاد توطئه و محیط زدو خورد جلوگیری نموده و سیاه‌پاداران را به وگارد زندان را افشاء و رسوا نمایند. جالب توجه بقیه در صفحه ۱۰

بدنبال مبارزات نیروهای سیاسی انقلابی در دوران زندان که منجر به شکستن جو حاکم سرزندان و عقب نشینی موقت گارد زندان شده است. مقامات زندان مرتباً در فکر اجرای نقشه‌های ارتجاعی جهت سرکوب زندان‌های سیاسی انقلابی می‌باشند. در زندان عادل آباد زندان‌های سیاسی انقلابی و عادی در بند ۴ با هم هستند. از آنجا که زندان‌های سیاسی همه روزه با خواندن سرودهای انقلابی، پرچم مبارزه خود را برافراشته نگه می‌دارند، رژیم در صدد است با هر وسیله‌ای که میتواند جلوی سرود خوانی رفق را بگیرد. یکی از راه‌های مقابله رژیم با انقلابیون زندانی، سو - استفاده از زندان‌های عادی است. گارد زندان عادل آباد که از تطمیع زندان‌های عادی ایرانی جهت سرکوب زندان‌های سیاسی، نتیجه‌ای عاید نشده بود، این بار با فریبختن زندان‌های افغانستان و دادن وعده و وعید به آنها، قصد داشت زندان‌های

وحشیگری‌های رژیم در زندان بندرعباس

جانگانه می‌دارند. این زنان نیز علاوه بر شکنجه روحی که به دختران سیاسی می‌دهند زمانی که مواد مخدر به دست آنها نرسد از حالت طبیعی خارج شده و دختران سیاسی را با دکتک می‌گیرند و پاداران هم در کمال وقاحت این ملته‌ها را تماشا کرده و می‌خندند. وضع بهداشتی زندان نیز بسیار بد است و با آنکه بسیاری از زندان‌های سیاسی در اثر ضرب و جرح‌های مداوم، زخمی شده‌اند، آنها را به پزشک نمی‌برند.
اما در مقابل تمامی این جنایات رژیم، روحیه زندان‌های بسیار عالی بوده و با اعتراضات خود که همراه با اعتراضات خانواده‌هایشان از بیرون زندان است، رژیم و مزدوران جلادش را سزا نود آورده‌اند.
خلاصه شده از پیکار خلیج شماره ۳ نشریه هواداران سازمان در بندرعباس

بعد از درگیری که در مراسم چهارم روز (۶۵/۲/۱۰) مجاهدین قریبی در بهشت‌زهرای بندرعباس روی می‌دهد، رژیم اقدام به دستگیری گسترده انقلابیون می‌کند. این مسئله موجب اعتراضات شدیدی از جانب خانواده‌های زندان‌های شده است. اما پاسخ رژیم در مقابل این اعتراضات، سرکوب و خشونت بیرحمانه است. مسئولین زندان بندرعباس به آنها به خانواده زندان‌های از ملاقات نمی‌دهند بلکه در مقابل سئوالات آنها فقط می‌گویند: "ما اینقدر از اینها دستگیر می‌کنیم تا بالاخره قاتل برادرمان را پیدا کنیم" (منظور یکی از پاداران است که در ۶۵/۲/۹ ترور شد و رژیم و قیحه‌نامه مدعی شده است که پیکار و مجاهدین وی را ترور کرده‌اند).
وضع در داخل زندان بندرعباس بسیار بد است. بسیاری از زندان‌های را به شدت کتک می‌زنند دختران مبارز را با زنان فاحشه و معتاد در یک

به استقبال جنبش او جگیرنده توده‌ها بشتایم

کاراگاهران نیروهای انقلابی، هر روز بیشتر به ما هیت ارتجاعی ارتش شاهنشاهی یکشنبه مکتبی شده. بی میبندند. آنها درمی با بنده چون رژیم جمهوری اسلامی در ما هیت با رژیم شاه تفاق و تفاق و بناچار است برای سرکوبی توده ها و استقرار کمیت سنگین خویش فرماندهان مزدور زمان شاه را بفرماندهی گمارده و سرپاژان را سرکوب نماید.

سرپاژان، درجه داران و افسران جزه انقلابی! تنها با مبارزه برای تشکیل ثورا های انقلابی سرپاژان میتوان متحدان در مقابل زورگو شپها و وحشیگری های فرماندهان ارتش رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی مقاومت نمود.

به نقل از نبرد بلوچ (۷۲)
نشریه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر.
تشکیلات بلوچستان - بانگ اندکی تلخیص

شعار هر دهه دار، مرگ بر سرمایه دار

در روز سه شنبه ۶۰/۲/۱۵ از طرف شهر داری تهران و با حمایت سازمان و فاسلانتهای مزدور و دهکده داران نوار فروش خبا بان معذق را مورد بیورش منقول و از خود قرار داده و دهکده ها را بزرگ جمع میکنند. علاوه بر این، آنها در مقابل مقاومت دهکده داران، تعدادی از دهکده داران را دستگیر کرده و با خود میبرند. دهکده داران نیز میتوان اعتراض به سرکوبگرهای مزدوران رژیم دست به راهیما می زد و بیا شاعرهای "مرگ برپا سدار"، "مرگ بر آمریکا"، "مرگ بر ارتجاع" بطرف میدان ولیمبر سر راه می افتند. سپس دهکده داران زحمتکش با قرار تظاهرات دوباره در روز جمعه، برای طرح خواست آزادی دهکده داران زندانی و دیگر خواستهای برحقشان، متفرق میشوند.

در بندها زظهر روز چهارشنبه، دهکده داران پس از اجتماع در میدان ولیمبر، مسافت زیادی را در طول خبا بان معذق دست به راهیما می میزند و سپس شاه راه جمهوری به حرکت خود ادامه میدهند. تعداد آنها متجاوزاً ۲۰۰ نفر بود که شعاریها زیر می دادند:

"دهکده داران، بهمت توده ها آزاد باید گردید"
"شمار هر دهکده دار: کارگران پیکار با بدبهرن سر- کار"
"زن و بچه گرسنه بر سرش نمیشه، دولت سرمایه دار حرف برش نمیشه"
"برچیدن دهکده ها بعد از پیکار دکار"
"دهکده، حق مسلم ما است"
"دهکده، تنها درآمد ما است"
"نظا هر کنندگان در حالیکه دستهای خود را به نشانها تعادیسال گرفته و دست اتحاد میزندند از جانب انبوهی از مردم که در پها درو ها شاهد تظاهرات آنها بودند مورد حمایت قرار میگرفتند و هنگامیکه زحمتگان دهکده دار شاعر می دادند "در ما در دست، مردم بما ملحق شوید"، عده ای از مردم به خواست آنها

با سخ داده و بدنبال صف آنها راه می افتادند و در همان حال شاعر می دادند، "دهکده دار، دهکده دار حمایت میکنیم" یعنی که ذرا او را غم مسرتعداد نظا هر کنندگان نزدیک به هزار نفر رسیده بود. در طول مسرتظاهرات، مزدوران رژیم با مینی بوس و موتور به میان جمعیت راهیما میان زندند تا صف را زهم پها شدا ما با مقابله و مقاومت آنها. کاری نتوانستند زهم پها ببرند. در پها میان مراسم، دهکده داران در خبا بان معذق نرسیده به جمهوری، بر روی زمین نشسته و به سخنان چند تن از دهکده داران مبارزه خواسته های آنها را بیان میداشتند، گوش فرادادند. هنگامیکه دهکده داران زحمتکش به تظاهرات موفقیت آمیز خود پها بیان دادند، پها سداران مزدور که از این حرکت اعتراضی چون ما رزغ خورده بخود میبندیدند، به همراه تعدادی فاسلانته بدست به جمعیتی که در پها درو ها و پها در خبا بان متفرق بودند، حمله ور شده و به ضرب و شتم آنها پها اعتدال این امر موجب عمیق تر شدن خشم و انزجار مردم نسبت به مزدوران رژیم میگردد. حرکت اعتراضی دهکده داران و مقابله مرتجعانه سرکوبگران رژیم، با ردهیگر نشان داد که زحمتگان دهکده دارتنها از طریق مبارزات پهاگیر خود قیام در به تحقق خواسته ها پها میان شدند و رژیم از آنجا شیکه توانا حل مشکل پهاگاری را که خود عامل اصلی آن است، در خود نمی بینند، دست به سرکوب دهکده داران پها خاسته میزند.

توطئه: سیاست روزمره ارتجاع

در شاره های پیشین گوشه ای از وحشیگری های پها سداران و دیگر مزدوران و او با شیان ارتجاع نسبت به کمونیستها و انقلابیون در جریان تظاهرات اول ماه مه نقل شده است. نیروهای سرکوبگر ارتجاع از هر وسیله ای برای بیورش به کمونیستها و انقلابیون استفاده میکردند. عکس مقابیل نمونه ای از وحشیگری پها سداران سرمایه است که بر سر یک رفیق دختر ریخته اند! پاسداران برای شناسائی و دستگیری مبارزین انقلابی و کمونیست با لباس شخصی در میان توده های مردم پها کننده شده بودند بطوریکه نزدیکهای ساعت ۱۱ صبح پها سداران بنام محمد های درو پهاگان از منطقه "۹" اشتباها دستگیر شد که طبیعتاً پس از تحقیق در مورد وی آزادش کردند. این نکته به تمام انقلابیون هتدا ر میدهد که در تمام فعالیتهای انقلابی در صدد شناسائی افراد مشکوک و پها سداران (که در میان او غرضی خود را به شکل جوانان بورژوا زده موتور سوار نیز در آورده اند) برآمده و هشباری خود را از دست ندهند. در جریان میتینگ، خاشن "اکثریت"، پها سداران برای حفاظت از توکرا نشان شیدند به مراقبت از اوضاع پرداخته بودند. او با شان حزب الهی که علیرغم تمایل پها سداران قصد بهم

زندن میتینگ را داقتند برای ما مورین رژیم جمهوری اسلامی ایجاد تا را حتی کرده بودند و حتی حرف اربا بان خود را نیز گوش نمیدادند. در حدود ساعت ۲/۵ بعد از ظهر پها سداران مستقر در میدان آزادی دستور داده میشوند که به "برادران حزب الهی" بگویند که: "اینجا اجازه گرفته اند و مجوز دارند"، "صورت خوشی ندارید که به آنها حمله میکنید و این حرکت بزبان ما است" از پها سداران خواسته میشوند که "برادران حزب الهی" شان صحبت کرده و بگویند که "اینجا" اکثریتی "ها" از وزارت کشور اجازه گرفته اند و این کار با حرف های ما تناقض دارد. پها سداران در حمایت از توکرا نشان دستور میدهند که "واحدی که تیر - اندازی میکند قطع سلاح شود ارتجاع بها طبر تبلیغات و برای عوام فریبی و نشان دادن آزادی سیاسی" اهدائی خود به توکرا بورژوازی، شلوغ بازی او با شان حزب الهی را مفا پها مانافع خود می بینند و چون قادر به کنترل آنها نمیشود دستور میدهند: "که از پشت بلندگو اعلام کنید پها از افراد سازمان پیکار رونجا هدین هستند و برای تکمیل تبلیغات ارتجاعی شان بعد از اعلام میکنند که ۴۰۰ هزار "پیکار" یعنی یوزن ۱۵ تن! در میدان آزادی کشف شده است و تمام بلندگوهای تبلیغاتی شان را بر علیه کمونیستها و بویژه سازمان ما بکار میمانند زنده. نتگشان با!



بقیه از صفحه ۹ **توطئه ننگین**
اینکه سپاه پاسداران که مدعی مبارزه با امپریالیسم و ساواکسی هاست، برای اجرای این نقشه شوم از "چهره نگار" رئیس ساواک سابق به شهر که به سه سال حبس محکوم شده، جهت مشاورت و طراخی نقشه استفاده نمود زیرا بهر حال دولتمردان جدید تجربه قدیمها را ندارند و هر کجا لازم باشد تخصص ساواک آریا مهری به خدمت حکومت اسلامی درخواهد آمد...
اگرچه این توطئه با برخورد فعال و هوشیارانه زندانیان سیاسی و بخشی از زندانیان عادی با شکست مواجه گردید ولی نشان داده شد که رژیم از هیچ جنایتی در حق زندانیان خودداری نخواهد کرد. به دفاع از زندانیان سیاسی انقلابی در بند، توطئه رژیم را افشا کرده و جهت آزادی زندانیان سیاسی پها خیزیم بنقل از: خبرنگار ماهی پیکار (۲)
نشریه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
تشکیلات شپسراز



پوتین زندانیان را مورد ضرب و جرح شدید قرار میدهند. که در این حمله یک رفیق دجا رخنریزی شده و در رفیق دجا زشتخ اعصاب شدید بطوریکه بسدهای بلند میخندیده اند، یک رفیق نیز گردنش از شدت ضربه کج مانده است و بقیه هم بدنهایشان کبود میشود. بدنبال این ضرب و شتم، چهار رفیق قهرمان ما را میبرند که تا بحال از حاشای خبری دردست نیست.

هموطنان مبارز!
این حرکت وحشیانه وفا شستی از مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بهیچوجه بعید نیست. رژیمی که با سیلی هائی چون حمایت از باسی ساندز صورت جنایتکار خود را سرخ نگه میدارد در پست چهره گریه و زشتی بجز شکنجه، کشتار، سرکوب نیست. بخوا طرم محکوم نمودن این حرکت و حمایت از خواسته های انسانی زندانیان در بند ز طریق مختلف به افتای رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی اقدام کنید.

خواسته های رفقای زندانی عبارتند از:
۱- رفع بلاتکلیفی (عده زیادی از کمونیستها و انقلابیون بدون محاکمه در بازداشت بسر میبرند)
۲- جدا کردن زندانیان ساواکی و کودتاجی و وابستگان رژیم منغور بهلوی که حق مسلم زندانیان سیاسی است.
۳- آزادی ورود کتا بهای درخواستی که بدانها نیاز دارند و سر خورداری از آن، حق مسلم زندانیان در سطح بین المللی است.
۴- مشخص نمودن مکان ثابتی جهت زندانیان محکوم.
۵- بهبود وضع بهداشتی محیط که باعث بروز بیماریهای زیادی گردیده است.
۶- خودداری از ضرب و جرح خانواده های زندانیان سیاسی خصوصا مادران که در مسواری مشخص انجام نداده است و زندانیان این اقدام وحشیانه را محکوم میکنند.
۷- خودداری از اعمال فشارهایی که با ابتدائی ترین حقوق زندانیان سیاسی منافات دارد.
بستن درب سلولها و منع زندانیان از رفتن به دستشویی و ندادن آب بدمت طولانی بطور

بقیه در صفحه ۱۲

پیام از زندان : فرزندان انقلابی خویش را دریابید!

سرکوب و انواع جنایات دیگر غافل نیست. اخبار زیر حاکمیت از مرحله تازهای از سرکوب فرزندان انقلابی و کمونیست خلق مینماید. بعد از آنکه با ۲۰ روزه بند عمومی زندان زندان اوین که در تاریخ ۶۰/۱/۱۰ شروع و تا تاریخ ۶۰/۱/۲۸ ادامه یافت، زنان مبارز و زندانی این بند، به مسئولین زندان سه هفته فرصت میدهند تا به خواسته های آنها رسیدگی شود در دو هفته اول این مهلت که مصادف با دیدار "هیئت با صلاح بررسی شکنجه در زندانها" میباشد، اولیا، فرزندان در طی این دو هفته امکاناتی را در اختیار رفقا قرار میدهند از جمله دادن رادیو، رسیدگی به پیوندها و انجام محاکمه یک یا دو نفر از زندانیان، دادن یکبار

چهار رفیق قهرمان ما طی یک حمله منقول - و از مزدوران رژیم به زندان زنان در اوین - مفقود شده اند.
جان این رفقا و رفقای دیگر که شدیداً در معرض ضرب و شتم و شکنجه های روحی و جسمی قرار دارند در خطرات است.
کارگران، زحمتکشان و فرزندان فداکار و قهرمان خویش حمایت کنید.

ملاقات حضوری، اما در هفته سوم که با تاریخ ۶۰/۲/۱۲ شروع میشود، مسئولین زندان برای اینکه دوباره با حرکت اعتراضی زندانیان مواجه نشوند، تصمیم میگیرند زندانیان فعال را از بند عمومی برده و از کل زندانیان جدا نمایند تا جلوی حرکت بعدی گرفته شود. بهمین دلیل روز ۶۰/۲/۱۲ فردی بنام "هاشم" که یکی از مزدوران رژیم جمهوری اسلامی و سرپرست گروه ضربت و معاون کجوشی میباشند و زنی بنام "توربخش" که سرپرست بند عمومی زنان است از بلندگوا سامی چهارتن از مبارزین را اعلام میکنند. آنها از رفتن خودداری مینمایند مزدور را برده (هاشم) بعد از این حرکت - بخلاف گذشته که چنین جراتی نداشت - درب بند عمومی زنان را با لگدیاز میکند (ه) و به رفقا میگوید آنها را بفرستند بیابند بیابان من "شماها را بگریه میاندازم". سپس همگی رفقا از جایشان بلند شده و میگویند همه با هم میآئیم. سپس "هاشم" چهار نفر از مزدوران خود را آورده و بجان رفقا میاندازد و آنها با ضرب

(ه) - قبلا همیشه با اعلام قبلی بداخل بند میامد تا زنان زندانی روسری بپوشانند.

بقیه از صفحه ۱

پیام از زندان :

فرزندان انقلابی خویش را دریابید!

کارگران، زحمتکشان توده های مبارز!

مبارزه دمکراتیک، ضد امپریالیستی خلقهای میهن ما بنحوی اوج گیرنده ادامه دارد و هر گوشه از جامعه ما محنه دلاورنیا و مبارزات انقلابی فرزندان شما از یکطرف و اقدامات سرکوبگرانه رژیم حاکم از طرف دیگر است و زندانیان یکی از حمله انگیزترین محنه ها است.
در زمان رژیم شاه خان، زندانیان هرگز از مبارزان انقلابی و کمونیست خالی نشدند و مقاومت دلیرانه زندانیان و قربانیان دهم آلود آستان همواره یکی از انگیزه های حرکت توده ها برای واژگونی رژیم و بسته به امپریالیسم شاه خان بود. طنین شعارها ی:
"زندانی سیاسی آزاد باید گردد!" یکی از بارزترین شعارهای دوره پرشکوه قیام ۲۲ بهمن بود و همین قریب دهها بود که به زندانیان راه آزادی و استقلال، و به سران و جان برکف راه را هاشی کارگران و زحمتکشان توانی تازه میبخشید.
دشمن هرگز نتوانست جدیا فریبکار ربهیا و چه با سرکوبها و ددمنشیا پیش، مقاومت فرزندان خلق را درهم بشکند و آنرا به زانو در آورد. سرانجام با قیام خونین و پرشکوه دو سال پیش، دیوارهای زندانها فرو ریخت و فرزندان خلق آزاد گردیدند تا مبارزه خویش را در سطحی گسترده تر و متعالی در پهنه نبرد طبقاتی ادامه دهند.
اینک، هما، منظور که میداند، صحنه های دوران گذشته، تکرار میشود، زندانیان از انقلابیون و کمونیستها انباشته است. درهای دانشگاه و فعالیتهای آزادانه سیاسی و انقلابی بسته شده و بجای آن دروازه های زندانها کشته شده است و رژیم و قیام نه به ما خشن زندانیان جدید مشغول است چرا که زندانیان موجود که میراث رژیم شاه بوده تکان فونمکنند! برای این اقدام ضد انقلابی در بودجه سال ۴۰۰ میلیون تومان در نظر گرفته اند تا زندانیان جدیدی در سراسر ایران بسازند.
اما رژیمی که چنین نقشه های شومی در سر می پرورد و دوم اکنون با مقاومت دلیرانه کمونیستها و انقلابیون و توده های که هر روز آگاه و آگاه تر میشوند و روست. رژیم که جلادان و میرغضبانان را در کوجه و خیابان، (بنام پاسدار و حزب الهی) و در کردستان (بنام پاسدار و پیشمرگه مسلمان و ارتشی) بجان توده های زحمت کش و انقلابی می اندازد و حتی به ترور و بمب اندازی دست میزند در زندان نیز از اعمال قسا رونکنجه

زندانی سیاسی انقلابی، به همت توده ها آزاد باید گردد!



بقیه از صفحه ۶ پیوندها

است با تدبیر، بدون شک با کسب حداقل اعتبارات از رژیم جمهوری اسلامی، با آن سازش کرده و جنبش مقاومت خلق کرد را در نیمه راه متوقف خواهد ساخت. در کردستان به موازات رشد سریع کمونیست ها و تشکل اقشار روسمی از توده های خلق، کرد - نظامی بورژوازی ناسیونال رفرمیست بر بخش وسیعی از توده های زحمتکش ناآگاه، چشم انداز انحراف جنبش مقاومت از مبانی منافع خلق کرد و به سازش کشاندن آن با رژیم و توقف آن در نیمه راه توسط چنین رهبری را وسیع تر و پررنگ تر ترسیم میکند، سازی که خطری جدی برای جنبش دمکراتیک - فدا میزبان لیستی خلقهای سرسرا بران محسوب میگردد.

اکنون بورژوازی کرد با سوءاستفاده از سنن مبارزات گذشته حزب دمکرات، در این حزب متشکل شده و با رهبری سیاسی - نظامی بخشی از زحمتکش کردستان، جنبش مقاومت خلق کرد را نه در مسیر واقعی آن، بلکه در جهت انطباق با سیاستها، اهداف و منافع طبقاتی خویش هدایت میکند. افشای حزب دمکرات بمثابه یک گام اساسی بورژوازی ناسیونال رفرمیست، که خلق کرد را با جدا کردن از خلقهای سرسرا بران، به سران شبمی انفرادی غلط اندازد و ملزومات اولیه پیوند خلق کرد با خلقهای سرسرا بران است. هدف از چنین افشاکاری، تقویت کمونیست ها، جذب هر چه وسیع تر اقشار زحمتکش کرد بسوی نیروهای کمونیست و تلاش در جهت تحکیم و توسعه پیوند بین جنبش مقاومت و جنبش طبقه کارگر و گسترش همزمان جنبش توده ای بر علیه ارتجاع حاکم و امپریالیسم جهانی و انفرادی ناسیونال رفرمیست است. آنچه که در جریسان حرکت، پیش از هر امر ملی جهت ایجاد جنبش پیوندی اغلال میکند، همان حمایت ناسیونال رفرمیستی بورژوازی کرد است که برای شرکت در غارت دسترنج زحمتکش کردستان، به هر سازش و خیانتی تن میدهد و برپا به این واقعیت است که رهبری چنین طبقه ای بر جنبش مقاومت برای رسیدن به هدف و منافع استعمارگرانه خود و شرکت در جریانی که بورژوازی حاکم آنرا به انحصار خود در آورده است، خلق کرده و جنبش مقاومت را به سوی سازش احتمالی با رژیم جمهوری اسلامی هدایت میکند. این واقعیتی است که بطور مشخص در سیاستها، عملکردها و دشمنی حزب دمکرات با کمونیستها و زحمتکشانی انقلابی کردستان و تلاشهای این حزب جهت بند و بست با رژیم جمهوری اسلامی، آشکارا مشاهده میشود. بنا بر این تنها راه عملی تداوم جنبش مقاومت و جلوگیری از انحراف و سازش در روند آن، تلفیق جنبش خلق کرد با مبارزات خلقهای سرسرا بران و هدایت و رهبری آن بر محور

شمارها و اهداف طبقه کارگر میباید. تردیدی نیست که در جریانی ایجاد چنین پیوندی است که فطب به یکبر جنبش مقاومت تقویت شده و سیاستها به حمایت وسیع توده ای میتواند جنبش مقاومت را از ازمی که بورژوازی کرد در راه آن گسترده است، در جهت تامین منافع توده های زحمتکش کردستان هدایت کند.

حال این سؤال پیش می آید که در راه به با تحقق عملی ایجاد پیوند بین خلق کرد و خلقهای سرسرا بران، نقش کمونیستها و در مجموع وظایف جنبش مقاومت، به توجه به جایگاه ویژه آن در جنبش دمکراتیک - فدا میزبان لیستی توده ها، چگونه میتواند باشد؟ وظیفه فوری و بلاواسطه ای که در این رابطه بردوش کمونیستها قرار میگیرد، طرح آلترناتیو کمونیستی است که بتواند توده های زحمتکش کرد را حول شعارها اهداف و دمکراتیک تسم طبقه کارگر میباید به یکبرترین طبقه در انقلاب و تحقق جمهوری دمکراتیک خلق متشکل کرده و با تاکید بر رهبری طبقه کارگر و کمونیستها بر انقلاب، جنبش مقاومت خلق کرد را رهبری نماید. ارائه آلترناتیو کمونیستی در کردستان بویژه جهت مقابله با توطئه ها و رفرمیسم فدا انقلابی بورژوازی کردستان، باید در دستور کار کمونیستها قرار گیرد. کمونیستها بدون افشای ماهیت طبقاتی سیاست و اهداف بورژوازی کرد و بدون افشای اینکه بورژوازی و مللکین کردستان تحت لوای "ناسیونالیسم" با سوءاستفاده از احساسات ملی خلق کرد، بنا به جنبش مقاومت و خلق کرد بر ضد جنبش مقاومت و خلق کرد عمل میکنند، نمی توانند توده زحمتکش کرد را حول محور تامین خواسته های برحق خلق کرد از دیدگاه تاریخی منافع طبقه کارگر متشکل کرده و پیوند جنبش مقاومت با جنبش طبقه کارگر و توده ها را عملی سازند. بر مبنای چنین تحلیلی، توده زحمتکش کرد باید بداند که آزادی او از قید سیستم ملی و در نهایت طبقاتی، در گرو همبستگی با خلقهای سرسرا بران و در برتو تحقق شعارها و اهداف و رهبری طبقه کارگر امکان پذیر است و رهبری هر طبقه ناپیگس و متزلزل بر جنبش مقاومت، سرانجامی جز توقف جنبش و پایداری شدن حقوق خلق کرد نداشته و نخواهد داشت. از همین رو برای آنکه خلق کرد و جنبش مقاومت و ظایف خود را در انقلاب دمکراتیک - فدا میزبان لیستی توده ها به انجام رساند و برای تعمیق جنبش مقاومت و ادامه آن تا پیروزی بر ارتجاع و امپریالیسم، باید به جنبش مقاومت را از هرگونه توهانات لیبرالی و رفرمیستی و خوشبوی نسبت به ما بهیث فدا انقلابی بورژوازی ناسیونال رفرمیست زدود و ضمن تاکید رزمه بر ضرورت اجتناب از پذیرش فوری همبستگی و اتحاد و طلبنامه خلق کرد با خلقهای سرسرا بران، توده زحمتکش کرد را بر محور سیاستهای انقلابی و دمکراتیک تسم به یکبرترین طبقه کارگر به مبارزه گسترده با رژیم ضد خلقی حاکم و ادامه آن تا پیروزی کشاند.

بقیه از صفحه ۵ جشن

کارگران در شراسرجهان به ضرورت ایجاد حزب طبقه کارگر تاکید نمود و توضیح داد که دمکراسی از جمله ملزومات تشکل و آگاه نمودن پرولتاریا است رفیق در میان ابزار احساسات پرولتاریا کنندگان ادامه داد که هر نیرویی بغوا ضد دمکراسی را نقض نماید برای جلوگیری از آن حاضریم چندبرابر بشویم تا اکنون، شهید بدهیم و هیچ ابایی همداریم. بعد از اتمام سخنرانی پیشمرگان انقلابی کومله سرودی دسته جمعی اجرا کردند. آنگاه به ما زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر به مناسبت اول ماه مه خوانده شد در این پیام ضمن توضیح تاریخیچه این روز و هدف از جشن گرفتن اول ماه مه، اهداف رژیم و نوکران رویزیونیست همچون حزب توده و اکثریت افشاده و بر ضرورت رهبری طبقه کارگر و پیوند مبارزاتی خلقها و انا علیه دمکراتیک تسم به یکبر پرولتری تاکید شده بود. در بخش آخر به ما به توطئه های اخیر حزب اشاره شده بود. پس از اتمام ما به ما زمان بیکار شعرهای به زبان کردی از طرف پیشمرگان کومله و پیام جمعیت مستقل معلمان مبارز و بنام چریکهای فدائی خلق خوانده شد.

در پایان این مراسم جمعیت حاضر با دادن شعار بر علیه رژیم و افشای جنگ ارتجاعی ایران و عراق سالن را ترک گفتند. بنا گفته نما ندر این روز به همین مناسبت، مراسمی از طرف حزب دمکرات ترتیب داده شده بود که از طرف مردم استقبال نشده و بیش از ۲۰۰ نفر در آن شرکت نکرده بودند.

بقیه از صفحه ۱۱ پیام

متوسط از ۲۴ تا ۲۸ ساعت که منجر به نارضاحتی کلیه و مسموم شده است.

- انفرادی کردن زندانیان با بعضی ابزار کوچکترین اعتراض و تهدید آنها.

- توهین و تنگ حرم و کتک زدن زندانیان سیاسی به بهانه اجرای مراسم مورد علاقه شان از قبیل سرود خوانی و ورزش جمعی.

- عدم رسیدگی به وضع زندانیان سیاسی بیمار که احتیاج به بستری شدن و مداوای کامل دارند.

وجود عده ای در زندان که شغلشان وارد شدن به بند و کتک زدن و تهدید و توهین زندانیان است هرگاه که اعتراضی صورت گرفته باشد.

- استفاده از زندانیانی که کودتاچی هستند یا بعضی از زندانیان عادی جهت اذیت و آزار زندانیان سیاسی.

- ندادن امکان ملاقات حضوری به تقریباً تمامی زندانیان سیاسی حتی گمانیکه محکومند و کسانی که مدت ها در بازداشت و بلاتکلیف می باشند و حتی در مواردی قطع ملاقات عادی و کابینی از آنان به بهانه تنبیه.



لایحه قصاصی: نمودار ماهیت بسیار ارتجاعی رژیم

قسمت دوم از لایحه قصاص دست بهت شورای عالی قضائی (با نديبهشتی و شرکا) پس از تصویب در هیات وزیران، به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است تا آنرا تصویب کنند.

قسمتهای اول و دوم این لایحه که طی چند ماه گذشته تدوین و به مجلس داده شده است، آئیننامه تعامی ماهیت بسیار ارتجاعی این رژیم است و بجرات میتوان گفت اکثریت قاطع کسانیکه در روزهای پس از قیام، بهای صندوقهای رای رفتند و به "جمهوری اسلامی" رای مثبت دادند هرگز نمیدانستند و در مخیله شان هم خطور نمیگردد که چند ماهی پس از روزهای قیام، چنین قوانین و نظاماتی را جایگزین رژیم شاه شاهن بسینند.

در فرهنگ فارسی، اصطلاحاتی نظیر "قانون جنگل"، "قوانین دوره جاهلیت"، "قوانین قرون وسطی"، "قوانین دوره ماقبل سرمایه داری" و غیره وجود دارد و حالاً از ترکیب رژیم جمهوری اسلامی، همه آن مفاهیم ارتجاعی عقب مانده را یکجا میتوان در این لایحه قصاص مشاهده کرد.

بدون شک در تاریخ ایران و در تاریخ انقلابهای سراسر جهان، این پدیده بعنوان یک جامعه در ناک برای توده ها و نمونهای از جماعت نیروهای ضد انقلابی علیه توده های زحمتکش ثبت خواهد شد.

فدا انقلابیون حاکم که با سوء استفاده از ضعفهای جنبش انقلابی توده ها، براریکه قدرت سوار شدند، بی پروا مشغول "ترکنازی" هستند و با گذراندن قوانینی که در مقایسه با قانون دوره پس از انقلاب مشروطیت و در مقایسه با قوانین اغلب کشورهای جهان، بسیار ارتجاعی و عقب مانده تر است، قصد آن دارند که تمام دست آوردهای جنبش های انقلابی تاریخ میهن ما را لگدمال سازند.

صحت آنچه را که گفتیم در تک مواذ لایحه قصاص میتوان دید. این لایحه، زیر نظر مجتهدین و پانابیدایب اللہ خمینی و بر اساس قوانین شرع تهیه شده است. اخیراً بهشتی تحت فشار رژیم انقلابی موجود در جامعه و برای آنکه کمتری آبرو شود از با اصطلاح ما بحیثران دعوت نموده است که در باره لایحه مزبور نشستی تشکیل دهند و لایحه را به مجلس تقدیم کنند. این لایحه، غیر قابل تغییر است و دقیقاً مبتنی است بر فقه مدون شیعه و اصل ولایت فقیه. ما لازم می دانیم که در اینجا دو نکته را مورد تامل قرار دهیم:

اول اینکه لایحه قصاصی دقیقاً ماهیت طبقاتی ارتجاعی را منعکس میکند و بنا بر همین ماهیت تنها در خدمت طبقات استعمارگر و بورژوازیگران و زحمتکشان و همه ستمدگان میباشد. در این

لایحه انواع تبعیض های ضد انقلابی بر اساس مردیای زن بودن، مسلمان یا غیر مسلمان بودن، ثروتمند یا فقیر بودن و... بوضوح بچشم میخورد.

این قانون، بطور کلی، در برابر برزن جانب مردار میگیرد و در برابر غیر مسلمان جانب مسلمان و در برابر فقیر جانب ثروتمند را نگاه میدارد.

نکته دوم اینکه هرگونه کوششی برای پوشاندن مآذاین قوانین که همانا قوانین شرعی (و مربوط به ادوار تاریخی گذشته) است، راهی جز به سوی التقاط ندارد. آن نیروهای مسلمانیه که باین

اوپا خویشاوندان او، محصول نظر مهیای اجتماعیه عقب مانده پیشین است. در صورتیکه تکامل نیروهای تولیدی و رشد مناسبات اجتماعی جرم را از صورت یک امر شخصی بصورت یک پدیده اجتماعیه در آورده و این خود در زمینه حقوقی، یک تکامل فرهنگی در تاریخ بشری محسوب میگردد.

در جوامع کنونی، چه سرمایه داری و چه سوسیالیستی، به جرم بعنوان یک مساله اجتماعی مینگرند و هر یک بر اساس موازین خاص خویش تعیین و اجرای مجازات را بعهده جامعه میگذارد. نه فرد یا خویشاوندان او. البته با این تفاوت که منظور از "جامعه" در منطق سرمایه داری، چیزی جز طبقه استعمارگر حاکم و منافع آن نیست. آنچه که در لایحه قصاص آمده، آشکارا یکس

لایحه قصاصی دقیقاً ماهیت طبقاتی ارتجاعی را منعکس می کند و بنا بر همین ماهیت، تنها در خدمت طبقات استعمارگر و بورژوازیگران و زحمتکشان و همه ستمدگان می باشد. در این لایحه، انواع تبعیضهای ضد انقلابی بر اساس مرد یازن بودن، مسلمان یا غیر مسلمان بودن، ثروتمند یا فقیر بودن و... بوضوح بچشم می خورد.

لایحه اعتراف دارند، هرگز نمیتوانند بگویند که چنین احکامی در شرع وجود ندارد (و بنا بر این نباید در جمهوری اسلامی وجود داشته باشد). آنان که با حفظ مواضع ایدئولوژیک و طبقاتی خود، این قوانین را نمی پذیرند، ناگزیرند - علی رغم میلشان - برخی از مبانی فقهی خود را مورد تامل و نقد قرار دهند و یا راه های آنرا حذف کنند و بجای آن از مبانی دیگری کمک بگیرند و بنیازن نزدیکی خود به لیبرالیسم یا دموکراسی، التقاط معینی را بپذیرند.

اکنون به خود لایحه میپردازیم:

جرم بعنوان مساله اجتماعی یا فردی؟

کلمه قصاص که در لغت عربی از ماده "قتل" بمعنی بریدن و قطع کردن آمده از باب مفاعله میباید و در طرف راست نشان میدهد و به مفهوم آنست که در طرف دعوا یکدیگر را در معرض قطع اعضا جرح و امثال آن قرار دهند. این مفهوم لغوی در قوانین حقوقی جوامع بشری، ایما دگسترده تری یافته و مثلاً در جوامع ماقبل سرمایه داری و قبیلگی به شکل خونخواهی در آمده است. این سنت هنوز هم در برخی از جوامع عقب مانده کنونی که بقایای زندگی قبیلگی در آنها وجود دارد دیده میشود که اگر شخصی از یک قبیله کشته شود، قبیله مقتول، تمام تلاش خود را بکار خواهد برد تا قاتل را بقتل برساند و حد انتقام جوشی "اولیای دم" یعنی خویشاوندان مقتول فرو نشیند. هم اکنون در بسیاری از قبایل عربی کشورهای خاور میانه مورد متعددی از قتل و گروگانگیری بر اساس "نار" (بمعنی خونخواهی) رخ میدهد.

قوانین مجازات، بدون توجه به زمینه های اجتماعی وقوع جرم، و صرفاً مبتنی بر انتقام مجوسی فردی و قبیلگی و با لایحه سپردن اجرای مجازات بدست شخصی که مورد جناحیت یا جناحه قرار گرفته

دیگر از نمونه های بازگشت به عقب در رژیم جمهوری اسلامی را به نمایش میگذارد. به ماده ۵۳ از لایحه قصاصی نگاه کنید که صریحاً میگوید: "ولی دم (خویشاوندان مقتول) بعد از آن والی مسلمین و نبودن محظور و فساد، میتواند تنها قاتل را قصاص کند. چنانچه نمیتواند اجرای قصاص وکیل بگیرد." (توضیح اینکه ولی مقتول با موافقت فقیه و در صورتیکه مانعی در کار نباشد میتواند خود شخصاً قاتل را قصاص نماید.)

تصور کنید که با اجرای چنین قانونی چه "بلیشو" و قانون جنگلی میخواد حکم فرما شود. اگر با اصطلاح "والی مسلمین" همین "علماء و فقهاء" میباشد (که هستند) و نمونه آنها خلخالی جلاد و فهمی کرمانی هستند، بدون شک "اذن" اجرای قصاص را به "ولی دم" خواهد داد و هیچ محظور و مانعی که تا بدیهه ترین آن "بروی" اجتماعیه و سیاسی رژیم است جلوی اجرای "حکم الهی" را نخواهد گرفت و مثلاً ماده ۶۲ لایحه مزبور در حضور مردم اجرا خواهد شد:

"... در مقابل قطع دست راست یا بدست راست جانی قطع شود اگر جانی دست راست نداشته میتواند دست چپ او را قطع نمود و چنانچه دست چپ هم نداشته باشد میتواند پای او را قطع کرد." (۱)

قانون معروف شرع که میگوید: "چشم در برابر چشم، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان" را اگر بخوانند، چرا کنند، تصور کنید که چه عملیاتی و حیثیاتی میتواند بوقوع بپیوندد؟ و با اگر افراد بخوانند برای اجرای تعامی (و در واقع انتقام گرفتن) وکیل بگیرند لابد شغل جدیدی که جز "میرغیبی" و "جلادی" نیست دوباره در جامعه ما ظهور خواهد کرد و همانطور که در اجرای قوانین دیگری، افرادی بعنوان "محلل" مشغول کار خواهند شد. بقیه در صفحه ۱۵

درافشانی سخنگوی دولت!!

د رچاشیه مصاحبه اخير بهزاد نبوی سخنگوی "مکتبی" دولت رجائی مرتجع بدنبال اظهار نظر "فاضلانه" (!) بهزاد نبوی سخنگوی دولت در هفته های گذشته که دلیل گرانسی و تحطی زا وجود گروه های کمونیست و انقلابی ذکر کرده بود!! بوی در مصاحبه دیگری که اخیرا انجام داده است مطالبی بیان کرده که بسیار افشاگرانه میباشند:

پرداخت بدهی اشرف هرزه و القانیان ها

در بخشی از این مصاحبه، نبوی مرتجع در پاسخ سوال مربوط به پرداخت بدهی اشرف و القانیان و... بنحوا محققانای کوشش مینماید مردم زحمتکش ما را که از تاراج میلیاردها دلار از داراییهای موجود ایران در آمریکا زبان به اعتراض گشوده اند، فریب دهد، او میگوید: "یک عده از شرکتهاش که کما نشی مثل اشرف و القانیان هم در آن سهام داشتند ملی شده و معادله شده است و تضمین پرداخت های بدهی - های اینها را هم بانکهای ایرانی کرده اند که بانکهای ایرانی نیز توسط شورای انقلاب ملی شده و تضمین بانکهای ایرانی را هم بانک مرکزی کرده است یعنی طبعاً اگر بدهی هائیشی پرداخت شده، در رابطه با شرکتهاش است که ملی شده و در اختیار دولت بوده است و اگر شما مدارین شرکتها در گذشته اشرف و القانیان و امثالهم بوده است..." (جمهوری اسلامی ۶۰/۲/۲۱)

نبوی با این پاسخ ماهیت "ملی" شدن شرکت ها و بانکهای غارتگر سرمایه داران ایرانی و خارجی توسط رژیم جمهوری اسلامی را به روشنی افشا میکند. این چگونه "ملی" شدنی است که پرداخت بدهی های اشرف ها و القانیان ها به شرکت های امپریالیستی را از دسترس خارج زحمتکشان تضمین مینماید و دولت با اصطلاح "مد امپریالیستی" هم بابت پرداخت آنها یک میلیارد دلار در بانک انگلیس سپرده میگذارد؟ این مرتجعین کمان میکنند به همین نادگی می-توانند توده های زحمتکش ما را تحمیق نمایند؟! آری، جیپا وول میلیاردها دلار از درآمد ملی توسط اشرف ها و همپالکی های ارتجاعی اش کافسی نبوده و دولت جمهوری اسلامی بجای کوشش جهت پس گرفتن آن نژوتیهای بر باد رفته - که صد البته در ماهیت این رژیم نیست - بدهی های آن مرتجعین و هرزه را را نیز پرداخت میکنند ولی نیوت که بدهی پرداخت بختی - هر چند کوچک - از خواستهای کارگران و زحمتکشان مبردا به "تسهیل غریب" تازی می افتد و با اسداران مسلح سرمایه داران سزکوب آنان میفرستند و اکثرا هم دست بدامن همین سزکوب و کشتار مینود.

■ مسئله عادی از دید "دولت انقلابی"! بهزاد نبوی در مورد قرار داد یک میلیارد لیره ای (۱۷ میلیارد تومان به ارز دولتی - ۲۷ میلیارد تومان به ارز مسافرتی) با کمپانی تالیوت انگلیسی که در جهت تحکیم سرمایه - داری وابسته و نیز کمک به حل بحران اقتصادی شرکت امپریالیستی انگلیسی بسته میشود (پیکار ۱۰۴) میگوید:

"سند تسبیح اقتصادی هیأتی را ما مور رسیدگی به این مذاکرات ایران ناسیونال با تالیوت، که نتیجه اش متعاقباً گفته میشود، و ما له هم خیلی غیر عادی نبوده است، بلکه چون حجم معامله زیاد است و مسئله ۵ ساله نیز عنوان شده بود، بخاطر همین، مورد توجه ستاد تسبیح اقتصادی قرار گرفت."

آری! برای حفظ و تحکیم سرمایه داری و وابسته عقد چنین قرار داد های غارتگرانه ای غیر عادی نیست، برای خلق آگاه ما نیز این مسئله "خیلی غیر عادی نبوده است" چرا که آنها از رژیم که بنا به ما هیت طبقه اش با جای رژیم شاه جلا گذاشته، انتظار دیگری ندارند و همین جهت تنها یک راه در پیش پای خود قرار داده است و آنهم میارزهی امان علیه این رژیم خیانت پیشه در راه پیروزی انقلاب سرخ فردا است.

آری! برای رژیم جمهوری اسلامی امضای قرار داد کلان با امپریالیسم انگلیس، معامله با کمپانی آلمانی کرپ، بخشیدن میلیاردها دلار از دسترنج زحمتکشان به امپریالیسم آمریکا، جیپا وول و دزدی ۵۶ میلییون دلار در جریان خرید اسلحه ۱۰۰۰ مری کا ملا عادی است. چرا که بدون این غارتگری ها و جیپا وول ها اصلا چنین رژیم ها ش نمی توانستند دلیل وجودی داشته باشند.

خرید سوخت از خارج

در "سایه جنگ ارتجاعی بین دور رژیم مرتجع ایران و عراق کشور" نفت خیز "ما برای سوخت داخلی خود نیز محتاج کشورهای دیگر شده است. نبوی در این مورد میگوید: "همچنین خرید سوخت که خودش حدود ۲۰ میلیارد تومان بودجه می - خواست که ۱۱ میلیارد فقط تسدده کردیم" (همانجا) و با "ما باید از بندر عباس سوخت را برسانیم به ما زندان با خراسان... در گذشته، با لاینگاه تهران از طریق خط لوله کا زوشیل شمال رانا مین میگردولی الان یک کامیون با یادار بندر عباس راه میفتد و به خراسان و ما زندان برود".

با گذشت ۸ ماه از جنگ ارتجاعی کنوسی

رژیم جمهوری اسلامی همچنان که تمام مسائل را از دیده توده های می پوئاند، یکبار هم نگفته که با هزینه میلیاردها تومان از خارج (کدام کشور؟) مواد سوختی وارد میکنند و البته بیشتر این سوخت وارداتی به تاسین سوخت و اسائل نقلیه جنگی اختصاص دارد، رژیم جمهوری اسلامی از گفتن این حقیقت و علت اینکه چرا قار در نیست کماکان از طریق پالایشگاه تهران سوخت داخلی رانا مین نماید، هراس دارد. آنها از بیان جنگی هستند که برای توده های زحمتکش جز کشتار، قحطی، فلاکت و در بدری و آوارگی... نصب دیگری نداشته است و بخاطر همین جنگ ارتجاعی می باید میلیاردها تومان برای خرید مواد سوختی از کشورهای کنوراشی که برای زحمتکشان ما مجهول هستند، خریداری نماید. سوختی که بندرت در اختیار خود زحمتکشان قرار میگیرد.

... "رسیدگی به جنگ زندگان"

نبوی مرتجع با وقاحت زیاد در "مورد رسیدگی دولت به جنگ زندگان" پاسخ میدهد: "آنقدر دولت به جنگ زندگان اهمیت داده است که چیزی بنام بنیاد مورجنگ زندگان ایجاد کرده است... و هماغه منظور که میدانید ۶ میلیارد تومان بوده بنیاد جنگ زندگان است."

احتیاجی به اشاره مجدد به نوع "اهمیتی" که رژیم جمهوری اسلامی به جنگ زندگان آورده داده است نیست. هم مینهان زحمتکش ما به خوبی آگاهند که بخاطر همین "اهمیت" بوده که سردمداران رژیم انواع تهمت ها و فحاشی ها و لقب ها را ناشر جنگ زندگان کرده، آنها را به کلوله بسته، نمایندگان شان را دستگیر و زندانی کرده و در سرمای سخت زمستان و گرمای سوزان خوزستان و... در بدترین شرایط وزیر چادرها و بدون غذا و بهداشت رها بستان کرده و... آنها را آواره بیا بیا با آنها و شهرها نموده است و... و اکنون نیز بخاطر همین "اهمیت" ۶ میلیارد تومان بودجه سالیا نه برای آوارگان جنگ زده تعیین کرده که بدون محاسبه خرج و هزینه های اداری و حقوق کارمندان این "بنیاد جدیدالتاسیس" که اگر برای آوارگان کاری هم نکند، عده ای از نور چشمی ها را به آذربایجان خواهد رساند. باید صرف هزینه زندگی بیش از ۱/۸۰۰/۰۰۰ جنگ زده بشود. یعنی برای هر آواره مبلغ ۲۷۷ تومان در ماه! چه بذل و بخششی؟! همین جند نمونه برای افشای ماهیت و عملکرد دولتی که سخنگویش چنین درافشانی میکند، کافست. این مرتجعین فرصت زیادی نخواهند داشت که بیش از این به توده فریبی و تحقیر زحمتکشان بپردازند و طوفان خشم توده ها بپاشد و در راه سرخ و پیروز مند خویش به حساب این شادی ها سرخواهد رسید.



درباره مفهوم "بورژوازی دمکرات"

توده‌ها هراس دارد، و از همین روست، آن شما بیلات با بیان نا پذیر لیسرا لها به دادن امتیاز به نظام کهنه، سازش با آن، و دفاع از بسیاری پایه های ثبات نظم کهن، و همه اینها موجب نا توانی مطلق لیسرا لیسیم، است عصری آن، و تزلزلات بی پایان آن میباشد.

دمکراتها نماینده توده‌های وسیع مردم هستند. یک دمکرات از جنبش توده‌ها هراسیان نبوده، بلکه به آن ایمان دارد. در روسیه - دمکراتها توسط ترودویک‌ها و "نا رودنیک‌های" چپ، بطور کلی، نمایندگی میشوند. مارکسیستها که آنها را دمکراتهای بورژوا مینامند، بهیچ وجه بمنظور "حمله" به آنها نبوده، بلکه به این دلیل است که هیچگونه تقسیم مجدد زمین، و هیچگونه تغییرات دمکراتیک در دولت برای از میان بردن حاکمیت سرمایه، یعنی سیستم بورژوازی، کافی نیست.

سیاست دمکراتهای کارگری روشن است. ما تنها در مرحله دوم انتخابات، و فقط آنهایی که امکان نداشته باشند به همراه دمکراتها، لیبرالها را شکست دهیم. توافق‌هایی با لیبرال‌ها را بر علیه راست‌ها می‌پذیریم. ما شانه‌به‌شانه دمکراتها، با هنگامیکه آنان به اصول دمکراتیک خود وفا دار باشند، ادامه خواهیم داد.

منتشره طبق متن پراودا پراودا، شماره ۷۵ مجموعه آثار، جلد ۱۸، ۲۶ ژوئیه ۱۹۱۲



برجسب توهین آمیز "بورژوا" را به آن اضافه میکنند. (یعنی بورژوا - دمکرات) بسیار متکلم است تا وان بزرگتر از این را از جانب "افراد تحصیل کرده‌ای که ادبیات مارکسیستی را مطالعه میکنند، بتوان تصور نمود. سئوالی که بناچار مطرح میشود چنین است: آیا (پاره‌ای) حساب‌ها گاه افراد را وادار نمیکند که تظا هر به نادانی کنند؟

ما از سال ۱۹۰۶ دهها هزاران با توضیح داده‌ایم که کادتها دمکرات نیستند، بلکه بورژوازی لیبرال سلطنت طلب میباشد. در بهار ۱۹۰۷، تصمیمات رسمی مارکسیست‌ها از سراسر روسیه که برای هرفردسیاسی آگاهاناست، این مسئله را تا شید کرده و با صدای بلند اعلام داشته اند که کادتها یک حزب بورژوازی لیبرال سلطنت طلب هستند. دمکراسی آنان "عوا مغریبی است و بخشی از خرده بورژوازی" تنها به نیروی سنت (عادت کورکورانه آویختن به رسومات و کهنه‌ها) و به این دلیل ساده که آنها توسط لیبرالها فریب داده شده‌اند" (۱) بدنشال آنان روان هستند.

این ایده‌ها از آن زمان به بعد دهها هزاران بار تکرار و تکرار شده است. اما کادتها، آنچنان که گوئی هیچگونه اتفاقی نیفتاده است، چنین اظهار میکنند که "عادت کرده اند که فکر کنند مارکسیست‌ها آنها را دمکرات میدانند! بناشوا ترازانکه خودش نمی‌خواهد بشنود، وجود ندارد!"

تفاوت لیبرالها با محافظکاران (با ندهای سباه) در این است که آنها بیان کننده منافع بورژوازی هستند که به ترقی و سیستم قانونی سازمان یافته، رعایت قانونیت، قانون اساسی، و تضمین آزادی سیاسی تا درجه معینی نیازمند است.

اما این بورژوازی ترقی خواه، بیشرار آنچه از ارتجاع میترسد، از دمکراسی و جنبش

چندی پیش، در یکی از شماره‌های پیکار، در توصیف نیروهای دمکرات (خرده بورژوازی دمکرات) در جامعه خودمان، از عبارت "بورژوا - دمکرات" استفاده کردیم. این توصیف، در ذهن بسیاری از رفقا و دوستان خواننده نشربه این ابهام‌ها ایجاد کرده گویا ما مجاهدین را نماینده "بورژوازی" به معنای مطلق آن میدانیم و بدین ترتیب موضع خودمان را در برابر آنها "عوض" کرده‌ایم. در این رابطه ما بهای زیادی دریافت کردیم که خواهان توضیح بیشتر این مفهوم و درک ما از آن شدند.

ما هم تصور کرده‌ایم که در پاسخ به نامه‌های پیکار شماره ۱۰۱ نیز توضیح دادیم، اطلاق لفظ بورژوا - دمکرات به یک نیروی انقلابی - دمکرات، بهیچوجه به معنای تحقیر و یا "حمله" نیست و با معنای عوض شدن تحلیل ما نسبت به ما هیبت طبقاتی آنها نمی‌باشد. اطلاق بورژوازی دمکرات به این نیروها، تعریف دقیقی است که بطور روشن، جایگاه طبقاتی و سیاسی این نیروها را در انقلاب ایران نمایان میسازد. از یک سو در کجای رویزبونیستی موز - بندی میکنند که خرده بورژوازی را از ما هیبت بورژوازی آن تهی میکنند، و برای آن رسالتی هم نندرسالت بیولتا را قائل هستند (تزر راه رشد غیر سرمایه‌داری رویزبونیست‌ها دقیقاً از همین زاویه مدما رکیستی آغاز میشود)، و از سوی دیگر در کجای چپ را بدور می‌اندازد که خرده بورژوازی دمکرات را بلحاظ ما هیبت بورژوازی خود، در کنار ریبورژوازی لیبرال قرار میدهد، و خلعت دمکراتیک و انقلابی آنرا نادیده می‌انگارد. و دلیل این امر را هم، سیاست لیبرالی آنها در برابر بورژوازی لیبرال می‌دانند. این درک نیز دیدگاه صحیحی نسبت به جایگاه واقعی خرده بورژوازی دمکرات، که تزلزلات و گرایش آنها به بورژوازی لیبرال نیز دقیقاً از همینجا قابل تحلیل است، ندارد. در زیرترجمه مقاله کونا هی از لنین را که در این مورد مینویسد مفید باشد، درج مینمایم. این مقاله قبلاً از انقلاب فوریه یعنی در سال ۱۹۱۲ نوشته شده است و بنا بر این برخورد لنین به خرده بورژوازی و لیبرالها با توجه به این دوره تاریخی قابل درک میباشد.

کادتها و دمکراتها

سرمقاله رچ می‌نویسد: "ما به این فکر عادت کرده‌ایم که مارکسیست‌ها، کادتها را بعنوان یک حزب دمکرات به رسمیت بشناسند، هر چند آنها

توضیحات:
۱- لنین به قطعنامه کنفرانس پنجم (لندن) حزب سوسیال دمکراتیک کارگری روسیه، تحت عنوان "دیدگاه نسبت به احزاب غیر پرولتری" اشاره میکند. (مراجعه کنید به ج. ک. ا. ش. قطعنامه‌ها و مصوبات در اولین کنفرانس‌ها و نشست‌های همگانی کمیته مرکزی، قسمت اول، ۱۹۵۴، ص. ۱۹۴، چاپ روسی)

بقیه از صفحه ۱۳ لایحه
در بیان این قسمت از یادداشت‌های مربوط به قضا با بدیهه این نکته مهم اشاره کرده‌ایم: این قوانین برای فردی که ثروتمند نباشد نمیتواند طور دیگری اجرا شود. یک ثروتمند میتواند "خوشبخت" (دیه) بپردازد، یا با پرداخت پول و مال، فردی که مورد جنایت یا جنحه واقع شده و خواستار قضا است را به "عفو" تشویق نماید. به این ترتیب است که قانون دستبخت طبقات ارتجاعی، تمام خشونت خود را علیه زحمتکشان و در جهت تسلط هر چه بیشتر بر آنان بکار میبرد.

کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیست و انقلابی این قوانین ارتجاعی را همراه با صاحبان و اجرا کنندگان آنها به زباله‌دان تاریخ خواهند سپرد و بجای آن قانونی که خاص خودشان یعنی خاص کارگران و زحمتکشان است (قانون جمهوری دمکراتیک خلق) برقرار خواهند کرد.

جنبه‌های دیگر از لایحه ارتجاعی قضا را در شماره... های آینده بحث خواهیم کرد. ★ ★ ★



مبارزات دلیران کارگران بندر خمینی با گلوله و نارنجک پاسداران سرمایه بخون کشیده میشود

دراثر رگبار پاسداران ۸ کارگر مجروح شده اند .
بیش از ۹۰ تن از کارگران نیز دستگیری شدند .
روز ۶۰/۲/۷ حدود ۱۵۰ نفر از کارگران
پیمانی بندر خمینی در محل ایستگاه سربندر
تجمع کرده و ضمن خودداری از رفتن سرکار از
سایر کارگران میخواستند تا آنها
بپیوندند . این کارگران روز قبل نمازگاه -
نشان را برای بیان خواسته‌هایشان فرستاده بودند ،
ولی نمازگاهان توسط کمیته بندر دستگیر و
زندانی شده بودند . بنا بر این خواهش‌های
کارگران در این روز عبارت بودند از :
۱- آزادی نماینده زندانیان . ۲- انحلال
کمیته تعاونی اسلامی که از طرف دولت منصوب
گشته و بجای پیمانکار سابق به استعمار و حشانه
کارگران میبرد . ۳- ایجاد شورای واقعی
کارگران . ۴- افشای قرارداد کمیته تعاونی " و
کشیرانی ها . ۵- تهیه وسایل ایمنی مانند
آمیولانس ، دستکش ، کلاه و ... ۶- عدم دخالت
کمیته وسپاه در امور کارگری .
بدینال این اجتماع پاسداران سرمایه مطابق معمول
به محل آمده و با نشان روی اسلحه‌هایشان به سمت
کارگران به تهدید و ارباب میبرد آمدند . اما
کارگران نه تنها مرعوب نشدند بلکه به اعتراض
و ترخاش پرداخته و نشان دادند که هیچ ترسی از

کارفرما و مدبران دولتی میتوانستند کارگران را
بعد از مدت ۶ ماه اخراج و به اصطلاح محدودا استخدام
موقت نمایند ، بعنوان نمونه میتوان از اخراج این
دسته از کارگران در بروج منطقه ، کارخانه
ناسیونال و کارخانه راج نام برد .
برای مقابله با این توطئه‌های ضد کارگری رژیم
جمهوری اسلامی کارگران باستی در نظر داشته باشند که :
۱- از آنجا که بیکاری شتری است که در خانه هر
کارگری میخواهد ، میبایست همه کارگران ، چه
دائمی وجه موقتی ، برای استخدام کارگران
موقتی متعدها میزبان بناد و اخراج و بیکار
شدن آنها جلوگیری کنند .
۲- مبارزه برای استخدام کارگران موقت بیک
کارخانه ، حتما میبایست در ارتباط با کارخانه
های مجاور و با کارگران هم رشته صنعتی باشد
کارگران در این مبارزه ، هر چه متحدتر باشند
سریعتر میتوانند رژیم را وادار به عقب نشینی
و قبول خواسته‌های خودشان بکنند .
۳- کارگران دائمی استخدامی و کارگران موقتی
با اتحاد خود میبایستی خواهان ۴۰ ساعت کار
و ۲ روز تعطیل در هفته باشند ، تا در عین حال
امکان استخدام تعداد بیشتری از کارگران بیکار وجود آید .
۴- در کارخانه‌هایی که اخراج کارگران موقت
انجام میشود ، کارگران موقت آن کارخانه‌جات
میبایستی مسائل خود را با سایر کارگران در
میان گذارند و آنها را به پشتیبانی از خود
دعوت کنند . متقابلا کارگران دائم میبایست
با اقدامات یکپارچه ، به کمک کارگران موقت
برخیزند و نگذارند توطئه‌های رژیم جمهوری
اسلامی به سرانجام برسد .
۵- سرانجام تمام راه‌حلهای ، به ایجاد تشکیلات
واقعی کارگری ختم میشود . در هر کارخانه کارگران
بایستی برای ایجاد شوراهای واقعی کارگری
که بهترین مانع اخراج کارگران است بکوشند .
تنها با شرط وجود تشکیلات است که سرمایه‌داران
و رژیم حامی آنها ، وادار به عقب نشینی خواهند شد .

بقیه از صفحه ۳ توطئه...
شیوه مذکور ، همان شیوه به کارگرفتن موقتی
کارگران است . در گذشته نیز سرمایه‌داران با
استفاده از بیکاری موجود در سطح جامعه ، به
استفاده عمده از کارگران نمی پرداختند و
آنها را به حالت استخدام موقت نگاه میداشتند ،
و پس از دوره موقت آنها را اخراج میکردند و
دوباره کارگران موقت میگرفتند . این شیوه ضد-
کارگری ، از راه‌حلهای همه رژیم‌های سرمایه-
داری است تا پیشتر از حال کارگزاران . سرمایه‌داران با استفاده
از این شیوه ارتجایی و ضد کارگری ، بخشی از
حقوق اولیه و ابتدائی کارگران را نیز به جیب
میزنند . طبقه سرمایه‌دار رژیم‌ها می آنها ، از
این کار به هدفهای زبردست میبایستند :
۱- سرمایه‌داران هر زمانی که احتیاج به کارگر
نداشته باشند ، بدون باز خرید دوران اشتغال
تعداد مورد نظر از کارگران را اخراج میکنند .
۲- سرمایه‌داران با اخراج این عده از کارگران
موقت ، به مقابله با اعتراضات و مبارزات بحق
و عادلانه کارگران برخاسته و بر سر مبارزه ای
که کارگران میکنند ، و همه کارگران در آن شرکت
دارند ، گوشزد میکنند که : " در صورت یافتن روی
این خواسته‌ها ، از استخدام خبری نیست و اخراج
میشود " و بدین وسیله کارگران موقت را در برابر
خواستهایشان و هنگامی در شرکت هر چه فعال تر
در مبارزه نحت فشار قرار میدهند . و در واقع
تقسیم کارگران به کارگران استخدامی و کارگر
موقتی و ترس اخراج ، جلوی اتحاد و مبارزه
متشکل کارگران را میگیرند .
۳- حق بیمه ، حق خواروبار ، مرخصی در سال و
بسیاری مزایای دیگر که به کارگران استخدامی تعلق
میکبرد ، به کارگران موقت پرداخت نمیشود و از
این بابت هم سرمایه‌داران بخشی از دستمزد
کارگران را به جیب میزنند .
۴- سرمایه‌داران با به کارگرفتن بخشی از
کارگران بصورت موقت همواره بین کارگران
استخدامی و کارگران موقت اختلاف می ادازند
آنها کارگران موقت را به رخ کارگران
استخدامی ، میکشند و متقابلا کارگران موقت را
تهدید به اخراج میکنند ، که مورد اول ، یعنی
به رخ کشیدن کارگران موقت به کارگران
استخدامی ، باعث ایجاد تفرقه و اختلاف در بین
کارگران میشود .
هم اکنون در تمامی کارخانه‌ها از استخدام
رسمی طفره میروند ، اگر در گذشته سرمایه‌داران
می بایستی بعد از گذشت ۳ ماه در مورد کارگران
موقتی آنها را استخدام میکردند ، اما اکنون



برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!



این مزدوران سرما به ندارند. بدین ترتیب با ساداران دست از پا دراز تر بر میگردند و مدتی بعد فرمانده سپاه ساداران برای صحبت بمیان کارگران آمده و از آنها میخواهد که برای بیان خواسته‌هاشان نما بپندند و انتخاب کنند. کارگران ضمن افشای دستگیری نمایندگان قلیباشان توسط کمیته مجدداً نماینده را به همراه فرمانده ساداران میفرستند.

نمایندگان ساعت ۲/۵ بعد از ظهر مراجع کرده و میگویند که جواب آنها در مقابل خواست‌های بحق ما این بود که "همین است که هست. میخواهد کار کنید نمخواهد کم کار کنید". این مسئله موجب خشم کارگران گردید بطوریکه تصمیم میگیرند فردای آرزوی همراهان خود - های خود بطرف شهر را هیما می کنند.

روز بعد نماز نیکه کارگران اعتراضی برای جلب حمایت بقیه کارگران به اسکله میروند. اسلحه بدستان مزدور رژیم موجه می شوند.

با ساداران سرما به بدون هیچ مقدمه‌ای به روی کارگران مبارزاتش می‌گشاید و همچنان نا رنجگی را بمیان آنان برتاب می‌کنند. در نتیجه این جنایت بیشتر ما نه ۸۰ کارگر زحمتکش زخمی و به بیمارستان منتقل می‌شوند. ۲۱۰ نفر دیگر نیز دستگیر و زندانی می‌گردند. کارگران که از این یورش وحشیانه بخشم آمده بودند، به سریندر مرزا جعت کرده و به ساختمان شهرداری میروند شهر را با مشت و لگد از آنجا برده بطرف منازل بلوکی خود می‌روند و در یکی از خانه‌های کارگران زندانی مینما بند و قاطعانه خواستار آزادی همکاران خود و افشای این جنایت می‌شوند. مردم از همه طرف دور کارگران جمع شده و از آنها حمایت می‌کنند.

صبح فردای آرزو فرمانده ساداران نزد کارگران می‌آید. کارگران خشمگین او را نیز تنبیه کرده و کتک‌ها را بر سر او می‌زنند و بعد از چندی برای بهانه دادن به ساداران، با شعار "مرگ ساداران" این مزدوران را می‌کشند.

بعد از ظهر آرزو کارگران برای رساندن فریاد اعتراض خود به گوش مردم، دست به شک را هیما می‌کنند که مورد حمایت توده‌ها و

بخصوص جنگزدگان قرا رگرفته و عده‌ای نیز به صفوف را هیما بان می‌پیوندند. شمارهای را هیما می عبارت بودند از: کارگرزندانسی آزادی‌یادگر "پادار، پادار، پادار" می‌سازد می‌سازد "پادار"، "شورا، شورا، سگ‌زحمتکشان"، "اپنست آزادی ما کلوله برسینه ما" و... سپس در باره قراشت مینما بند. در قسمتی از این قطعنامه می‌نماید که: "مردم زحمتکش سریندر، ما تنها شما را مرجع قانونی میشناسیم و میدانیم که عدالت تنها بدست کارگران و زحمتکشان برقرار خواهد شد. از شما میخواهیم که از خواسته‌های بحق ما دفاع کرده و جنایت وحشیانه رژیم را محکوم نمائید. ساداران را هیما می‌کنی در محل زندانی شدن شهردار را همه می‌باید. این حرکت با افشای موفقیت آمیز جنایت رژیم میتواند در جوبلیسی و اختناق سریندر را بشکند."

شب هنگام با ساداران با استفاده از تاریکی شب به خانه‌های کارگران یورش می‌برند. آنها ابتدا شهردار را آزاد ساختند و سپس حدود ۷۰ نفر از کارگران را دستگیر و زندانی می‌کنند.

مبارزات کارگران برای افزایش دستمزد

دستمزد آنهاست که سرما به ساداران برای فریب کارگران بدین صورت پردازت می‌کنند (برآمدن بعضی اشکاس این هدف هیئت مدیره، موج اعتراض کارگران بالارفت و در دو قسمت "ویفر" و در روسازی اعتبار کوتاه مدتی بوقوع پیوست مدیریت نیز که اوضاع را نا مطلوب دیدند تا روز ۶۰/۲/۱۵ از نمایندگان کارگران مهلت می‌خواهد. اما چون در این روز مدیرعامل کارخانه و سخنگوی مدیریت به کارخانه نماند، زمزمه‌های اعتبار در میان کارگران قوت می‌گیرد و صبح روز شنبه ۶۰/۲/۱۲، موج اعتبار سراسری کارخانه را فرا گرفته و جزئی دو قسمت بقیه کارخانه به اعتبار می‌پیوندند. مدیرعامل کارخانه برای خنثی کردن اعتبار به قسمتهای مختلف رفتند و با سخنرانی و تهدید قدامتگسستن اراده کارگران را مینماید. اما تیرش به سنگ خورده و اغلب قسمتها استوار در مقابلش ایستاده و حق خود را طلب مینمایند. تا اینکه عصر آرزو سرانجام هیئت مدیره و داربده عقب نشینی شده و اطلاعیه‌ای مبنی بر برداشت ۱۵ روز اضافه تولید در تاریخ ۶۰/۲/۲۶ را در مینماید. همانطور که گفتیم این مبارزه که نقطه عطفی در مبارزات کارگران مینویسد، باعث بالارفتن روحیه مبارزاتی آنها گردید که در حدود دستاوردی محسوب میشود.

۲- کارخانه لاتا (قزوین):

حدود ۳ ماه است که کارگران این کارخانه

بحران عمیق اقتصادی جامعه روز بروز بیشتر کارگران و زحمتکشان را به فقر و فلاکت میکشاند. افزایش سرمایه و رقیمتها و گسترش اخراج و بیکاری از جمله عواملی هستند که موجب ناآرامی و ناامنی سربس سطح زندگی طبقه کارگر میشوند. از اینرو و با توجه به نرخ بالای تورم، دستمزد ناچیز کارگران ناچار غل دیگر کفاف تا مین حداقل معاش خود را نمانده‌شان را نمیدهد. بدین لحاظ است که ناچاران و جگری و گسترش مبارزات کارگران برای افزایش دستمزد (چه بصورت مزد رسمی و چه در اشکال سود ویژه، عیدی و...) میباشیم. بنا بر این از آنجا که مبارزه کارگران حول افزایش دستمزد اهمیت ویژه‌ای مییابد، از این پس سعی خواهیم کرد تا جلوه‌های مختلف این مبارزات را برای درک عینی تر یافتن از این مسئله، اشکاس سهیم و در رابطه با آنها صحت تحلیل و شمارهای سازمان را (که در مقالات جداگانه‌ای مطرح شده و میشوند)، مورد تاکید قرار دهیم.

۱- اعتصاب در کارخانه مینو:

بدنبال مبارزات کارگران این کارخانه طی سال گذشته و افت نسبی آن در ماههای اخیر، اخیراً شاهد آغاز و جگری مبارزات کارگران حول مسئله افزایش دستمزد (به شکل غیر مستقیم) میباشیم. بدین ترتیب که کارگران از اوایل سال جدید خواهان دریافت ۲۰٪ افزایش تولید خود بودند. هیئت مدیره کارخانه تحت فشار کارگران ابتدا با پرداخت ۱۵٪ افزایش تولید موافقت مینماید. بعداً به این پیانده که کارخانه در سال ۵۷ کار می‌کرد و نسبت به آن سال اضافه تولید نداشته، در مورد عدم پرداخت بیشتر این قسمت از حق کارگران (که در واقع بخشی از

دست به کم‌کاری زده‌اند. خواست کارگران اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بود تا بدینوسیله دستمزد ناچیزشان را افزایش دهند. لیکن مزدوران سرما به بهانه جنگ و اینکه طرح فوق میبایست بعد از جنگ بصورت سراسری اجرا شود کارگران را سردوانده‌اند. این درحالیست که سرپرستان کارخانه که وظیفه‌ای جز کار بیشتر از کارگران کشیدن و سرکوب مبارزاتشان را ندارند از مزایای بر مراتب بیشتری برخوردارند. (مثلاً درازا ۶۰۰ تومان راندها برای سرپرستها، کارگران ۷۰ الی ۱۵۰ تومان میگیرند)

کارگران تصمیم میگیرند تا خواست افزایش دستمزد خویش را به شکل مستقیم طرح نمایند و علاوه بر آن خواهان غذای گرم، صبحانه، لباس و... میشوند. شورای قلابی کارخانه با این خواست کارگران نیز مخالفت مینماید. کارگران دستگها را از حرکت باز داشته و بمدت ۳ ساعت کارخانه را میخوابانند. تا اینکه رئیس کمیته شهر صنعتی قول برآورده شدن خواسته‌های کارگران را میدهد اما کارگران کماکان به کم‌کاری برداخته و بدینوسیله برخواستهایشان پای می‌شارند

۳- کارخانه پایو:

مبارزات کارگران این کارخانه جهت افزایش دستمزد با اعتراض به پرداخت مبلغ کزاف اضافه حقوق به تعدادی از کارمندان نور چشمی، آغاز گردید و سرانجام در اتریش کارگران مدیریت و صنعتی و سدیگای ضد کارگری کارخانه تصمیم گرفتند تا مبلغی معادل ۴۰٪ روز دستمزد کارگران بتایوی به کارگر و کارمند بپردازند. این عقب نشینی مسئولان در ضمن با هدف انحراف بقیه در صفحه ۲۶

روش طبقه کارگر نسبت به دمکراسی بورژوازی

روش برخورد طبقه کارگر آگاه نسبت به

"دموکراسی بورژوازی" چیست؟ شناخت ماهیت "دمکراتیسم کاذب بورژوازی" و چگونگی "دمکراتیسم ناپیکم خورده بورژوازی" یا سخوئی به سؤال را بسیار آسان می نماید: در انقلاب دمکراتیک، در مبارزه برای دست - یابی به دمکراسی که هم اکنون در کشور ما با مبارزه ضد امپریالیستی پیوند خورده است، طبقه کارگر از تمامی نیروهای که در این مبارزه حیاتی برای دستیابی به جمهوری دمکراتیک خلق، همگام با او قدم برمی دارند حمایت میکند. چرا که بدون این همراهی و حمایت تصور پیروزی نیز غیر ممکن است. دستیابی به جمهوری دمکراتیک خلق، یک گام مهم برای طبقه کارگر در راه رسیدن به سوسیالیسم است، گامی که با بدی طی شود، در این راه طبقه کارگر و خورده بورژوازی دمکرات دوش دوش هم می جنگند. چرا که منافع مشترکی درنا بودی سلطه امپریالیسم، درهم کوبیدن سرمایه داری وابسته و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق دارند.

سنا برای روشن است که بولوتاریا از هر ابوزیسیون (مخالفتی) حمایت نمی کند، بلکه ابتدا این سؤال را مطرح می نماید: ماهیت طبقاتی این ابوزیسیون چیست؟ مبارزه وی چه از طبی با انقلاب کارگران و زحمتکشان دارد؟ آیا موافق و در جهت این انقلاب حرکت می کند یا در جهت مخالف آن قدم برمی دارد؟ با چنین روش برخورد صحیح، مسئولان مناسبات طبقه کارگر را با دیگر طبقات در انقلاب دمکراتیک و روس برخورد طبقه کارگر را نسبت به "دمکراسی بورژوازی" تعیین نمود.

طبقه کارگر "دموکراتیسم کاذب":

بولوتاریای آگاه شناخت ماهیت دمکراتیسم فلابی بورژوازی، و اصلاحی بودن "دمکراتیسم بورژوازی" را افتاد میکند و اجازه نمی دهد که بورژوازی با آسون "دمکراتیسم" دروغین خود زحمتکشان را جلب نماید و آنرا به مسلح سرمایه داری ببرد. در واقع: "لینن الیها به تنجیم دمکراسی بورژوازی، بلکه بحسم حمایت بورژوازی به دمکراسی هستند... بدین ترتیب حمایت اردمکراسی بورژوازی معناس چیری جز فریب و انسانی شد دمکراسی لنین الیها نیست." (برامون مقاله ای از ارکان بوسند- لنین)

هم اکنون در کشور ما و بویژه در شرایط کمونیستی، روش فلابی ما هیت ارتجاعی دمکراتیسم

مقاله آموزشی بحثی پیرامون دموکراسی (قسمت آخر)

نخست: برای پرورش سیاسی توده های طبقه کارگر و متشکل هر چه بیشتر آنها در سازمانهای مختلف خودشان، از همین زاویه است که کمونیستها از کوچکترین امکان تشکیل اجتماعات، تشکیل سدیگاها و... در جها راجوب فوانین بورژوازی استفاده میکنند. اما هدف این استفاده فقط و فقط به منظور رشد آگاهی و متشکل کردن طبقه کارگر و به عبارت دیگر آماده سازی آن برای هدف نهایی یعنی انقلاب کارگری میباشد.

دوم: کمونیستها با استفاده از هر روزنه ای در فوانین بورژوازی، سعی میکنند فریب و ربای دمکراسی بورژوازی را به کارگران و زحمتکشان نشان دهند و با بر ملا کردن این واقعیت که دمکراسی بورژوازی چیزی جز دیکتاتوری پوشیده و ربایا که را به رعب علیه کارگران و زحمتکشان نیست نوه مونا آکا هی آنرا نسبت به تبلیغات توخالی بورژوازی در شرح خودشان بر طررف سازند. از همین روست که هنگامیکه توده های کارگر رهبری به ما هیت - واقعی مجلس (پارلمان) بورژوازی شبرده اند و با سادگی و از روی نا آگاهی جسم امیدبان اندوخته اند، کمونیستها با شرکت در آن (پارلمان) سعی میکنند در عمل به توده ها نشان دهند که با رلمان جز برای سرگرم کردن بوده است و رنوده نیست و برای آزادی و آزادای مورد ادعای بورژوازی فقط در حرف بوده و هیچگاه در عمل شامل کارگران و زحمتکشان نمی گردد. بدین ترتیب بهره گیری از کوچکترین روزنه و امکانات در دمکراسی بورژوازی برای طبقه کارگر و نوما بندگهان آگاهان یعنی کمونیستها مقوله ای نا کتیکسی است و در خدمت استراتژی آن یعنی نابودی ماشین دولتی بورژوازی و استقرار دمکراسی کارگری میباشد.

سنا بر این هرگونه ای چشم دوختن، دمکراسی کاذبانه بورژوازی، هرگونه بهره گیری از دمکراسی بورژوازی که در خدمت افتاد آن ناسخ بلکه در تاید و بیستیمانی از آن صورت گیرد، جز فریب طبقه کارگر نخواهد بود. برای هر کارگر آگاه، استفاده از دمکراسی بورژوازی هیچگاه به معنای حمایت از بورژوازی نخواهد بود و تنها رویزونیستها هستند که به دمکراسی بورژوازی نه از زاویه تاکسیکی بلکه از زاویه دفاع و حمایت از حاکمیت بورژوازی منگرسد (به این سله بعدا خواهیم پرداخت)

السنه چده بورژوازی که نسبت ناپیکمیری خود همیشه چشم به دمکراسی بورژوازی دوخته است، خیلی

کاذب بورژوازی با برجستگی بیشتری در مقابل طبقه کارگر آگاه قرار گرفته است. چنین اصلاحی زحمتکشان میهن ما اکنون نابودی بر ما به داری وابسته را، که عامل تمامی فرفولاکت توده ها است، طلب میکند. امواج جنبش کارگران و زحمتکشان که از تشدید بحران اقتصادی - اجتماعی، به جان آمده اند، هر روز بیشتر کترش یافته و حیات سرمایه داری وابسته را مورد تهدید جدی قرار میدهد. در چنین شرایطی، بورژوازی لنینال ارتجاعی از یکسو و جناح حزب از سوی دیگر میکوشند تا توده های زحمتکش را بدینال خود روان سازند و با ی انقلاب را در زنجیر منافع خود به بند بکشند. اما وظیفه کمونیستها به مناسبت این نماندگان آگاه طبقه کارگر چیست؟ افشای ماهیت ارتجاعی هر بخش از بورژوازی شناسانیدن ماهیت "دمکراتیسم" بورژوازی لنینال را کار روفرا خواندن توده های زحمتکش به راه انقلاب، دمکراتیک و ضد امپریالیستی، یعنی شناسا راهی که بی سروری کارگران و زحمتکشان را ناسخت میکند. سازمان ماد رکن با برکوهیستیم، برای تحقق این امر مقدس بتکار میکند. سازمان ما علیه عم فئار و حشیا نه حکومت بورژوازی، به بردن آگاهی در میان کارگران و زحمتکشان می برد و دو چهره دشمنان توده را در هر لباسی به آنان می نشاناند. چرا که ایمان دارد، راه پیروزی انقلاب از آگاهی کارگران زحمتکشان، میگذرد. چرا که ایمان دارد، بدون طبقه کارگر آگاه، سازمان ناسخت و متشکل، حتی از نابودی سرمایه داری نمی تواند در میان نماند.

آب طبقه کارگر از دموکراسی بورژوازی

استفاده می کند؟

مارکسیسم - لنینیسم علم انقلاب طبقه کارگر با تحلیل جامع نظام سرمایه داری، هرگونه نوه مونا در باره اصلاح و تعمیر ماشین دولتی بورژوازی به دسگاه دولت سوسیالیستی رنوده است و ناسخت. نموده که ناسختی بودی سرمایه داری بحریا نابودی ماشین دولتی آن که با تسلط سرمایه است امکان ناسخت نیست.

اما این اصل مهم و اساسی به هیچ وجه بدان معنا نیست که طبقه کارگر از امکانات بسیار محدود و جزئی دمکراسی بورژوازی استفاده نمی کند. اس استفاده چگونه و در چه راستایی است؟ کمونیستها یعنی نماندگان آگاه طبقه کارگر از دوزاویه چنین استفاده ای را مورد توجه قرار میدهند.

سریع فریب رباکاری و وعده‌های فریبکارانه لیبرال‌سیم‌بورژوازی را می‌نخورد و به امید دست یافتن به مطالبات خود در همان محاسبات مناسبات بورژوازی بدنسالی بورژوازی روان میگردد.

طبقه کارگر و دمکراتیسم ناپیکار

در بخشهای پیشین، بیان کردیم که خرده - بورژوازی دمکرات در راه انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک دوشاد طبقه کارگر است. او نیز خواهان پیروزی قطعی انقلاب دمکراتیک است. اما مسئله به همینجا خاتمه نمی پذیرد. جمهوری دمکراتیک خلق برای طبقه کارگر امکان گذار از آزادانه سوسیالیسم است.

اما دهقانان در جمهوری دمکراتیک خلق به زمین، ابزار و آزادی که تمام آرزوهای آنان را تشکیل میدهد میروند. بنا بر این "می باید تمام طبقه‌های عمیق موجود میان دهقانان و کارگران روسیه (و در اینجا ایران) این تمایز محونا شدنی در چهار چوب جامعه سرمایه داری این تمایز محونا شدنی در چهار چوب سلطه بازاری را بروشنی بازشناسیم. با بدستخاستن از منافع آنان را در حال حاضر با روشنی ساز شناسیم. با بهره‌گیری از این دو طبقه را متحد سازیم. نیروهای پیش را استحکام بخشیم. آنگاه سیاسی اش را در دهم و وظیفه مشترک هر دو را تعریف کنیم. (۱) هرگاه این تمایز اساسی در نظر گرفته نشود، هرگز نمیتوان از وضعیت موجود نیروهای طبقه‌ای در عرصه جامعه و نقش و جایگاه آنان در انقلاب، ارزیابی صحیحی به عمل آورد و در نتیجه تعیین استراتژی و تاکتیک صحیح برای دست یافتن به پیروزی انقلاب غیر ممکن میگردد.

با درک جایگاه هر یک از طبقات در انقلاب دمکراتیک و دانستن درجه دمکراتیسم آنان به خوبی مفهوم میگردد که برای برپائی جمهوری دمکراتیک خلق، میباید کلیه اقشار و طبقات خلقی و دمکرات در کنار یکدیگر بکنند. اما شرط پیروزی در این مبارزه آن است که پیگیرترین نیرو رهبری را بعهده گیرد. چرا که در غیر این صورت با افتادن رهبری بدست نیروهای متزلزل و ناپیکار، انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی به پیروزی نخواهد رسید. این حکم تاریخ است.

کسب هژمونی و رهبری پیگیرترین نیرو چگونه تحقق می پذیرد؟

با تشکیل طبقاتی مستقل پرولتاریا، بسا حمایت تنها دمکراتهای واقعا پیگیر (پرولتاریا) از دمکراتهای ناپیکار. اما حمایت پرولتاریا

(۱) - پلشویوم و منشویسم در انقلاب دمکراتیک

از دمکراتهای ناپیکار، پشتیبانی بورژوا - ما با نه نیست. از دیدگاه بورژوازی، حمایت یعنی "برسمیت شناختن طرف مقابل" و معنای واقعی آن، این است که هر دو طرف بطور "سیاست - مدارانه" یکدیگر را برسمیت شناخته و از خطاهای هم چشم‌پوشی نمایند! اما پرولتاریای انقلابی چنین عمل نمی کند. طبقه کارگر آگاه تا آنجا از خرده بورژوازی دفاع میکند که انقلابی، دمکرات و ستیزه جوست. اما آنجا که سازشکار است، پرولتاریا و او را افشا میکند. چرا که طبقه کارگر هیچگونه آرزوی "اشتی با سرمایه - داری" را در سر ندارد.

"فقط یک دلال خرده بورژوا میتواند هژمونی را بصورت یک سازش، یک برسمیت شناختن - متقابل و با بسط دادن شرایط توافق در حصر ف تصور کند. از دیدگاه پرولتاری هژمونی در نبرد با کسی است که از همه ضلالتان ترسید. که هیچ فرصتی را برای وارد آوردن ضربه به دشمن از دست ندهد. که همیشه گفته را با عمل منطبق کند و نتیجتاً رهبر یا بدلولویک نیروهای دمکرات باشد. و هر نوع دشمنی نیم بند را انتقاد نماید." (۲)

انتقاد از هرگونه دشمنی نیم بند، حمایت از هرگونه مبارزه انقلابی بر علیه ارتجاع حاکم، این است سیاست انقلابی طبقه کارگر در قبال دمکراتیسم ناپیکار خرده بورژوازی. این است تنها راه کسب هژمونی طبقه کارگر و پیروزی انقلاب دمکراتیک.

شرایط کنونی جامعه ما نیز حقیقتاً این - حکم در خفا را نشان میدهد. ما میرساند: هم - اکنون مجاهدین خلق، نمیتوان برجسته ترین نماینده دمکراتیسم خرده بورژوازی، راه سازش با بورژوازی لیبرال را در پیش گرفته اند. این انقلابیون با حمایت آشکارا و ضمنی خود از بورژوالیبرالها، در حقیقت در چشم نود و سیع زحمتکشان خاک می پاشند و توده ها را از راه انقلاب منحرف میکنند. هرگاه چنین سیاستی اتخاذ میاید، به انقلاب مدمات جدی وارد خواهد شد و منافع کارگران و زحمتکشان زیانهای سهمی خواهد دید. حال در چنین شرایطی سیاست طبقه کارگر آگاه و کمونیستها که نماینده آن میباشند، مبارزه بر سر خاسته با این سیاست بغایت انحرافی "مجاهدین خلق" و در عین حال حمایت از هرگونه مبارزه انقلابی آنان بر علیه ارتجاع حاکم، میباشند. هر نیروی کمونیست که چنین سیاستی را راه کند، به "منافع" لحظه‌ای "توافق‌های" مقطعی با این دمکراتهای انقلابی بسجود و به خاطر حفظ این "منافع"، ضررهای بسیار بیشتری را تا دیده بگیرد. تنها بتا در راه تسلیم هژمونی انقلاب دمکراتیک به بورژوازی و شکست انقلاب گام زده است.

(۲) - درباره جنبش مستقل کارگری در پیکار دمکراتیک - لنین

به این سوالات پاسخ دهید:
۱- چرا طبقه کارگر از هر "پوزسیون" حمایت نمی کند؟
۲- بر خورد طبقه کارگر به دمکراسی کسب از بورژوازی چگونه است؟
۳- طبقه کارگر با دمکراتیسم ناپیکار چه کرده - بورژوازی چگونه برخورد میکند؟ مخطمات این برخورد را شرح دهید و راه آن را با کسب رهبری پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک بحث کنید.

رویز یونیسم مدرن و دموکراسی

برخورد رویز یونیسم به دموکراسی برپایه "جدا کردن اقتصاد از سیاست" بنا شده است. بر اساس این تناخرافی است که رویز یونیستها "دموکراسی" را از زیر بنای اقتصاد آن جدا می - سازند و بر این پایه نظریات غاشبانه "اشتی طبقات" را طرح می نمایند. حول این محور است که رویز یونیستها رنگارنگ به تبلیغ نظریات انحرافی خود می پردازند و اپورتونیت - وارا ز مداحی پارلماناریسم و لیبرالیسم به مجیز گوئی سرکوبگری و عملکردهای فاشیستی روی می آورند. نا بداین سخن در وهله اول عجب و متناقض بنظر برسد اما بررسی برخورد رویز یونیستها به مقوله "دموکراسی" این مسئله را روشن می سازد.

رویز یونیستهای خروشعنی مسئله "دموکراسی": اولین تردستی که رویز یونیستها به آن دست می زنند نظریات بورژوازی خود را به جای مارکسیسم قالب نمایند، مخدوش کردن مفهوم دوران است. رویز یونیستها در مفهوم لنینی دوران دست میبرند و چنین تبلیغ می - نمایند که گویا در دوران کنونی سرمایه داری که مراحل آخر عمر خود را طی میکند، با توجه به قوت گرفتن سوسیالیسم، پرولتاریا میتواند بورژوازی را از راههای مسالمت آمیز و بسا استفاده از حربه های دیگری بورژوازی به زیر کشد و نظام سوسیالیستی را برقرار سازد.

رویز یونیستها میگویند: "طبقه کارگر با کرده آوردن دهقانان زحمتکش، روشنفکران و تمام قشرهای میهن پرست بگرد خویش و بسا وارد نمودن ضربه ای قطعی به عناصر اپورتونیت که قادر نیستند از سیاست سازش با سرمایه داران و مالکین بزرگ ارشی دست بکشند، میتوانند نیروهای ارتجاعی و ضد خلق را شکست دهند و اکثریت محکمی در پارلمان بدست آورد" و "تحصیل اکثریت در پارلمان و تغییر پارلمان به ارگان قدرت بوده ای، همواره با یک جنبش انقلابی نیرومند در کشور، به معنای شکست دستگاه نظامی و بوروکراتیک بورژوازی و بسا معنی ایجاد رژیم جدید دولت - سوده ای و پرولتاریائی است که دارای شکل پارلمانی



میباشد" (گزارش خروشچه به کنگره ۲۰)

در اینجا با چند تحریف اساسی روبرو هستیم: اولین و مهمترین تحریف رویزیونیستی در این نظریات، مسخ کردن مفهوم لنینی "دوران" است. لنین در بزرگوارده عصر امپریالیسم تا کید میکند که: "روایت سیاسی ای که این اقتصاد جدید - سرمایه داری انحصاری (امپریالیسم - سرمایه داری انحصاری است) را در بر می - گیرد، عبارت است از چرخش از دمکراسی به ارتجاع سیاسی" (و ما در این باره بهترین توضیح گفته ایم). اما رویزیونیستها با اصطلاح "دمکراسی بورژوازی" در عصر امپریالیسم را که چیزی جز روایت سیاسی اقتصاد امپریالیستی نمی توانند باشد، از پایه های اقتصادی آن جدا نموده و به عنوان "اسرار دمکراتیک" که به کار انقلاب کارگری می آید، توصیف می نمایند.

دوم آنکه رویزیونیستها خروشچه علاوه بر آرایش ماهیت دمکراسی بورژوازی، پس از فرا تر گذارده و دمکراسی کارگری را نیز منطبق با "دمکراسی پارلمانی بورژوازی" میکنند. بدینگونه رویزیونیستها اعلام میدارند که داغان کردن "ماشین دولتی بورژوازی" برای طبقه کارگر ضرورتی ندارد، بلکه پرولتاریا میتواند این ماشین را تصرف نموده و از طریق آن دمکراسی کارگری را مستقر سازد.

سوم آنکه رویزیونیستها با مطرح نمودن انقلاب مسلحانه از طریق استفاده از "دمکراسی بورژوازی" در واقع انقلاب فهرآ میز طبقه کارگر را نفی می نمایند و به این وسیله بورژوازی را از زیر ضرب انقلاب کارگری خارج نموده و چاکری نسبت به سرمایه داران را به کمال میرسانند.

رویزیونیستها خروشچه از تحریف مفهوم لنینی دوران و جدا نمودن سیاست از اقتصاد، نتایج دیگری نیز بدست می آورند و تئورهای غاشنه دیگری را نیز که عمدتاً در رابطه با انقلابات دمکراتیک و فدا امپریالیستی غلطیها تحت سلطه امپریالیسم است، مطرح میسازند. این نظریات انحرافی در بسته بندی "راه رشد غیر سرمایه داری" عرضه گشته است. این تئورهای - امپریالیستی بر پایه امکان رشد آزاد و مستقل سرمایه در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم استوار است. تمام آموزشهای لنین بهمان میدارد که رشد آزاد و مستقل سرمایه در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم، تخیلی است. ارتجاعی بیش نیست. اما رویزیونیستها به مسخ این آموزشها دست میزنند و چنین تبلیغ میکنند که در جوامع تحت سلطه امپریالیسم اقتصاد تحت رهبری بورژوازی دمکراتیکها میتواند در مسیر رشد آزاد و مستقل سرمایه گام بردارد و حتی به سوی "سوسیالیسم سمنت گیری" کند! داغنه تحریفات ارتجاعی رویزیونیستها در آموزشهای لنینی به نقش طبقات در دورانها

مختلف تاریخی نیز کشیده میشود. رویزیونیست - ها در عصر امپریالیسم، در دوران بوسیدگی سرمایه داری و به پایان رسیدن نقش انقلابی بورژوازی، به نفی رهبری طبقه کارگر در انقلابات "بورژوازمکراتیک" میپردازند و رهبری نیروهای سازشکار رونا پیگرو بورژوازی را جایگزین آن می نمایند.

لنین در مقاله "تیزیر پرچم دروغین" شیوه برخورد ما رکیستی به نقش طبقات در دورانها ی تاریخی را چنین بیان میکند:

"مانند تمام بدانی که جنبش های مختلف تاریخی در یک عصر معین تاریخی با چه سرعتی و با چه درجه ای از موفقیت یکا مثل می یابند، اما می توانیم بدانیم و میدانیم که کدام طبقه در این یا آن عصر قرار گرفته، محتوای عمده و راستای اصلی تکامل آن را مشخصات عمده و مشخصات تاریخی آن عموماً غیره را تعیین میکنند. تنها برای این پایه، یعنی در درجه اول با بحساب آوردن ویژگی های مشخصه بنیادین "عصرهای" مختلف (و البته اتفاقات منفرد در تاریخ کشورهای معین) است که میتوانیم تا حد کتیک ها بهمان زاویه درستی توسعه دهیم، تنها شناخت ویژگیهای اساسی یک عصر معین، میتوانیم بدانیم درک ویژگیهای خاص این یا آن کشور قرار گیرد." بر پایه چنین روش برخوردی است که لنینیسم با آغاز دوران امپریالیسم، با تمسح نقش مترقی بورژوازی را همراه با بوسیدگی اقتصاد آن اعلام میدارد و با تحلیل مشخص اقتصادی - اجتماعی، نشان میدهد که طبقه دوران ساز عصر امپریالیسم پرولتاریا است، تنها طبقه ای که رهبری آن بر انقلابات این دوران میتواند داشته باشد.

اما رویزیونیستها با تحریف مفهوم دوران، این حکم لنینی را نیز نفی میکنند و رهبری "بورژوازمکراتیک" را جایگزین نقش رهبری پرولتاریا می نمایند. البته با بددرا بنجاست اشاره نمائیم که رویزیونیستها برای بهم بافتن این نظریات ارتجاعی از تعاریف وارونه و بی پایه ای چون "اردوگاه سوسیالیسم به مثابه طبقه کارگرها" استفاده میکنند و در حقیقت با یک چشم بندی غاشنه، جای طبقه کارگر هر کشور را با سوسیال امپریالیسم شوروی معاوضه می نمایند. با این ترتیب تئورهای "راه رشد غیر سرمایه داری" پوششی برای تالیفات انقیاد طلبانه امپریالیسم شوروی میگردد.

در نظریه "راه رشد غیر سرمایه داری"، لزوم تأمین رهبری طبقه کارگر و برقراری "دمکراسی نوین" یعنی "جمهوری دمکراتیک خلق" که گامی است در راه رسیدن به سوسیالیسم، نفی میشود و چنین وانمود میگردد که گویا دستاویزی - "دمکراسی اقتصادی" یعنی "همگانی شدن"، "برابری" و "عمومی شدن ثروت و مالکیت و برقراری سوسیالیسم در جوامع تحت سلطه

امپریالیسم بدون وجود و برقراری "دمکراسی خلقی" رهبری طبقه کارگر، امکان پذیر میباشد. نقطه اتکا رویزیونیستها در این نظریات انحرافی، رشد آزاد و مستقل نیروهای مولده در تحت رهبری نیروهای "دمکرات" است. از نقطه نظر ما رکیسم در اینجا، این پرسش مطرح میگردد که: رشد نیروهای مولده تحت رهبری و هدایت چه سیاستی صورت میگیرد؟ رهبری کدام طبقه میتواند در عصر امپریالیسم این رشد را جدا از سلطه امپریالیسم تأمین نماید؟ تمامی بحثهای پیشین پاسخ این پرسش را به ما موخت، تحقق رشد مستقل نیروهای مولده و مستگیری بسوی سوسیالیسم، جز با نابودی سرمایه داری وابسته امکان ندارد و رهبری چنین سیاستی را تنها پیگیرترین نیروی فدر سرمایه داری، یعنی طبقه کارگر میتواند بدهد.

اما رویزیونیستها که ذات سیاست شان تحریف ما رکیسم لنینیسم بدان صورت است که برای بورژوازی پذیرفتنی باشد، این امکان را در تحت رهبری نیروهای "بورژوا - دمکرات" نیز مطرح میسازند و تبلیغ میکنند تا راه را برای بقای سلطه بورژوازی هموار سازند.

جدا کردن مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی:

رویزیونیستها با پیروی از تئور انحرافی "جدا شدن اقتصاد از سیاست" و تکیه بر اصطلاح "رشد نیروهای مولده"، مبارزه برای نابودی مناسبات سرمایه داری وابسته و سلطه امپریالیسم را از مبارزه برای دمکراسی جدا میسازند. رویزیونیستها برای واقعیت پرده می اندازند که راه استقرار "دمکراسی اقتصادی" از طریق برقراری "دمکراسی سیاسی واقعی" میگردد. رشد مستقل نیروهای مولده و مستگیری به سوی سوسیالیسم تنها آن زمان میسر خواهد شد که رهبری سیاست طبقه ای که خواهان چنین مناسباتی میباشد بتواند پیاده نمودن آن را دارد. اما اقتصادا عمال گرد، ابتدا کارگران و زحمتکشان میباشد طبقه ای که در ارتجاعی را سرنگون سازند، ماشین دولت سرمایه داری وابسته را داغان کنند، دمکراسی شورائی خلقی را برپا دارند و آنگاه اقتصاد مستقل و قطع دست امپریالیسم میتواند صورت واقعیت بخود بگیرد. این

است تنها مسیر ممکن. اما راه رویزیونیسم، راه خدمت به بورژوازی است و رویزیونیستها در این مسیر آنگونه پیش میسازند که به دستاویزی "مبارزه ضد امپریالیستی" دولت انقلابی "که با اصطلاح تحت رهبری "خرده بورژوازی دمکرات" حرکت میکند، جواسرکوب انقلاب بوده اما در میکنند و مداح حرکات فاشیستی حاکمیت می - شوند. این سیاست غاشنه نهای است که رویزیونیسم در تئورهای اینگونه جوامع (مصر، عراق، سوریه و...) به پیش برده اند و هم اکنون رویزیونیستهای وطنی (حزب توده و اکثریتی ها)

مشغول بپا کردن آن میباشند: تبلیغ سازش طبقاتی، کشتن نیدن جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان به مسلح سرمایه داری.

”دمکراسی عام“ تهی کردن محتوای طبقاتی دمکراسی:

رویزونیستها سعی میکنند چهره دمکراسی بورژوازی را که در تجربه طبقه کارگر برملا شده، بیپوشا ننند و آنرا آرایش کنند. آنان طبقاتی بودن دمکراسی را میپوشا ننند و ادعا میکنند که میتوان ”دمکراسی خالص“ یا ”دمکراسی عام“ وجود داشته باشد.

لنین در این باره میگوید: ”اگر فکرسلب و تاراج را مورد تصحیح قرار ندهیم، آنگاه روشن است که تا زمانیکه طبقات گوناگون وجود دارند، نمی توان از ”دمکراسی خالص“ سخن به میان آورد. بلکه فقط میتوان از دمکراسی طبقاتی سخن گفت. (انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرتد - لنین)

آری به گفته این رهبر کبیر طبقه کارگر، برای هر ما رکیست مسئله میتوان اند فقط به این شکل مطرح شود که دمکراسی برای چه طبقه ای؟ اما رویزونیستها که هدفی به جز کسری بورژوازی ندارند مضمون طبقاتی دمکراسی بورژوازی را آرایش میدهند و روی آن سایه میافکنند. آنان که پیش از هر چیز از اعمال قهر انقلابی کارگران و زحمتکشان بر علیه بورژوازی وحشت دارند، ادعا میکنند که ما همیشه طرفدار دمکراسی هستیم. اما نمی گویند که دمکراسی و دمکراسی برای چه طبقه ای؟ ما قبلا دیدیم که رویزونیستها (از جمله خروشف) چگونه با پوشتن ما هیت سرکوبگرانه، دمکراسی بورژوازی، کارگران و زحمتکشان را دعوت می کنند که بجای یگای بردن زور و قهر انقلابی، از طریق شرکت در پارلمان قدرت را بدست گیرند. نمونه دیگر جنبش ربا کاری رذیلانه ای را میتوان در تز ”دمکراسی تمام خلقی“ خروشف دید. در رودسته رویزونیستی خروشف هنگامی که بر حزب و دولت شوروی سلطه پیدا کردند برای اینکه اندیشه دیکتا توری پرولتاریا را از ذهن طبقه کارگر خارج کنند و حاکمیت بورژوازی جدید شوروی را بر حزب و دولت آن بیپوشا ننند، مدعی شدند که چون به اصلاح تضاد طبقاتی وجود ندارد ضرورتی به دمکراسی کارگری نیست و دمکراسی تمام خلق جایگزین آن میگردد. در صورتیکه دمکراسی کارگری عالی ترین و دمکراتیک ترین نوع دمکراسی برای کارگران و زحمتکشان است و تا زه به خلاف ادعای آنان با از بین رفتن طبقات و گذار به جامعه کمونیستی دولت و دمکراسی زوال میابد و ضرورت خویش

را از دست میدهد، اما ادعای رویزونیستهای خروشفی نه با طر محو شدن تضاد طبقاتی - امری که فقط در کمونیسم امکان پذیر است - بلکه برای پوشتن و بزرگ کردن سلطه بورژوازی شوروی و از بین رفتن دمکراسی کارگری بسیار دیکتا توری پرولتاریا میباشد.

رویزونیستهای خائن سه جهانی و دمکراسی:

رویزونیستهای ورشکسته سه جهانی بسیار عمده کردن خطر سوسیال امپریالیسم شوروی، به تبلیغ اتحاد با امپریالیستهای ”جهان دوم“ و امپریالیسم آمریکا می پردازند. سیاستی که از این لجنزار تغذیه میکند، بدان جا میرسد که این رویزونیستها به حمایت از بورژوازی خودی، به دفاع از لیبیرالیسم میان بوسیده بورژوازی بر میخیزند و این لیبیرالیسم را ”دمکراسی تبسم انقلابی“ قلمداد میکنند. دفاع حزب ورشکسته رنجبران از بازرگانان و هابن مدرها، انکسار چنین سیاست ارتجاعی است. رویزونیستهای سه جهانی با حرکت از چنین دیدگاهی، خواهان برقراری ”دمکراسی بورژوازی“ برهبری بورژوازی لیبیرالها میباشند. دولتی که بتوا ندد بر پیوستگی با امپریالیسم آمریکا، خطر سوسیال امپریالیسم شوروی را دفع کند! این است ما هیست اهداف خائنان رویزونیست های سه جهانی که در قالب شعارهای ”عداستبدادی“ و ”دمکرات ما با نه“ عرضه میگردد. این است مضمون مطالبات ”دمکراتیک“ این رویزونیستهای مرتد.

آنچه که همچون خط مستقیمی در این نظریات انحرافی نمودار است، جدا نمودن مبارزه برای دمکراسی از مبارزه ضد امپریالیسمی میباشد. خط منی ای که انقلاب دمکراتیک را تا حد خواستها و منافع ارتجاعی بورژوازی لیبیرال تقلیل میدهد، خط منی ای که منطبق بر ذات سیاست رویزونیسم است: تقلیل انقلاب تا حد خواستهای بورژوازی.

نتیجه گیری می کنیم:

- ۱- رویزونیسم مدرن ”دمکراسی“ را از پایه های اقتصادی آن جدا میسازد.
- ۲- رویزونیسم مدرن مبارزه برای دمکراسی را از مبارزه ضد امپریالیستی و از مبارزه ضد سرمایه داری جدا میکند.
- ۳- در نتیجه رویزونیسم مدرن به تطهیر ”دمکراسی بورژوازی“ و مداحی سرکوبگری بورژوازی میپردازد.
- ۴- رویزونیستها برای پوشتن ما هیت واقعی دمکراسی بورژوازی، محتوای طبقاتی دمکراسی را مخفی میدارند و از ”دمکراسی عام“ و ”دمکراسی خالص“ دم میزنند.

به این سؤالات پاسخ دهید:

۱- چرا رویزونیستهای مدرن خروشفی سه

تحریف مفهوم لنینی دوران دست میزنند؟ ارتباط این تحریفات را با برخورد رویزونیستی به دمکراسی بحث نمائید.
۲- چگونه رویزونیستها مبارزه ضد امپریالیستی را از مبارزه برای دمکراسی جدا میکنند؟ چرا این سیاست را در پیش میگیرند؟
۳- محتعات اساسی برخورد رویزونیستهای مدرن به مقوله دمکراسی چیست؟
۴- وجه مشترک میان سیاست و برخورد رویزونیستهای مدرن خروشفی و سه جهانی در برخورد به مسئله ”دمکراسی“ چیست؟ چگونه و چگونه؟

منابع مطالعه:

- برای مطالعه عمیق تر در زمینه ”دمکراسی“ و دمکراسی تبسم طبقات مختلف میتوان دید به منابع زیر بر ما جعه نمائید:
- ۱- ”انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرتد“ بخش های ۲۰، ۲۱ شامل مباحث: چگونه کائوتسکی ما رکن را به یک لیبرال متعادل تبدیل کرده است، ”دمکراسی بورژوازی و دمکراسی پرولتری“ و ”آیا بین استخفا رکننده و استخفا رکننده می توان اندیبا بری وجود داشته باشد؟“
- ۲- ”دولت و انقلاب“: فصل اول - فصل سوم - فصل چهار (مباحث ۶۵ تا ۶۶): پیش گفتار سال ۱۸۹۱ برای کتاب ”جنگ داخلی“ ما رکن و گفتار انگلس در باره فاشیسم آلمانی، فصل پنجم (مباحث ۲۰۱ تا ۲۰۲) طرح مسئله توسط ما رکن و گذار از سرمایه داری به کمونیسم.
- ۳- ”چهار مقاله در باره پرولتاریا، بورژوازی و انقلاب دمکراتیک“ - لنین از انتشارات سلطان زاده - شماره ۱ مقاله پرولتاریا و دهقانان
- ۴- ”بلشویسم و منشویسم در انقلاب دمکراتیک“ لنین مقاله (ترودویک ها و دمکراسی کارگری) (با پا ن)

تصحیح و پوزش:

در هیکا شماره ۱۰۴ صفحه ۹ خبری تحت عنوان ”رزمی یکی از انقلابیون کرد را در بندر عباس اعدام کرد“ در شتم که از ”هیکا رخلیج“ نشریه هواداران ما زمان در بندر عباس نقل شده بود که در شماره ۲ این نشریه، انتساب فرد اعدام شده به کومله و انقلابی بودن وی تکذیب شده بود بدینوسیله ضمن پوزش از خوانندگان هیکا ر با ردیگر از رفقای نشریه ”هیکا رخلیج“ و ما پسر هواداران ما مودا میخواستیم که در انتشار بو با ارسال اخباری از این دست برای درج در هیکار دقت و تحقیق کافی مبذول دارند.

در هیکا ۱۰۴، ما می کارگران بیکار رشید در پوزش با ساداران به تصحیح کارگران بیکار در سال ۵۸ به اشتباه آمده است. دو کارگر ذکر شده به حبس های طولانی مدت محکوم شده اند که به اشتباه ما می آنها را به عنوان اعدا می آورده ایم

نامه خانواده های زندانیان انقلابی در مورد :

یورش وحشیانه پاسداران به زنان انقلابی زندانی

هم میهنان مبارز!

روزه شنبه ۱۷ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۰ طبق معمول به ملاقات فرزندان دربندمان رفتیم. از مسئولین زندان اوین ملاقات خواستیم که با مخالفت آنها روبرو شدیم. بعد از اینکه این دروآن در زدیم، بالاخره موفق شدیم یکی از مادران را برای ملاقات فرزندش بداخل زندان بفرستیم. بعد از اینکه ملاقات کرد و بیرون آمد، بما گفت که هفته پیش (روز ۲۳ اردیبهشت) مسئولین زندان اسامی چهار زن از فرزندان ما را از لیست میخواندند که این افراد هر چه زود تر به دفتر زندان بروند. ما فرزندان ما که از نقشه پلید آنها آگاه شده بودیم از رفتن خودداری میکنیم و به همین دلیل رئیس گروه ضربت با خشم وارد بند عمومی زندان میشود و خطاب به فرزندان ما میگوید: "با این چهار نفر با بدبیا بندیا اینکه به گریه تان خواهیم انداخت". بچه ها همگی با هم بلند میشوند و اجازه نمیدهند که ۴ نفر را پاسداران با خود ببرند. پاسداران که از این اعتراض ناراحت

شده بودند، میروند و ۴ نفر از مزدوران خود را به بند عمومی زندان می آورند و به جان فرزندان ما می افتند و حواسی آنها را میزنند. بطوریکه دو نفر متشنج میشوند، بکنفریه خونریزی میافتند و بقیه تمام بدنشان کبود میشود. و پاسداران هم ۴ نفر را به زور با خود میبرند که تا کنون از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست.

هموطنان مبارز! امروز فرزندان ما تحت سخت ترین شرایط بسر می برند. شکنجه هنوز ادامه دارد. فرزندان ما که جز حقیقت چیزی نمی گویند هر روز و هر لحظه مورد ضرب و شتم مسئولین زندان هستند. ما از تمامی هموطنان میا ر میخوانیم که نسبت به این خبر عکس العمل نشان بدهند و از زمام فرزندان دربندمان که در زندانهای رژیم مغرب پهلوی را شکسته ایم حمایت کنند.

با تشکر فراوان: عده ای از خانواده های زندانیان سیاسی

رونوشت به روزنامه های مجاهد، کار، پیکار

ملاحظات کوتاه

توبدم، بمیر و بدم!

میدانیم که این رژیم بر اساس ماهیت سرمایه دارانه اش، راهی جز رفتن به سوی وابستگی هر چه بیشتر به امپریالیسم ندارد، اما از "بخت بد" این سرنوشت ناگزیر، در جا معاً انقلابی ماجدان بی دردم نیست و باید بارنگ و لعاب و شعارهای فدا مهربا لیستی و "فحش و بدویبراه" به شرق و غرب و غمزه و مهمتراز همه سرکوب کمونیستها و انقلابیون آنرا بوشاند. این حقیقت را کمونیستها و انقلابیون از همان فردای قیام بهمین گفتند و قریباً دگر دند و حالا روز بروز در جریان عمل این حقیقت بر توده ها روشن تر میشود.

در حالیکه رژیم اینقدر "گدو خاک فدا مهربا لیستی" راه میاندازد اقتصاد کشور را بر خلاف آنچه که توده های انقلاب کننده انتظار داشتند، روز بروز بیشتر بدامن وابستگی به امپریالیسم در می غلطاند.

از قضا بای خریدار سلخه و گندم و خیلی چیزهای دیگر که بگذریم و با زاموضوع ۱۱ میلیارد دلار بولهای ایران که به بانکهای خارجی تقدیم شد صرف نظر کنیم این قضیه ۱ میلیارد دلار استرلیگ برای مونتاژ تومبیل پیکان که معادل ۱۷ میلیارد تومان - ۱۷۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان!

میشود بدجوری مخ رژیم را با زکرده است.

اول آقای بهشتی جاسوسان انگلیسی را که اینقدر سرور صدای آنها شده بود ازاد کرد. البته این قضیه از اول، مثل جاهاج میرزا آقایی اگر آبی برای مردم نداشت برای حزب جمهوری خیلی نان سیاسی داشت ولی بهر حال بهشتی و شرکا آنها را "ول" کردند تا بتوانند قرار دادی با انگلیس ها ببندند که اگر ناهم زنده بود پیش این آقایان "یاوالله" میاورد و "لنگ میانداخت" در حیص و بیصی بستن همین قرار داد با انگلیسها سفیر انگلیس باها شمی رفتنجانیه ملاقاتی داشت. هاشمی، "برای خالی نبودن عریضه" کله کرده بود که موضع شما در جریان گروگانهای آمریکایی خوب نبود ولی سفیر اروپا و سفیر انگلیس با نگاهیه که "بنظر کردن عاقل اندر رفیه" شها ت داشته میگوید: "آنها گذشته است. فکر آینده با شید" (عین خبر تلویزیون) بدین ترتیب است که میربا لیستها در حالیکه دست رژیم به سویان دراز است و کوشان فحش می شنود به زبان حال، همان چیزی را به سرمایه داران ایرانی حاکم میکنند که استاد آهنگری به شاکرد "بقوتی خودش میگفت: میگویند شاکرد آهنگری در کوره مید میدوی "غرولند" میکرد و نصیحت آهنکریه جانی نمیرسد تا کرد گفت اگر میخواهی در کوره بدم ما بدم غرولند مرا کوش کنی" و "وستا" که منافع خود را میخواست گفت "توبدم بمیر و بدم!"



مردم زحمتکش ما جاسوس نیستند!

کارگران، زحمتکشان و هم میهنان انقلابی

او جگیری فزاینده مبارزات توده ها که در گوشه و کنار زمین ما بصورت های مختلف از راه - بیمائیه ها، بحث های افشاگرانه خیابانی، تحصن ها... تا نظهرات و اعتراضات کارگری و... بروزی میاید، رژیم جمهوری اسلامی را آنچنان بوحشت انداخته که در کنار سرکوب و زندان و شکنجه و اعدام کمونیست ها و دیگر انقلابیون، به انواع توطئه ها و دسیسه های دیگر نیز دست میزنند تا بحال خود با امواج خروشان مبارزات توده ها مقابل نه نماید. در اجرای همین سیاست ضد مردمی، اخیراً اطلاعیه ای از سوی "دادگاه تخلفات جراثم زمان جنگ" انتشار یافته که در آن سردمداران رژیم بخاطر توانی و درماندگی خود در برابر طوفان خشم توده ها، کوش کرده اند با فریب مردم زحمتکش آنها را به جاسوسی علیه کمونیست ها و انقلابیون وادارند، در این اطلاعیه آمده است:

۱- از اهالی مومن محلات تهران خواستاریم ضمن شناسائی چهره های که در گوشه و کنار شهر خود را برای مبارزه مسلحانه با جمهوری اسلامی آماده میکنند. مراتب را در اسرع وقت به این دادگاه اطلاع دهند.

۲- به کلیه رانندگان خودروهای عمومی بویژه رانندگان تاکسی اخطار میشود که در صورت مشاهده حرکات ضد انقلابی از قبیل

تا بعه بر اکتی و اها نت به مسئولین مملکت و تضعیف نظام جمهوری اسلامی علاوه بر جرائم سنگین، کارنا مه ها بشان لغو و نام آنها از جدول اسامی رانندگان متعهد تهران خارج خواهد شد"

(اطلاعات - ۱۷ اردیبهشت)

هم میهنان زحمتکش!

رژیم جمهوری اسلامی که در اثر مبارزات گسترده و بحق توده های زحمتکش و انقلابی ادا مه خاکمیت ارتجاعی و استعمارچیان و لگرنه زحمتکشان را در خطر میبیند با صدور چنین اطلاعیه ها و وضع "قوانین" سرکوبگرانه که "قوانین" سپاه زمان رژیم منحوس پهلوی را در یادها زنده میکند، مذبحخانه تلاش میکند با تهدید و ارعاب شما را به جاسوسی علیه بیک های انقلاب و در واقع فرزندان کمونیست و انقلابی خود تا ن که در راه آزادی و استقلال و بیخاطرهای زحمتکشان از زیرستم سرمایه داری و امپریا - لیسم به مبارزه برخاسته اند وادار کرده و شما را به خیرچین های سی اجرو مواجب جهت حفظ نظام پوسیده کنونی تبدیل سازد.

با پشتیبانی از نیروهای انقلابی و کمونیست و معرفی چهره های جاسوس و مزدوران رژیم توطئه های جمهوری اسلامی را علیه انقلاب رهائی بخش توده های زحمتکش خشن ساخته و به پاینده شدن بذر آگاهی و انقلاب در دل توده های زحمتکش یاری رسانید!



"حزب توده": درخت را همی بیند، جنگل را نمی بیند!

روزنامه "گوموند" از نظر مخالفین حزب توده کی معتبر میشود؟! *

هرکسی پوشیده نیست که سلاخه‌های کهرزیم ارتجاعی مدام حسین در جنگ ارتجاعی کنونی بکار میبرد، عمدتاً ساخته شوروی است که در گذشته برطبق قرارداد های دفاعی فیما بین عراق و شوروی وظایف نظامی میگه از نظر سوسیالیست امپریالیستی روس، دولت مرتجع عراق یک "دولت فدا مهربا نیستی" بود، (و بدین آیه ها هنوز هم هست) با آن کشور فروخته شده است، ولیبی خائنین حزب توده برای حق بجانب جلوه دادن دولت شوروی و انجام "ما موریت" خود به مثابه کارگزاران صدیق سوسیالیست امپریالیست روس، به توجیه معاملات سوداگرایانه تسلیمات روسها و رژیمهای ارتجاعی همچون عراق پرداخته و بویژه برای نزدیک تر ساختن خود به سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و تبلیغ برای آریا بان خود، از آن جنگ تاکنون، فروش سلاح از شوروی به عراق را تکذیب کرده است.

حزب توده که چند ماه پیش ما را بطرف استفاده از خبر مندرج در روزنامه "گوموند" (سنگل از سنگلوی کمپانی هواپیما سازی داسو) در مورد کمکهای تجهیزاتی دولت فرانسه به دولت جمهوری اسلامی ایران مورد حمله قرار میداد که گویا درآمد دروغ با مصالح "امپریالیسم خیری" افتاده و از "موضع آنها" رژیم جمهوری اسلامی را مورد حمله قرار داده ایم. اینک که منافع شوروی مطرح است باید شکر که لوموند هم از حمله موسساتی است که در "امپریالیسم خیری" مورد نظر خائنین توده ای می کنند و در شماره ۵۱۰ - "نامه مردم" (۶۰/۲/۲۲) می نویسند: "روزنامه لوموند، چاب پاریس، سنگل از مدام حسین می نویسند:

"عراق در جنگ با ایران بغلت تحریک اقتصادی شوروی، در مضیقه تجهیزاتی قرار گرفته است و به همین دلیل با مناسبتی - کبری دولتهاي ثالث از مقرر درخواست کمک تسلیماتی نموده است." (اطلاعات ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۰)

(با کذا زمان است)

در مورد صحت و سقم این خبر، ما اطلاع درستی نداریم، اما بغرض صحت و درستی آن، عدم فروش

اسلحه شوروی به رژیم عراق در زمان جنگ - گفت می توان دیدیم با ملاحظات سیاسی و از جمله نزدیکی با رژیم مرتجع ایران صورت گرفته باشد، دلیل دشمنی روسها با رژیم ارتجاعی عراق نیست چرا که در همان اطلاعات روز ۲۰ اردیبهشت و در صفحه اول آن خبری چاپ شده است که صدها لینه جنمان توده ای ها قادر به دیدن آن نبودند!



روزنامه اطلاعات، منع خبر را "منابع رسمی شوروی و سنگل از خبرگزاری فرانسه اعلام کرده است."

آری! خائنین روسیونیست حزب توده برای دفاع از منافع سوسیالیست امپریالیستی شوروی و منافع نوکران صدیق بورژوازی آن قسمت از "حقیقت" را که در خدمت اهداف خائنانده است، می بیند و لی خبریه این اهمیت را که حاکی از احمای قرارداد مهم نفتی بین سوسیالیست امپریالیست های روس بخاطر جیب اول منافع ملی زحمتکاران عراق با رژیم ارتجاعی مدام حسین بنا به منافع طبقه ای وادامه حکومت ارتجاعی- این مینماید، آگاهانه و عمدتاً نادیده میگیرند.

آری! برای روسیونیستها آنچه که تعیین کننده است حرکت از سوسیالیستی روزجهت با سخ- کونی به اهداف خائنانده است در خدمت سوسیالیستی شوروی میباید همین جهت این خائنین سادگی می توانند جنگل را نادیده بگیرند و ما درخت را ببینند!

< ملاحظات کوتاه >

کمونیسم: "عزرائیل" سرمایه داران

اینکه سرمایه داران را بنده را از کمونیسم میبندند، هیچ سی جهت نیست، آری ما به طبقه ای - تا آن خلی نژاد است و مندانند همین کارگران که به اجازت هر زندگی را بجان میخرند و برای سرمایه داران شه و عمل بنا می آورند، اکبر زیر پرچم کمونیسم در آینه تنه آنها دیگرش نبود استعمار تا آن نمیدهند بلکه تند تند کور ستابای وسیع برای سرمایه داران فراهم میآورند. کینه گداسی مثل بازارگان و معین فروشی مدر و همپا لگی جمای خریستان نیست بد کمونیستهای فیکا از هم جناس.

اینروزها دعوی در حلقه در گرفت. معین - فرستاده گرد که چرا در تلویزیون نیلسی را جع به مناره دهقانان علیه اربابان را میدهد. ایشان داده شده و در آن بوی صفا طبقه ای، وانگسار کمونیستی میاید؟! این انتقاد برای حزبینا نلع آمده که چرا به آئین شتم طرفداری از بازارزه زحمتکاران رده شده است. حزبینا معین درواکه تنگ با شانس کرده و حرمت همگامها با سن را نگاه ندانند بود و اکمی او میکاشی و غیره خواهند ملاحظه نویس که رای دعوی، حرمات خود دزدی سرمایه داران زحمتکاران چیزی نمی بینند از یک طرف به معین فر "حق" میداد که بگوید: "این فقط با منایده فیلمها با شتم مدای کذا برای طرفداری از طبقه محروم ولی شتم آن ترویج فلسفه صفا طبقه ای ما رنگیده و یک شورش است یا رنگستی در افکار مردم ملتان بوده است هنداری به مسئولین داده ام " و از طرف دیگر به حزبینا "حق" میداد که اربابان اداره را در سوسیالیست لوسوزین بگوید: "ما سفاکها، سوشالیستی، و رنگسته (۱) ما رنگسیم جگر برای جامعه را پلای ما خطری نموده و نخواهد بود". آخر شورش سینه سرمایه داران و دنیا بد اینجا پس در برابر سینه سفاک ادنی لوزی رهائی مییستند که زکرا جریکس - العمل نشان دهد و وحی کند که باید با دلس کینند. ملاحظه نویس سن: اطلاع از این دعوی: (انقلاب اسلامی ۲۲ اردیبهشت) به سفاکها حق را خا طرش زفید و آن! شنگه کینرست هر دو در لمر ف "سرحب دستور نام، ا حیلان با اکتا رکتا و سد" ولا قبل از شخص آنای میبندد. سمسار در دریا حسن زندانهای معین همان کار می کند در دو سوسول سفاک و ز صنی ساواک انجام میداده (سراکت سکاگیز روز ۲۲/۲/۶۰) استفاده کنند امگره امنستاده است سکاگیز و سفاکها حجات امام، ۲۰۰ سلسون به ما بود، حال غور ای ما حسن زندانی جدیداً حتماً یاد کند

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنید

درباره روشنفکران و جنبش کمونیستی

رفیق خسرو از ما شهرتی نامه ای به نقد مقاله روشنفکران و جنبش کمونیستی برداخته است و گفته است "اگرچه مقاله از محتوای بسیار انقلابی برخوردار است، اما انحراف کوچکی دارد و این انحراف عبارت از آن است که گفته شده پرولتاریا "نمی تواند بخودی خود و بدون مساعدت روشنفکران بورژوا و خرده بورژوا که موضع طبقاتی خود را بنفع موضع او ترک گفتند" به این اقدام تاریخی (انقلاب اجتماعی) موفق شود" (پیکار ۱۰۲). رفیق در توضیح علت انحرافی بودن این نظریه توضیحاتی بسیار مبهم و نامفهوم داده است. ما تریالیسم تاریخی و فلسفی ابراز داشته ایم که پرولتاریا بدون برخورداری از عنصر آگاه نیز می تواند به خودی خود به سوی لیسم برسد و در اثبات نظریه میگوید که سرمایه داری بدون وجود ایدئولوژی منسجم و روشنفکران انقلابی بورژوازی نیز به خودی خود بر فئودالیسم غلبه نمود، پرولتاریا نیز بطور غریزی به سوی لیسم عمل خواهد کرد، ولو آنکه شعوری سویالیستی نداشته باشد.

رفیق! پرولتاریا هرگز بدون مجهز بودن به ایدئولوژی سویالیستی نمیتواند به سوی لیسم برسد و بقول لنین نهفت پرولتاریائی بدون وجود شعوری سویالیستی حداکثر یک نهفت تربیدونیستی بورژوازی خواهد بود. مقایسه ای که بین انقلاب بورژوازی و سویالیستی نموده ای نیز نادرست است و اتفاقاً در همین مسئله با یکدیگر اختلاف دارند. یعنی اگر چه در یک جامعه فئودالی روابط سرمایه داری ازدل رشد بخودی خود و بدون وجود آگاهی و ایدئولوژی بورژوازی نیز می تواند در شدنما بدو حتی غلبه یابد (نظیر انگلستان) و گرفتن قدرت سیاسی توسط بورژوازی ضرورتاً شرط لازم استقرار مناسبات سرمایه داری نیست. اما بخودی خود و ازدل مناسبات سرمایه داری هرگز سویالیسم بوجود نخواهد آمد. لازمه استقرار مناسبات سویالیستی کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا است و پرولتاریا بدون وجود آگاهی سویالیستی هرگز نخواهد توانست انقلاب اجتماعی بسراه انداخته و قدرت سیاسی را تصرف نماید و پرولتاریا نیز به خودی خود هرگز به آگاهی سویالیستی دست نخواهد یافت. نظریه ای که رفیق تو از آن دفاع نموده ای یک نظریه سکون اکتونومیستی است. برای اطلاع بیشتر می توانی به کتاب "چه باید کرد" لنین مراجعه کنی.

پیروزبا شی!

درباره گزارشات توده ای

عده ای از رفقا پرسیده اند که چرا در "پیکار" از گزارشات توده ای فی المثل وضع کوره پز -



خانه ها، نمونه های خوب فعالیت تبلیغی رفقا... اثری نیست.

دربا سخ به رفقا با دیدگوشم "ریترناژ" گزارش توده ای و گزارش فعالیت توده ای جزء مهمی از مطالب یک نشریه تبلیغی - سیاسی است و آنرا زنده میکند. متأسفانه از یک طرف بدلیل عدم هدایت از بالا و عدم برخورد فعال رفقا از پایین تاکنون چنین مطالبی تهیه نشده و در دسترس تحریریه قرار نگرفته است و همین رو جای این مقعد در نشریه خالی است. بنا بر این از کلیه رفقا می خواهم تا با یک برخورد فعال و پیگیرانه، از وضع زندگی کارگران و زحمتکشان و فعالیت خودشان در کارخانه و مینا طبق توده ای گزارشات و حتی مباحثه ها تهیه نموده و مرتباً برای ما ارسال دارند.

نامه ای از یک مادر هوادار به رفیق مادر محمود صمدی

شهادت فرزند پیکارگرمان را به کارگران جهان و مادران هم زمی چون تو تبریک میگویم. خواهر گرامی من مادر سپیکاری هستم اگر چه از نزدیک شما را نمی شناسم ولی محمود را فرزند خود میدانم خواهر گرامی وظیفه ما مادران که یک عمر در فقر و بدبختی زندگی کرده ایم این است که فرزندان کمونیستی چون محمودها را برای مبارزه با فقر و بدبختی پرورش دهیم و آنان را تقدیم جنبش کارگری ایران و جهان کنیم خودمان دوش بدوش آنها مبارزه را ادامه دهیم. تا بتوانیم جامعه ای بدون طبقه برقرار کنیم.

مادر توده ای کمونیستی ز - ۴۹ ساله

هدیه ای از زندان شهرپانی رشت

تا بلوی فمیعه توسط یک رفیق هوادار در زندان تهیه شده و به ما زمان تقدیم گردید با رجه از رویان سرو آرم و نوشته از زوروق سگار تهیه شده است که در مجموع نشانه شور و عشق رفقا به ما زمان و آرمان پرولتاریا میباشد.

ضمن تشکر از هدیه ارزشمند رفیق دستش را به گرمی میفشاریم و با درودهای گرم رفیقانه به پیروزی رفیق و کلیه کمونیستهای دربند در امر مبارزه در زندان آرزو مندیم.



● ۲۰ م. ۴۰۰ از شیراز

این رفیق نامه ای ارسال کرده است و در آن به برخی مسائل شخصی خود اشاره نموده و از سازمان در این باره رهنمود خواسته است. در پاسخ به این رفیق با دیدگوشم که اینگونه مسائل را باید با ارگان تشکیلاتی که در رابطه با آن قرار دارد در میان بگذاری و از آن کاتال پاسخ مسئولیت زاداریاقت کنی. اما نکته مهمی که در این نامه و بسیاری از نامه های مشابه آن به چشم میخورد، اینست که بسیاری از مطالب آنها شخصی بوده و نه مسائل کل جنبش و نه مسئله محوری و عمده است و عمدتاً در چارچوب ضروریات و حواش شخصی و خانوادگی است. طبیعتاً برخورد به مسائل شخصی و خانوادگی رفقا ضروری است و جزئی از تربیت کمونیستی رفقا به حساب میآید، اما مسئله اصلی درک این مسئله است که واضحاً پاسخ به نامه ها، در خدمت پاسخگویی به طلیترین سوالات، ابهامات و انتقادات سیاسی - ایدئولوژیک قرار دارد نه آنکه پاسخگویی مسائل شخصی این یا آن رفیق و یا دوست باشد. تا اینجا مسائل شخصی رفقا اصولاً باید در رابطه با ارگانهای مربوط به خودشان حل گردد و نه توسط هیئت تحریریه و ستون پاسخ به نامه ها.

از اینرو از کلیه رفقا، هواداران که برای ما نامه مینویسند، خواهشمندیم که نامه های که جنبه عام داشته و حاوی مسئله مهمی باشد، برای ما بفرستند و مسائل شخصی و خانوادگی و امثالهم را از کاتال تشکیلات ناحیه مربوطه حل و فصل نمایند.

پیروزبا شی!

● رفیق دیبلمه سپیکار، با آغا جاری

این رفیق نامه ای برایمان ارسال کرده است که در آن پیشنهادهای را در مورد نحوه فعالیت رفقای خارج از کشور و ضرورت برپایی مستمر حرکتیهای شعری نظیر اعماب، تحمن، نظا هراتو تبلیغات بقیه در صفحه ۲۵

میتران و ماسک سوسیالیستی اش

درفرانسه "فرانسوا میتران" رهبر حزب سوسیالیست در انتخابات پیروزگردید. آنچه در این انتخابات به ری اوشناقت بحسرا ن اقتصاد و وجود یک میلیون وهفتمدهزار بیکار از بیکووتغییرشنا سب برای دهندگان در آخربین روزهای انتخابات فرانسه بود. به این معنا که "ژاک شیراک" رهبر گلیستها در دور اول انتخابات در مقابل "دستن" صف آرا شی کردولی در دوم برخلاف انتخابات ۱۹۷۴ به ائتلاف با "ژیمکار" دست نزد و فقط با ناخیر زیاد چنین مطرح کرد: "من خودم به (ژیمکار) رای میدهم ولی گمانیکه به من در دور اول رای داده اند در این مورد میتوانا ندیده و جدا نشان مراجعه کنند." این موضعگیری نتیجه ای جز شکسته شدن آرا "شیراک" و اختصای رای بخش مهمی از طرفداران "شیراک" به "میتران" نشادست. علاوه عده کثیری از دو میلیون رای دهنده که در دور اول شرکت ننمودند رای خود را برای "میتران" به صندوق ریختند.

میتران با پشتوانه بخشی از سرمایه های امپریالیستی فرانسه، محافل صهیونیستی، بخش قابل توجهی از قشرهای متوسط و توده کثیری از زحمتکشان و کارگران که نسبت به برنامهمیتران موعوم میباشند به ریاست جمهوری انتخاب گردید. اگرچه بخشی از بورژوازی فرانسه محافل صهیونیستی و بطور کلی اقاشارمرفه در انطباق با منافع طبقاتی خود به میتران رای دادند لیکن کارگران و توده زحمتکش فرانسوی نه به لحاظ انطباق منافع بلکه به لحاظ ناآگاهی طبقاتی و توهم خودوفاش رروزیونیسم و فرمیسم میتران را برگزیدند. میتران سهیوچه پاسدار منافع کارگران و زحمتکشان نیست میتران خدمتگزار سرمایه امپریالیستی میباشد. برای اینکه این مسئله روشنتر گردد به گذشته او و برخی از مواضع او نظری کوتاه می اندازیم.

میتران از پیروان انترناسیونال دوم میباشد. انترناسیونال دوم که توسط یکی از بنیان گذاران مارکسیسم، انگلس در ۱۸۸۹ به وجود آمد، پس از غلبه پورتونیستها و رویزیونیستها راه انحطاط و سقوط را پیش گرفت و کاملاً به منجلا بخت در غلتید. این درجگ امپریالیستی اول بدفاع از جنگ تجا وزگران و بورژوازی برخاسته و به "سوسیال شوینیست" تبدیل گردید و دلنشین دقیقا در باره چنین خاشنیتی بود که گفت: "این افراد دشمنان طبقاتی ما هستند و به بورژوازی گرویده اند (وظایف پرولتاریا را دارا انقلاب ما) آری میتران فرزند



خلف این خاشنین به سوسیالیسم میباشد. میتران نه سوسیالیست، بلکه سوسیال امپریالیست میباشد که در میتران آئینه تمام معای خبانت و ماهیت اوست. در ۵۵ - ۱۹۵۴ در کابینه پیرمندی فرانس و زیر کشور امپریالیسم فرانسه شد. در ۱۹۵۶ در همکاری با گیموله (نخست وزیر وقت) و در همدستی با انگلیس و اسرائیل در جنگ کانال سوئز علیه مصر عبدا لنا شرکت فعال داشت. همین آقای میتران بود که در زمان جنگ استقلال الجزایر با استقلال الجزایر بیشتد مخالفت کرده و دستور کشتار خلق الجزایر را صادر میکند. همین آقای میتران بود که در فروردین ۱۳۵۷ از قرار داد امپریالیستی کمپ دیوید که میان رژیم سادات و اسرائیل بر علیه فلسطین و توده های زحمتکش عرب بسته شد حمایت کرد. آری کسی که شوردهما بیت امپریالیستها و صهیونیستها بوده و میترا شدرکز نمیتوانا سوسیالیست باشد. بی سبب نیست که "بگین" صهیونیست نخست وزیر اسرائیل پس از پیروزی میتران خواستار دیدار فوری با وی شد و مطرح کرد: دوران تاریک روابط رژیم اسرائیل با فرانسه پایان گرفته است و میتران یک دوست واقعی برای اسرائیل است (کپها ۶۰/۲/۲۱)

چرا که میتران از دیر هنگام موضع خود را در قبال جنبش فلسطین روشن ساخته است. او پیوسته مطرح کرده است که طرفدار دولت صهیونیستی و تروریستی اسرائیل است. او همیشه همکاری امپریالیستی خود را در چارچوب "بین الملل سوسیالیست" در کنار حزب کارگران اسرائیل به رهبری گلدما بر صهیونیست ادا موده است. وی بی سبب نیست که آقای میتران پیمانان امپریالیستی نا تورا قبول داردم و قیامات ناتو، دربارها و چنین میگویند: "فرانسه تحت رهبری میتران همچنان یک عضو فادار پیمان اتلاننتیک شمالی (ناتو) خواهد ماند." (هما نجا) بدین ترتیب روشن میگردد که چرا حقیقتاً میتران نه "سوسیالیست" بلکه امپریالیستی میباشد که ما سوسیالیسم را رد و او گرنماینده بلا فصل و مستقیم بخش های سرمایه مالسی فرانسه نمی باشد لیکن حامی و مدافع کل نظام امپریالیستی حاکم بوده و تمام گفتار و کردار او در جهت تحکیم و بقای سرمایه داری امپریالیستی

لیستی میباشد. توده های زحمتکش که بر اساس توهم و ناآگاهی خود به میتران رای دادند در خوابند و بافت که همان استعمار و استثمار است که در دوره ریاست جمهوری ژیمکار در دستن متحمل میگردد و بدیندور در دوره میتران نیز همچنان باقی خواهد ماند. اینکه میتران اصلاحاتی در چهارچوب نظام حاکمانجام دهد امر عجیبی نیست. بحران اوج گیرنده سرمایه داری فرانسه، تشدید نا رضایتی ها و مبارزات طبقه کارگری طلبدنا چنین اصلاحات امپریالیستی توسط فریبکارانی چون میتران صورت بگیرد. آری میتران آلتر-ناشیو جدید سرمایه داری فرانسه است و توسط این سرمایه داری انتخاب گردید تا به مدت هفت سال آتی آثار نامیدنگی کند.

بقیه از صفحه ۲۴ پاسخ به ...
گوناگون مطرح نموده و به رفقای خارج از کشور انتقاد نموده است که چرا صرفاً در رابطه با موارد مشخص مثلاً در مقابل نظامات سلطنت طلبان و نظایران دست به این حرکتها ی تعرضی میزنند و این مسئله را بصورت مستمر چه در رابطه با دفاع از نیروهای انقلابی در ایران، چه در رابطه با زندانین سیاسی، شکنجه و ... انجام نمیدهند.

رفیق! ضمن تشکر از پیشنهادات تو، نامه ات را برای رفقای خارج از کشور ارسال کردیم تا مورد توجه قرار دهند. پیروزی باشی!

رفیق ب - ن در رابطه با موضوعی که مطرح کرده بودی ضروری است هر چه سریعتر کلیه اطلاعات خویش را طی یک گزارش برایمان بفرستی و در ضمن چگونگی امکان تماس گرفتن با خودت را نیز برایمان مشخص کنی تا در صورت لزوم در اولین فرصت با تو تماس بگیریم. پیروزی باشی!

رفیق ک - ت، هوادار دانشجوی جنوب، مسئله تشکیلاتی خودت را مطرح نمودی که از جانب برخی رفقای دیگر نیز مطرح شده است. ما ضمن استقبال و تشکر از نامه پرشور تو به اطلاع تو میرسانیم که نامه توبه مرکزیت ما زمان ارسال شده است و مرکزیت با این مسئله تشکیلاتی فرا ترا فرد تو (که بی شک شامل حال مسئله تو نیز خواهد بود) برخورد خواهد کرد. پیروزی باشی!

سایر نامه های رسیده
اسماعیل از کرمانشا - ت هوادار کومله - یکی از ارکان جنگ هوادار کومله - پ، واز بهبهان - دیپلمه بیکار ره - با قاجاری - ا، اهواز - فالجی از ماهشهر - مهدی - اصرم - ام از امفیان رضا از امفیان - ن، ک - ۳۷،۴ - چهار برادر و خواهر از یک روستای آمل - سجاده - ع از دزفول ام - آذر - الف، ف از کرج - ما زباز از لالی - بخش گارگری شیراز - غ، ر از دزفول - سلول خوش کفا - جعفر - ع از هسته انقلاب - واحد موزن هسته ف کمیته ترجمه - ف - کمیته خوزستان،

بقیه از صفحه ۲

خداوند استراحتی و خط منی تا کنونی مورد نظر ما قرار نگیرد ولی اولین شرط اصولی نبودن تا کنون است که در ضمن خود از اهداف انقلابی و سیاسی ما کنونی انقلاب دور نشود و آن است که باید درنگند. آنچه که ما از ملاتفت خود با شما می‌دانیم آنست که هر چه که ما می‌خواهیم شما را به خود نزدیک سازد. هر چه که ما می‌خواهیم شما را به خود نزدیک سازد. هر چه که ما می‌خواهیم شما را به خود نزدیک سازد. هر چه که ما می‌خواهیم شما را به خود نزدیک سازد.

بقیه از صفحه ۸

بسیار است ن گفته و خود را مزگان لاجوردی معرفی کرده بود. لاجوردی بودی سرتیپ پایداری بود. خا سواد رفیق بدلائل مختلف منجمد در سجد تحرک فرود می‌سوزد در مراسم مدین و مجلس یاد بود رفیق دست بدو همین علیه ما زمان ما زده منجمد آگهی ز سر را در روزنا مه کنیا ۶۰/۲/۲۲ منتشر کرده اند:



شهادت زنده‌اند... اکبر
سواله التتم
بزرگترین فرزند جوان و آکرمین دوستی عزیزگان جوانان که توسط گروه خائنکار آمریکایی - صدامی پیکار تابی مرگ مجروح شده بود و بعد از ۲۰ روز مقاومت در مقابل مرگ در افسوس خراجت وارده وفات یافت با اطلاع دوستان و آشنایان - با درخواست از مقامات محلی که و کاتای ولایت ده بیان آگهی می‌گردد اینده تا ...
حق و بیز حضرت عهده خیره است به قاضی است جانشینان بازمانده خون زاری بخت‌خنده اعدام شده اند. این ختم قیدیه خبر چه شد؟ ۶۰/۲/۲۲ در سجد حضرت همد واقع در حیابان جمهوری اسلامی نیش فر روزی برگزار میگردد حضور آشنایان موجب تسلی دل بازمانده آن است.
خانواده‌های ناشی - روحانیان - ظاهر آگرت عزیزان

درخواست از رفقا!

از کلمه رفقا، اعضاء هواداران و دیگر نیروهای کمونیستی که در نظرات اول ماه مه سازمان ما سازمان جریکهای فدائی خلق شرکت داشتند، درخواست میشود نظرات خود را درباره چگونگی برگزاری این نظرات و نقاط قوت و ضعف آن همراه با پیشنهادات خود، برای سازمان ارسال دارند. نظرات، انتقادات و پیشنهادات، رفقا، میتواند امکان جمع‌بندی کاملتری از برگزاری این نظرات را برای ما فراهم نماید. بی‌روزی باشد!

بقیه از صفحه ۲۸

انقلابی و کمونیست در این "بحث های آزاد"، در همان حد محدود خود، تنها چهره رژیم را افشا خواهد کرد و میداند که نیروهای انقلابی و کمونیست شرکت در بحث آزاد بورژوازی را نه بدلیل جدا بیعت امتیازات بورژوازی، بلکه بخاطر استفاده از آن بعنوان ترسبونی در جهت دفاع از انقلاب و از منافع کارگران و زحمتکشان، دفاع از آزادیهای دموکراتیک و افشای سیاست های فدا انقلابی رژیم، جا بزیمشما رند. از همین رو می‌تواند که با چنین نیروهای بی‌سر میزبخت و مناظره بنشیند.

کمونیستها، بی هیچ توهمی نسبت به ما هیت بورژوازی از برگزاری این نمایشات و بی هیچ خودباختگی نسبت به این امتیازات، از ترسبونی (و منجمد بحث آزاد) که رژیم سرمایه - داری حاکم، بر اثر فشار رجشش، در اختیار آنها قرار دهد، استقبال نمیکنند، چرا که آن را تبدیل به محکمه ای برای محاکمه فدا انقلاب و دفاع از انقلاب خواهند کرد، اما فی الواقع روشن است که رژیم جمهوری اسلامی، هرگز تصور چنین "بحثی" را هم بخود راه نمیدهد و نمایشات کنونی هم تنها فریب توده ها و تحمیل آنها را دنبال میکند. کمونیستها وظیفه دارند، این نمایشات فریب و تحمیل را که بدست رژیم و بازاری رویوت نیست ها صورت خوا هد گرفت، بپرخانه افشای نمایشات در جریان همین افشاگریها، ما هیت دغلکارانه و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و ما هیت فدا انقلابی و خائنه رویسزبونیستهای حزب توده "اکثریت" و دیگر دشمنان زحمتکشان را برای توده ها توفیح دهند.

بقیه از صفحه ۱۷

جهت نما رزه کارگران از خواست افزایش دستمزد صورت گرفت. که متنوبه خود ضرورت هنساری کارگران در پیگیری خواست اطمینان یعنی افزایش دستمزد، را بر جسته میماند. چرا که هر واضح است در شرایط کنونی ما افزایش سرمایه آور قیمتتها، برداخت منافی بدین صورت تنها مدت محدودی میتواند نگوشتای از مشکلات شدید اقتصادی کارگران را رفع نماید بعد از آن باز هم مشکلات اقتصادی کارگران با ابعاد گسترده تر ابراز وجود خواهند کرد. بنا بر این مبارزه برای افزایش دستمزد متناسب با رشد نرخ تورم برای جلوگیری از فلاکت کارگران، ضرورت مییابد.

ما ضمن اندوه فراوانی که بخاطر از دست

دادن یک رفیق کمونیست و یک پیکارگر بی‌شور و جوان داریم و در همین حال که نا آگاهی برخی خا سوادها و نا شرمی نسبت از دست دادن فرزندان را در اینگونه موقعیتهای غلط فراموش نمی کنیم، اعلام میداریم که در شرایط کنونی ما معهود را لیکه مبارزه طبقاتی وصف بنسندی نیروهای درون جامعه روز بروز بر جسته ترمی - کرده و این امکان بسیار وجود دارد که خانواده ها بدلائل طبقاتی و یا سطح آگاهی شان نتوانند مبارزه کمونیستی و انقلابی فرزندان را بپذیرند و در نتیجه فرزندان را در اندام منع مبارزه بخود منتسب سازند. این فرزندان از طبقه خود سربده و به طبقه کارگر و ما رزه آن پیوسته اند و متعلق به این طبقه هستند و خا طره شان همواره بعنوان شهیدی بر افتخار راه آزادی و سوسیالیسم در دل کارگران و زحمتکشان جا خواهد است. گرامی باد خا طره رفیق شهید مزگان رضوانیان مرگ بر امیر سالیسم و ارتجاع داخلی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۱۳۶۰/۲/۲۵

شعار مرحله ای شما در برخورد به قدرت سیاسی یعنی شعار رفیق "طلوع بد" از حزب جمهوری اسلامی و انحرافات تا کنونی ناشی از این شعار و هدف قرار دادن کل رژیم جمهوری اسلامی (همه جناحها و از جمله لیبرالها) بعنوان هیئت حاکمه فدا انقلابی، امکان پذیر نخواهد بود.

بحث آزاد رژیم نمایش فریب و تحمیق توده‌ها

یادداشت‌های سیاسی هفتگی

سالگرد تولد رفیق هوشی مین



۱۹ مه (۲۹ اردیبهشت): تولد یکمین سالگرد تولد رفیق هوشی مین رهبر انقلابی حزب کمونیست خلق وپننام، راکرامی مبداریم.

"جمهوری اسلامی" وارث خلف رژیم شاه!

توده‌های زحمتکش خلقهای ایران خوب به یاد دارند که رژیم وابسته امپریالیسم شاه خائن در جهت ادامه چپاول امپریالیستی جها نخوار و تخفیف بحران‌های اقتصادی جوامع امپریالیستی و "نجات" شرکتی انحصاری در حال ورشکستگی، زپول بغارت رفته نفعت میلیاردها تومان به دولت‌های امپریالیستی وام میداد و اقدام به خرید سهام شرکت‌های انحصاری و بزرگ مینمود. قراردادهای کلان رژیم شاه خائن با کمپانی کرایسلر (جهت خرید قطعات ساخته شده پیکان - که در زمان فعلی نیز رژیم جمهوری اسلامی قرارداد ۱ میلیارد دلیره‌ای به همین منظور با امپریالیسم انگلیس امضا میکند - پیکار ۱۰۴) و خرید بخشی از سهام شرکت کروب آلمان غربی از آن جمله بود.

اکنون رژیم جمهوری اسلامی که برای تحکیم و گسترش سرمایه‌داری وابسته به همان راه می‌رود که رژیم‌های تپیشه شاه جلادمیرفت، مشغول بستن قراردادهای مشابه با شرکت کروب و دیگر کمپانی‌های بزرگ امپریالیستی می‌باشد. "دکتر نوربخش معاون وزارت امور اقتصادی و دارایی در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری پارس علت و نتایج بغراضی به آلمان فدرال را تشریح کرد و گفت: این سفر بمنظور شرکت در مجمع سالانه کمپانی دویچه بانک که ایران سهامدار آن است صورت گرفت. دکتر نوربخش خاطر نشان ساخت در این سفر با مقامات کمپانی کروب نیز مذاکره بقیه در صفحه ۲۲

این نمایشات سیاسی و شوهای تلویزیونی، اهداف بلندخویش را در سرکوب انقلاب، تحمیق توده‌ها و حفظ موجودیت خود، به شمر برساند. او از یک سو با نشان دادن رویزونیست‌ها در کنار خویش و بحث وجدل با آنها، میکوشد تا آنها را نمایندگان واقعی طبقه کارگر و مارتکبستی واقعی جا بزند و از این طریق ذهن توده‌ها را نسبت به مارتکبسم - لنینیسم و نیروهای واقعا کمونیست، مخدوش سازد و متقابلا نوکران خود را در درون جنبش کارگری که تنها لباس مارتکبسم را به تن کرده اند، به معنی حزب توده و "اکثریتی‌ها" نظیر نماید. نوکرانی که کارنا مه خبانت یکی از آنها (حزب توده) به انقلاب و جنبش کارگری، سالهاست که صفات سیاسی از خود بجای گذاشته و دیگری (اکثریت) جدیدا به کاروان خیانت و ارتداد دیپوسته است. اینان در "بحث آزاد"، تنها تلاششان مخدوش کردن مرزهای انقلاب و ضدانقلاب و تطهیر سیاست جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی خواهد بود و این همان چیزی است که رژیم جمهوری اسلامی را کاملاً مخدوش خواهد کرد. رژیم جمهوری اسلامی که تا دیروز با کودنی خاص خود وجود چنین "دوستان" وفاداری در جامعه غافل بود و فریادهای خیانت‌آنها را به انقلاب ناطیده میگرفت، اکنون بهوش آمده و به اهمیت چنین ابزارها و عروسک‌های در صحنه سیاست ایران پی برده است.

بدون شک اگر رژیم جمهوری اسلامی، جس میگرد که این "بحث آزاد" حتی کوچکترین خدشای سیاسی را حاکمیت و نظام او وارد می آورد و یا آنکه این بحث در نتیجه خود کمترین سئوالی را در مورد ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و سیاست‌های آن تاکنون، در ذهن توده‌ها ایجاد می نماید، هرگز به چنین حرکتی تن در نمی‌داد. بیهوده نیست که برای برگزای این نمایش فریبکارانه، چنین عناصری را دست چپین کرده است. رژیم جمهوری اسلامی هر اس دارد که یک نیروی انقلابی در این میا حه شرکت جوید و این هر اس و منطقی است. او هنوز تجربه همان افشاکریهای محدود رهبران خیانتکار فعلی فدائیان اکثریت، زمانیکه هنوز یک نیروی انقلابی بود، در بحث با بنی صدر، از یاد نبرده است. او میداند که ورود نیروهای راستین بقیه در صفحه ۲۶

سیاست جدید، "چماق و نان شیرینی" رژیم جمهوری اسلامی، "شمره" جدید خویش را در دعوت نیروهای معین و حساب شده‌ای به بحث آزاد را دیو تلویزیونی، نشان داد. این "بحث آزاد" قرار است روزیکشنبه و دوشنبه همین هفته به نمایش گذاشته شود. لیکن از هم اکنون میتوان، سرنوشت و نتیجه‌ها را پیش‌بینی کرد، که جدا علی اعطای "آزادی" رژیم را نشان میدهد، حدس زد. آنچه که ما را به این نتیجه "رهنمون میسازد، ترکیب نیروهای شرکت کننده در بحث است. میزبان این مجلس گرم رژیم جمهوری اسلامی و بطور خاص رادیو - تلویزیون وابسته به آن است که کارنامه درخشان "خویش را در ایفای نقش تحمیق توده‌ها و مسموم کردن ذهن آنها و تحریف حقایق و واقعیات سیاسی جامعه ایران، به اندازه کافی نشان داده است. شرکت کنندگان در "مجلس بحث" سردمداران "مکتبی" رژیم، به علاوه مدافعین آتشین مزاج رژیم جمهوری اسلامی، بویژه رویزونیست‌های خائن توده‌ای و "اکثریت" میباشند.

در بحث‌های ایدئولوژیک، حزب توده بدون شک همچون گذشته از جنبه‌های بنیادین مشترک اسلام و مارتکبسم سخن خواهد گفت و بدین ترتیب با رقیبای مکتبی خود به "وحدت" خواهد رسید و مجلس به گرمی و خوشی تمام خواهد شد. در بحث سیاسی، همه آنها در دفاع از مبانی رژیم جمهوری اسلامی گوی سبقت را از یکدیگر خواهند ربود. در عین حال که برپا به توافق پسندین خود در دفاع از رژیم سرمایه‌داری حاکم، بحث‌های دائمی پیرامون چگونگی حفظ مناسبات سرمایه‌داری موجود و چگونگی غلبه بر بحران عمیق حاکم بر آن، به جنگ و ستیز لفظی خواهند پرداخت. اما آنچه که از هم اکنون نتیجه آن روشن است، این است که در پایان این "بحث آزاد هیچ چیزی" مورد تعرض و حمله واقعی قرار نخواهد گرفت، مگر منافع واقعی انقلاب، طبقه کارگر، مارتکبسم لنینیسم و نیروهای انقلابی!

و به بنیان مکتوب، آن چیزی که در جریان بحث و سراجا آن، در معرض هیچگونه تعرض و خدشای قرار نخواهد گرفت، خدا انقلاب، سرمایه‌داری حاکم و رژیم نماینده آن و بالاخره متحدین و نوکران حلقه به گوش آنها یعنی رویزونیست‌ها خواهد بود. رژیم جمهوری اسلامی، مزورانه میکوشد تا با

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست